



# نماز و تعالیٰ فرهنگ

■ معرفت و تربیت ■ جامعہ و خانواده ■ انقلاب اسلامی ■ تشکل‌ها و سازمان‌ها

نشریہ الکترونیکی علم و ترویج  
ویسٹرن ٹیچنگ سوسائٹی، پریسنگ ہاؤس ۱۹۹۶  
پیشہ شمارہ اول / زمستان ۱۳۹۲



وای بر نماز خوانان  
نماز در خوانش تاریخ نور  
با نماز نفس نمی کشیم  
بہر خدا نماز مخوان  
قبلہ آزادی  
نماز در رہگذر انقلاب  
مدرن ترین فرمول مدیریتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

کاری از: مرکز تخصصی نماز  
تهیه: واحد پژوهش و مطالعات راهبردی  
مدیر مسئول: محمد صادق کفیل  
سردبیر: ابوالفضل علی آبادی

سرمقاله ..... ۴

## معرفت و تربیت

- وای بر نماز خوانان ..... ۶  
خدمات متقابل نماز و خانه ..... ۹  
نماز در خوانش تاریخ نور ..... ۱۳  
حضرت امیر علیه السلام نسخه اصل اسلام است ..... ۱۸  
طعم عبودیت از منظر اسطوره عبادت ..... ۲۳

## جامعه و خانواده

- فرهنگ نماز و سبک زندگی ..... ۲۸  
با نماز نفس نمی کشیم ..... ۳۱  
سرچشمه خوبی ها ..... ۳۵  
برای ارتقای فرهنگ دینی زنان، باید هوشمندانه تر عمل کرد ..... ۳۹  
مکانیزم های جرم زدایی نماز در جامعه ..... ۴۳  
بهر خدا نماز بخوان ..... ۴۶

## انقلاب اسلامی

- نماز در رهگذر انقلاب ..... ۲۸  
قبله آزادی ..... ۵۵  
به درستی که نماز نهی می کند از ..... ۶۰

## تشکل ها و سازمان ها

- کاردر سایه نماز ..... ۶۶  
مدرن ترین فرمول مدیریتی ..... ۵۵  
مرکزی تخصصی از جنس بندگی ..... ۷۸



■ قنوت در ویرایش و کوتاه کردن

■ مطالب آزاد است. آثار مندرج

■ در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان

■ آنهاست. نقل، تکثیر و

■ توزیع قنوت برای تمامی افراد آزاد

■ است. با تشکر از تمامی عزیزانی که ما را در

■ تهیه قنوت یاری کردند.



ستاد اقامه نماز  
مرکز تخصصی نماز

همکاران تحریریه: حجج الاسلام: سید محمد عبداللہی، دکتر ابوالفضل ساجدی، ہادی عجمی، محمد صادق منتظری، دکتر محمد رضا نظری، مہدی منتظری، مہدی اخلاقی  
ویرایش: رامین باباگل زاده-جعفر مروجی  
مدیر ہنری: محمد حسین مؤیدی  
اینفوگرافی: مینو حیات بخش



## برای دوست داران تعالی بخشی فرهنگ

محمدصادق کفیل

### اول:

متناسب با اطلاعات به دست آمده، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ تولید ابزار فرهنگی، با توجه به فناوری‌های نوین و استمرار در اجرای برنامه‌ها، گام‌های مهم دیگر در عرصه فرهنگ‌سازی در جامعه می‌باشند.

### حرف آخر:

از آنجا که کمال انسان‌ها، در جامعه اسلامی بر مبنای دین‌محوری می‌باشد، فرهنگ‌سازی در چنین جامعه‌ای نیز بر محور عبادات تعریف می‌شود. با این نگاه، نماز یکی از مهمترین ابزارها در جهت حرکت تکاملی بشر به سمت کمال می‌باشد و به تعبیر روایتی از امام رضا علیه‌السلام «موجب عزت و جاودانگی و قدرت انسان در دنیا می‌شود»<sup>۱</sup>. بنا به بیان قرآن<sup>۲</sup> نیز، مهمترین وظیفه مسلمان پس از قدرت گرفتن در زمین، اقامه نماز می‌باشد. به راستی نقش مدیران در اشاعه و فرهنگ‌سازی این امر مهم در جامعه چیست؟ و چگونه می‌توانند به این دستور الهی جامعه عمل پیوشانند؟

انسان‌ها در طول زندگی به دنبال رفع نقص‌های خود هستند و همواره به سمت کمال طلبی حرکت می‌کنند؛ این نگرش، هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی آنان ظهور و بروز دارد. فخر فروشی ملت‌ها به یکدیگر در متمدن بودن و حتی ادعای داشتن فرهنگ برتر، از نشانه‌های این کمال‌گرایی اجتماعی می‌باشد، تا بدین وسیله از کاستی‌های شخصیتی و فرهنگی خود بکاهند. به عنوان مثال، برخی کشورها با معیار قرار دادن جوامع توسعه یافته غربی، آنها را در عرصه فرهنگ و علم الگو قرار داده و سعی در کامل کردن خود با رسیدن به آنان دارند. اما سؤال اینجاست که در جامعه دینی، کمال حقیقی چیست؟

### دوم:

فرهنگ، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بیرونی بشریت است. فرهنگ هر جامعه به عنوان مهم‌ترین معیار سنجش و داوری، بیانگر میزان رشد و تکامل آن جامعه در مسیر کمال و یا عقب ماندگی به شمار می‌آید. در این میان، عملکرد مدیران، نقش اساسی در ارتقای فرهنگ جامعه دارد. در گام اول این مسیر، شناخت صحیح و اشراف دقیق به فضای بومی و فرهنگی جامعه و سپس برنامه‌ریزی

پی‌نوشت‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۶۱.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.



# معرفت و تربیت

وای بر نماز خوانان  
خدمات متقابل نماز و خانه  
نماز در خوانش تاریخ نور  
حضرت امیر علیه السلام نسخه اصل اسلام است  
طعم عبودیت از منظر اسطوره عبادت





در کلمات عارفان، عباراتی وجود دارد متضمن این نکته که: «علم، حجاب اکبر است»؛ و صد البته این نه ذم و کنایتی به علم، بلکه هشدار و بیداری‌اشی به عالم است.

علی مهجور  
(دانشجوی دکتری دین پژوهی)

یادداشت

## وای بر نماز خوانان!

نگاه به کارکرد تربیتی نماز

مقولاتی که نیازمند تجربه‌اند بسیار سودمند است، اما اگر سبب شود که مطالعه‌کننده با دانستن مطالبی درباره آن موضوع، خود را از تجربه بی‌نیاز ببیند و دیگر وارد عرصه عملی آن موضوع نشود، مسلماً چنین مطالعه‌ای ناتمام است. حجاب بودن علم را مثلاً درباره «توحید» می‌توان چنین تبیین کرد که: اگر کسی تمامی کتاب‌های کلامی و عرفانی را درباره توحید و چند و چون اسما و صفات الهی بخواند، تنها ذهنش را از این مفاهیم عالی انباشته است؛ پس از مطالعه این کتاب‌ها، او

بارها تفاوت «نماز خواندن» و «نماز گزاردن» را خوانده‌ایم، شنیده‌ایم و چه بسا وقتی خواسته‌ایم از نماز سخن بگوییم، بدان متذکر شده‌ایم؛ اما این موضوع نیز مثل بسیاری از موضوع‌های دیگر که دائماً تکرار شده‌اند، برای ما آن قدر عادی شده که کمتر ذهن خود را درگیر آن می‌کنیم.

در کلمات عارفان، عباراتی وجود دارد متضمن این نکته که: «علم، حجاب اکبر است»؛ و صد البته این نه ذم و کنایتی به علم، بلکه هشدار و بیداری‌اشی به عالم است. مطالعه در باب

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ ۶



باید به تفکر و تأمل در باب توحید بپردازد و در تمام لحظات زندگی، خداوند را چنان شاهد و ناظر بر زندگی خود ببیند که فکرا شتابه و گناه نیز در او به وجود نیاید. اکتفا به آن کتاب‌ها و بی‌اعتنایی به سلوک عملی در طریق توحید، از علیم به آن، حجاب می‌سازد.

اگر با این مقدمه به سراغ نماز بیاییم و بر تمایز بین نماز خواندن و نماز گزاردن تأکید کنیم، درمی‌یابیم که در موارد بسیاری، نماز خواندن حجابی برای انسان نماز خوان می‌سازد که او را از نماز گزاردن بازمی‌دارد. در واقع، نماز خواندن، شرط لازم نماز گزاردن است، اما شرط کافی نیست. هنگامی که قرآن کریم، ندای «وَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» سر می‌دهد و نماز خواندنی را که دل از یاد خداوند تهی ساخته‌اند و به ریا و خودنمایی، سجاده آلوده‌اند و احسان را منع کرده‌اند تحذیر می‌کند، روشن است که برای انسان مسلمان، کسب شرایط کافی در رسیدن به انجام نمازگزار، تا چه اندازه‌ای اهمیت دارد.

در کلمات امامان معصوم علیهم‌السلام، مطالب بسیاری درباره رستگاری و نجات در زندگی ابدی وجود دارد. این مطالب که عمدتاً مؤمنان را به ادای حقوق خداوند و حقوق مردم توصیه می‌کنند، شرط رستگاری را ادای تمامی این دیون به نحو توأمان ذکر کرده‌اند؛ از این رو، اخلاق و آداب معاشرت با مردم، که در روایات اسلامی بر آن تأکید شده است، حتماً در کنار ادای حقوق خداوند، مایه نجات خواهد بود. از سوی دیگر، انجام عبادات و مناسک شرعی که در اغلب موارد در حوزه حقوق الهی قرار دارد، بدون انجام وظایف مؤکد در قبال مردم، اسباب رستگاری را فراهم

نخواهد ساخت. از آن‌جا که موضوع این نوشتار درباره نماز خواندن است، عمدتاً به این دسته دوم، یعنی حقوق خداوند در قالب نماز خواهیم پرداخت.

روایاتی که درباره نماز به دست ما رسیده است، در برخی مضامین، نماز را شرط قبولی سایر اعمال معرفی می‌کنند: «انِ اَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ اِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سَواها و اِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سَواها». بر اساس چنین روایاتی، در بادی امر به نظر می‌رسد، کسانی که نماز خوانده‌اند و در هنگام نماز. مثلاً. شرایط ظاهری و باطنی، اعم از احکام مقدمات، فروغ و ارکان نماز و نیز حضور قلب و توجه به عبارات و واژگان را رعایت کرده‌اند، دیگر لازم نیست نگران سایر اعمالشان باشند و بهشت در انتظار آنان خواهد بود؛ اما از آن‌جا که باید تمامی روایات را در کنار هم بفهمیم، واضح است که یکی از مهم‌ترین شرایط نمازگزار، تقوای او در تمامی زندگی است. عبارت: «انِ الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»، علاوه بر آن‌که بیان‌گر تأثیر نماز بر انسان است، در فحوای خود، نماز واقعی را نیز توصیف می‌کند؛ بر این اساس، نمازی که نمازگزارش از فحشا و منکر احتراز نمی‌کند، مقبول‌پروردگار نخواهد بود.

این نگرش به نماز، سبب خواهد شد که ما از عبادتی که تنها می‌تواند مایه آرامش فردی عبادت‌کننده باشد (که البته باید باشد)، مناسکی را بر سازیم که کارکرد تربیتی نیز داشته باشند. از طریق پای‌بندی جامعه به نماز گزاردن، می‌توانیم یکایک افراد را به فضایل اخلاقی رهنمون کنیم. اگر برای نمازگزار مسجل شود که راست‌گویی،

هنگامی که قرآن کریم، ندای «وَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» سر می‌دهد و نماز خواندنی را که دل از یاد خداوند تهی ساخته‌اند و به ریا و خودنمایی، سجاده آلوده‌اند و احسان را منع کرده‌اند تحذیر می‌کند، روشن است که برای انسان مسلمان، کسب شرایط کافی در رسیدن به انجام نمازگزار، تا چه اندازه‌ای اهمیت دارد.







امانت‌داری، احتراز از غیبت، کینه و سوءظن، خوش اخلاقی و احترام به قانون، شرایط مقبولیت نمازند، مسلماً شیوه سلوک او در زندگی، سمت و سوی اخلاقی خواهد یافت.

در این راستا، نیازمند معطوف کردن نگاه اخلاقی به نگاه فقهی هستیم. از گذشته تاکنون، معمولاً وقتی روحانیان مامی خواهند مسائل شرعی نماز را بگویند، به بیان مسائل فقهی اکتفا می‌کنند؛ برای مثال، وقتی مقدمات یا مبطلات نماز بر اساس رساله‌های عملیه گفته می‌شود، باید در ادامه آن، از شرایط قبولی نماز نیز سخن بگویند. اگر داشتن طهارت برای نماز خواندن واجب است و جزء شرایط صحت فقهی نماز است، قهر نبودن با برادر یا خواهر مؤمن نیز از شرایط مقبولیت نماز عندالله است. توأم کردن توصیه‌های اخلاقی مبتنی بر روایات با احکام فقهی برآمده از استفتائات، می‌تواند گامی عملی در ارتقای اخلاقی و تربیتی جامعه باشد. نکته دیگر که شایان توجه است، دگرگون کردن نگرش عوامانه به احکام شرعی است.

طرح فروع فقهی جزئی و پیچیده در بین مردم عامی، هرچند ممکن است در موارد بسیار اندک به درد آن‌ها بخورد، اما از سوی دیگر، علاوه بر باریک بین کردن عوام و دادن نگرش و سواس گونه به آن‌ها، موجب خواهد شد هرچه بیشتر توجهشان از لایه‌های عمیق دینی، که نیازمند تربیت است، غافل بماند و به لایه‌های سطحی دین، که سهل الوصول است، معطوف شود. اصولاً ذهن عوام، در کاوش در باب دین، ذهنی کنج‌کاو و جویای یقین است. ماجرای خرید گاو در بین مؤمنان بنی اسرائیل که در سوره «بقره» آمده، گویای

این واقعیت است که مردم دوست دارند مسئولیت تمام افعالشان را به عهده خدا یا پیامبر یا امام و یا روحانی بیندازند و همه چیز را از او بپرسند.

در مقابل مردم، وظیفه روحانیان، وادار کردن عامه مردم به تفکر و نگرش خردمندانه و مسئولانه است. مردم با انجام موبه موی احکام فقهی گمان می‌کنند وظیفه خود را در برابر شرع انجام داده‌اند و گاه این مسئله موجب می‌شود که از مهمات اخلاقی مورد توصیه دین آن قدر غافل بمانند که شباهت خود به مسلمان واقعی را از دست بدهند و تنها نماز بخوانند و روزه بگیرند! هر قدر ما بتوانیم مردم را در دین اخلاق مدار سازیم، حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها را در مقابل یکدیگر و نیز در مقابل خداوند، تقویت کرده‌ایم. عمل به حکم فقهی، حجیت شرعی را به دست می‌دهد و عمل به حکم اخلاقی، حجیت وجدانی را برمی‌سازد. این دو عنصر، نه در مقابل هم، که در کنار هم می‌توانند مؤمنانی خردمند و نمازگزارانی متخلق را به جامعه تحویل دهند.

**معمولاً وقتی روحانیان ما می‌خواهند مسائل شرعی نماز را بگویند، به بیان مسائل فقهی اکتفا می‌کنند؛ برای مثال، وقتی مقدمات نماز یا مبطلات نماز بر اساس رساله‌های عملیه گفته می‌شود، باید در ادامه آن، از شرایط قبولی نماز نیز سخن بگویند.**

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ ۸



### پی‌نوشت‌ها

۱. این نکته در نامه‌ای که امام خمینی رحمته‌الله علیه خطاب به فرزندان، سیداحمد خمینی رحمته‌الله علیه نوشته‌اند نیز آمده است.
۲. ماعون، آیت ۷۴.
۳. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۶۸.
۴. عنکبوت، آیه ۴۵.

## عطر مرا بیاور!

دانشستان

علی بانسی

شهید مطهری علیه السلام  
در کتاب اسلام  
و مقتضیات زمان  
می نویسد:  
اگر آب تصفیه شده  
برای هر خانه ای لازم  
است، اگر هوای پاک  
برای هر کسی لازم  
است، اگر غذای سالم  
برای انسان لازم  
است، نماز هم برای  
سلامتی انسان لازم  
است.

وقت نماز که می‌شد، باید اول وقت آن را به جامی آوردند؛ حتی در اوج اشتغالات و گرفتاری‌ها، به نماز اول وقت مقید بودند.

اواخر جنگ بود و سران کشورهای اسلامی برای میانجی‌گری و صلح ایران و عراق، به ایران آمده بودند. جلسه مهمی بود و تصمیمات بسیار مهمی باید گرفته می‌شد. صدای اذان به گوش می‌رسید. ناگهان وسط جلسه، حضرت امام بلند شدند و فرمودند: «می‌خواهم نماز بخوانم.»

همیشه مقید بودند که به هنگام نماز، خود را با عطر خوش بو کنند. فرمودند: «عطر مرا بیاور!» پس از عطر زدن، به نماز ایستادند و دیگران هم پشت سر ایشان نماز جماعت خواندند.

## خدمات متقابل نماز و خانه

نگاه به فرایند فرهنگ‌سازی نماز در خانواده

### طرح مسئله

شهید مطهری علیه السلام در کتاب اسلام و مقتضیات زمان می‌نویسد: «نماز، قطع نظر از هر چیزی، طیب سرخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامتی مفید است، اگر آب تصفیه شده برای هر خانه‌ای لازم است، اگر هوای پاک برای هر کسی لازم است، اگر غذای سالم برای انسان لازم است، نماز هم برای سلامتی انسان لازم است. شما نمی‌دانید اگر انسان در شبانه‌روز ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار اختصاص بدهد، چقدر روحش را پاک می‌کند! عنصرهای روحی مودی به وسیله یک نماز، از روح انسان بیرون می‌رود.» اگر بخواهیم انسان‌ها را به درخت تشبیه کنیم، و خانه را به بوستانی که والدین باغبان



فاطمه زمانی

(کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی)

مقاله

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۹ پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳





شخصیت افراد،  
بسیار تحت تأثیر  
تربیت خانوادگی و  
رفتار والدین است؛  
حتی اگر والدین  
نماز خوان و مذهبی  
باشند، اما به تربیت  
فرزندان خود توجه  
کافی نداشته باشند،  
احتمال خسران  
و گمراهی فرزند را  
فراهم آوردند.

باشند، احتمال خسران و گمراهی فرزند را فراهم آورده‌اند!  
فرهنگ‌سازی برای اقامه نماز در خانه، هم نیازمند تأملات نظری و هم محتاج اقدامات عملی است. راقم این سطور قصد دارد به قدر توان خود، تنها به نکاتی عملی و کاربردی در موضوع فرهنگ‌سازی اقامه نماز در خانه و خانواده اشاره کند و نکات بیشتر را به محققان و فرصت‌های بعدی مוקول می‌کند.

### مسئله ویژه

اولین نکته‌ای که برای پرداختن به مسئله نماز در خانه و خانواده، باید به آن توجه ویژه‌ای داشت، جدا کردن حساب نماز از باقی امور تربیتی و آموزشی است. فرزندان در خانه وظایف و برنامه‌هایی دارند؛ مانند

آن هستند، اصطلاح «نونهال» واژه مناسب و معناداری برای دوران کودکی و نوجوانی است؛ دوره‌ای که افراد خود را آغاز رشد و بالندگی می‌کنند؛ دوره‌ای که روح و شخصیت آنان مانند جسمشان تکامل می‌یابد؛ مقطعی حساس که اگر شخصیت فردی و اجتماعی آنان به نیکویی شکل بگیرد، مقدمه‌ای خواهد بود برای سال‌های ثمردهی و موفقیت.

«خانه» و «خانواده»، اولین محیطی است که انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند و اگر محیطی معنوی و دینی نباشد، همچون سنگ بنایی خواهد بود که تا ثریا، دیوار شخصیت افراد را کج خواهد بُرد! شخصیت افراد، بسیار تحت تأثیر تربیت خانوادگی و رفتار والدین است. حتی اگر والدین نماز خوان و مذهبی باشند، اما به تربیت فرزندانشان خود توجه کافی نداشته



رمز ایجاد  
 فرهنگ سازی نماز  
 در خانه هاست؛ به  
 عبارت دیگر، باید در  
 خانه محیطی فراهم  
 شود که اعضای  
 خانواده، مانعی برای  
 اقامه نماز نداشته  
 باشند، نه این که نماز  
 برای اهل خانه به  
 مسئله‌ای تبدیل شود  
 که به صورت اجبار آن  
 را انجام می دهند.



### آموزش عملی

در کنار آموزش و توصیه زبانی، آموزش عملی نماز، یکی از بهترین روش هاست. اگر والدین در خانه اخلاق نیکو داشته باشند، خواه ناخواه کودکان از آنان الگو می گیرند. کودکان می بینند و تقلید می کنند؛ از این رو، والدین باید با رفتار، کودکان را به نماز ترغیب کنند و توجه داشته باشند که فرزندان از رفتار آنان الگو می گیرند، نه از امر و نهی های لسانی آنان؛ چنان که در مَثَل معروف هم آمده: «رطب خورده، منع رطب نمی کند».

### هدیه

حافظه ما هرازگاهی به خاطرات تلخ و شیرین دوران کودکی مراجعه می کند و چه نیکوست که دسته ای از این خاطرات ماندگار، متعلق به امور عبادی، نماز خواندن و اولین روزهای حضور در مسجد

کمک در کار خانه، به مدرسه رفتن و مواردی که والدین آنان را مکلف به انجام آن می کنند، اما نماز خواندن فرزندان، امری معنوی و اخلاقی است و نباید جنبه اجبار و اکراه داشته باشد. شناخت پروردگار و علاقه سخن گفتن با خداوند، رمز ایجاد فرهنگ سازی نماز در خانه هاست. به عبارت دیگر، باید در خانه محیطی فراهم شود که اعضای خانواده، مانعی برای اقامه نماز نداشته باشند، نه این که نماز برای اهل خانه به مسئله ای تبدیل شود که به صورت اجبار آن را انجام می دهند. خانه، نیازمند شرایط آزادانه ای است که در آن افراد به طور طبیعی، جذب ارتباط با پروردگار شوند و همان نگاهی را به نماز داشته باشند که خداوند خواسته است؛ یعنی نمازی که طهارت بخش روح و فراهم کننده صفای باطن باشد.





### لا اکراه فی الدین

همان گونه که می‌دانید، اکراه و اجبار در امور تربیتی و معنوی، اثر عکس دارد. خدای ناکرده به هر دلیل، اگر فرزندان و اهل خانه برای خواندن نماز رغبت نشان نمی‌دهند، نباید با اکراه، اجبار و ادبیاتی قهرآمیز، آنان را به معروف نماز امر کرد. وظیفه والدین دعوت، بسترسازی و تشویق نونهالان و جوانان است، که اگر به نیکویی از عهده آن برآیند، دیگر به اجباری بودن نماز در خانه و خانواده نیازی نیست.

### وظیفه فرزندان

یکی دیگر از اموری که در مسئله فرهنگ سازی نماز در خانواده قابل طرح است، این که فرزندان، پرچم‌دار این امر خطیر باشند. در وقت نماز، چه در روزهای عادی و چه در مهمانی‌ها، بدون این که بزرگ‌ترها را امر به نماز کنند، از جای خود برخاسته و نماز را اقامه کنند. این اقدام محترمانه فرزندان، دیگران را نیز به نماز ترغیب کرده و چه بسا اثرگذاری بیشتری از تذکرات مستقیم داشته باشد.

### سخن پایانی

خانه و خانواده، اولین نهاد تشکیل دهنده جامعه و اولین محیطی است که انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند. خانه، نهاد امنیت و آرامش است. حضور فرهنگ نماز در خانه، که همانا ارتباط معنوی با پروردگار و تأمین‌کننده صفا و صمیمیت در خانه‌هاست، موجب تحکیم مبانی و زیرساخت‌های خانواده‌ها می‌شود. سهل‌انگاری در این زمینه نیز چه بسا موجب خسارتی شود که جبران آن ممکن نباشد.

باشد بدین منظور ناهار به بعد از نماز ظهر و عصر موکول شود یا رفتن به سفر، پس از نماز صبح در نظر گرفته شود. این توجه به ساعت اذان، نماز را در خانه نهادینه کرده و ضمن جنبه تبلیغی، موانع مرسوم را برای خواندن نماز از بین می‌برد. چه بسا در هنگام نماز، سفره ناهار پهن شود و افراد برای احترام به میزبان، از فضیلت نماز جماعت بگذرند! جوان‌ترها نیز پس از آن نماز را فراموش کنند یا موقعیت مناسب برای خواندن نماز پیش نیاید.

### آموزش غیرمستقیم

در کنار آموزش‌ها و توصیه‌های مستقیم، آموزش و تربیت غیرمستقیم نیز از ضروریات امر فرهنگ سازی نماز در خانه است؛ مانند در اختیار قرار دادن لوازم کمک آموزشی مربوط به نماز و کتاب‌هایی که خود فرزندان به صورت مستقل بتوانند از آن اطلاعات کسب کنند. امروزه اسباب بازی‌هایی در بازار موجود است که در آموزش قرائت نماز، نونهالان را یاری می‌کند، یا کتاب‌ها و جزواتی وجود دارد که با طراحی‌ها و نقاشی‌های متنوع، به مسئله نماز پرداخته‌اند. در اختیار قرار دادن این ابزارهای آموزشی، این امکان را برای فرزندان ایجاد می‌کند که خود به سوی نماز رفته و آن را انتخاب کنند.

دعوت از فرزندان برای رفتن به مسجد، شرکت در مراسم مذهبی و اهمیت تعظیم شعائر الهی، به ویژه در ماه مبارک رمضان، از دیگر مواردی است که در کنار توصیه صریح می‌تواند در تقویت جنبه معنوی خانواده‌ها اثرگذار باشد.

**دعوت از فرزندان برای رفتن به مسجد، شرکت در مراسم مذهبی و اهمیت به تعظیم شعائر الهی، به ویژه در ماه مبارک رمضان، از دیگر مواردی است که در کنار توصیه صریح می‌تواند در تقویت جنبه معنوی خانواده‌ها اثرگذار باشد.**



# نماز در خوانش تاریخ نور

شیوه‌های ترویجی نماز در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام

مهدی رزاقی طالقانی  
کارشناسی ارشد تاریخ

مقاله

بیان فواید، اسرار  
و آثار نماز در قالب  
کلامی صائب و اثرگذار  
و در قالب توصیه‌هایی  
با محتوای بازدارندگی،  
از جمله شیوه‌های  
ترویجی پیامبر صلی الله علیه و آله  
در بحث نماز بود.  
توجه و شناخت از  
جامعه عربی که هنوز  
خصلت‌های جاهلی  
خود را حفظ کرده،  
به‌کارگیری شیوه‌های  
انذاری و تشویقی  
را که در این شرایط  
نفوذ فراوانی دارد، به  
شیوه‌های کارآمد  
می‌کند.

به مقتضای موقعیت‌های خاص تاریخی جامعه هم‌عصرشان، بدان پرداخته‌اند. در این مقاله به شیوه‌های ترویج نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام خواهیم پرداخت.

## شیوه‌های ترویجی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

شیوه‌های ترویجی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱. شیوه‌الگو محور: پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله با توجه به مسئولیت‌ستریگ الهی‌شان، در رأس هرم توجهات جامعه اسلامی قرار می‌گیرند و اعمال و رفتار ایشان، جنبه‌الگویی و ترویجی می‌یابد و به ظرفیت ترویجی بالقوه تبدیل می‌شود. برای نمونه، توجه ایشان به نماز اول وقت، بازتاب ترویجی در جامعه می‌یابد. آنس بن مالک می‌گوید: «معمولاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسافرت، هر جا که وقت نماز می‌رسید، همان جا (توقف می‌کرد و) نماز می‌گزارد.»<sup>۱</sup>

۲. شیوه‌انذار و تشویق: بیان فواید، اسرار و آثار نماز در قالب کلامی صائب و اثرگذار و در قالب توصیه‌هایی با محتوای بازدارندگی، از جمله شیوه‌های ترویجی پیامبر صلی الله علیه و آله در بحث نماز بود. توجه و شناخت از جامعه عربی که هنوز خصلت‌های جاهلی خود را حفظ کرده، به‌کارگیری شیوه‌های انذاری و تشویقی را که در این شرایط نفوذ فراوانی دارد، به شیوه‌ای کارآمد می‌کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نحوی چشم‌گیر و در قالب سخنان فراوانی، از این

امتداد فرهنگ‌سازی در قالب ترویج اصول و قواعد دینی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ائمه اطهار علیهم السلام، سیر رو به تکامل تاریخی دارد که در خلال آن‌ها می‌توان راه به اسراری برد که در فرم و محتوای این اصول و قواعد، نهان است. هرچند پیامبر صلی الله علیه و آله بنا به وظیفه الهی، تمام سرفصل‌های وجوب و استحباب معارف و قواعد دینی را گاهی به صورت کامل و گاهی به طور نشانه‌گذاری شده برای دریافت تام در آینده ذکر کرده‌اند، اما در شیوه‌های ترویج این اصول و غالب معارف اسلامی، بنا به عدم فهم جامعه و هم‌چنین عدم تکامل اندیشه دینی، امکان بیان و اجرای تام را -تعمداً و عاقلاً- نیافتند و این وظیفه به جانشینان ایشان، یعنی ائمه اطهار علیهم السلام واگذار شد.

بررسی سیر تاریخی شیوه‌های ترویج نماز از پیامبر مهرورحمت صلی الله علیه و آله تا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، نشان دهنده ظرفیت ویژه و بالقوه این عمود جلیل دین است که در گستره نامنتهای خودسازی انسان تا معراج به خدای خوبی‌ها، امتدادی ناگسستگی دارد. در این سیر، مانند تمامی معارف اسلامی، انسان پس از آمادگی بندگی، به انسان مفید و مؤثر اجتماعی بدل می‌شود. به کلامی دیگر، از خلال سیر به معراج و بندگی، به تکامل اجتماعی و مسئولیت‌های ناشی از بودن و زیست در کنار سایر انبای بشر می‌رسد.

سیر تکامل شیوه‌های ترویج نماز، در حقیقت بیان اسرار و آثار نماز در موقعیت‌های خاص فردی و اجتماعی است که ائمه اطهار علیهم السلام بنا

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۱۲: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳





ویژہ نامہ علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۱۴





شیوه استفاده می‌کنند. برای نمونه، از ایشان روایت شده است: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا كَتَبَ إِسْمُهُ عَلَيَّ بَابِ النَّارِ مِمَّنْ يَدْخُلُهَا»؛ هرکس عمداً نمازش را ترک کند، بر در جهنم نامش از دوزخیان نوشته می‌شود.<sup>۲</sup>

در به‌کارگیری نظام و شیوه تشویقی نیز از پیامبر اکرم ﷺ این حدیث را داریم: مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و از زیاده‌روی گناه و کمی عمل صالح، شکایت کرد. آن حضرت فرمود: «زیاد سجده به جا بیاور، زیرا سجده، گناهان را می‌ریزد؛ هم‌چنان که باد، برگ درختان را».<sup>۳</sup>

۳. شیوه‌های اجتماع‌محور یا وحدت‌محور: در این شیوه، پیامبر ﷺ با نمادسازی «مسجد»، از ظرفیت ارتباطات اجتماعی جامعه، برای جذاب‌سازی نماز و بیان اهمیت و سایر کارکردهای آن استفاده می‌کردند. تأکید بر نماز جماعت و نماز اعیاد نیز در راستای همین شیوه‌های اجتماعی ترویج نماز قرار دارند که باز هم در این میان، ضرورت تاریخی چنین کارکردهایی برای نماز را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. لزوم اتحاد مسلمانان در دوران ابتدای شکل‌گیری و نوپایی دین حنیف اسلام و هم‌چنین لزوم ایجاد تجمعات اسلامی که باعث ابهت اسلام می‌شد، از جمله ضرورت‌های باریک‌بینانه و حتی آینده‌نگری پیامبر اسلام ﷺ از خلال شیوه ترویجی بود.

### شیوه‌های ترویجی امام حسین علیه السلام

شیوه‌های ترویجی حسین بن علی علیه السلام در موضوع پراهمیت نماز را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

لزوم اتحاد مسلمانان  
در دوران ابتدای  
شکل‌گیری و نوپایی  
دین حنیف اسلام و  
هم‌چنین لزوم ایجاد  
تجمعات اسلامی  
که باعث ابهت  
اسلام می‌شد، از  
جمله ضرورت‌های  
باریک‌بینانه و حتی  
آینده‌نگری پیامبر  
اسلام ﷺ از خلال  
شیوه ترویجی بود.





برپایی نماز جماعت  
در اوج مخاطرات  
ظهر عاشورا، اوج  
احترام حضرت  
سیدالشهدا علیه السلام  
برای نماز را نشان  
می دهد: نمونه ای  
تاریخی و قابل ثبت  
برای رابیانی که  
تاریخ را می نوشتند  
و برای جامعه  
غافل مانده کوفه،  
که نمونه ای از  
جوامع پس از دوران  
پرشکوه پیامبر صلی الله علیه و آله  
تا جوامع عصر  
غیبت بود.

ویژه نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۱۶



۱. ارائه الگویی معرفتی عرفانی از نماز: زمانه  
پرفتنه سال های امامت امام حسین علیه السلام و  
سال های منتهی به حادثه عاشورا، معارف  
اسلامی مقتضی آن دوران را می طلبید. امام  
در دوره ای زیست می کنند که اسلام حقیقی  
بر اثر تبلیغات مسموم دشمن در انزواست و  
امام به مانند دوره خانه نشینی پدر، محفلی  
صمیمی نماز را جایگاهی برای بیان دردها و  
راز و نیاز با خداوند می شناسد و می شناساند.  
انس می گوید: در مکه همراه  
حسین بن علی علیه السلام در کنار قبر جدش  
خدیجه کبری علیه السلام بودم. آن حضرت اشک  
ریخت و سپس فرمود: «از این مکان فاصله  
گیر و مرا به حال خود واگذار!» انس می گوید:  
من خود را به کناری پنهان کردم. حسین  
به نماز ایستاد و مناجات و دعایش به طول  
انجامید. شنیدم که می گفت: «پروردگارا!  
تویی مولای بنده ات... تکیه گاه من تویی.  
خوشا به حال کسی که... هر زمان غم و  
غصه اش را بیان می کند، خدایش جواب  
داده و لبیک گوید!»  
و این گونه محفل و الگویی عارفانه از نماز  
ارائه می شود که در زمان غیبت نیز مسلمانان  
حقیقی می توانند بدان پناه جویند.

۲. شیوه ترویج تفسیر محور: با توجه به  
غباری که پس از گذشت سال ها از حکومت  
ناصالحان بر احکام، شرایع و معارف حقیقی  
اسلام بر جای مانده، امام علیه السلام نقش  
روشن گریانه به خود می گیرند و در قالب بیان  
روایتی از پدر و تفسیر نماز، این امر را زنده  
می کنند.

امام حسین علیه السلام می فرماید: «من و جمعی در  
مسجد نشسته بودیم که مؤذن، شروع به

گفتن اذان کرد. امیرمؤمنان علیه السلام با شنیدن  
اذان به گریه افتادند... وقتی اذان پایان  
یافت، رو به ما کرد و فرمود: آیا می دانید  
اذان چه می گوید؟ عرض کردیم: خدا،  
پیامبر و جانشین پیامبرش داناترند. فرمود:  
اگر می دانستید مؤذن چه می گوید، کم  
می خندیدید و بسیار گریه می کردید! سپس  
به تفسیر اذان پرداختند... حی علی الصلوة،  
یعنی برخیزید و به راز و نیاز با خدای بی نیاز  
پیردازید و حاجت های خود را از او درخواست  
کنید! بسیار به یاد او باشید و قنوت، رکوع و  
سجود فراوان به جا آورید»

۳. ارائه الگویی عملی برای ترویج نماز:  
برپایی نماز جماعت در اوج مخاطرات ظهر  
عاشورا، اوج احترام حضرت سیدالشهدا علیه السلام  
به نماز را نشان می دهد. همچنین نمونه ای  
تاریخی و قابل ثبت برای رابیانی بود که  
تاریخ را می نوشتند و برای جامعه غافل  
کوفه که نمونه ای از جوامع پس از دوران  
پرشکوه پیامبر صلی الله علیه و آله تا جوامع عصر غیبت  
بود. سیدالشهدا علیه السلام، بهترین لحظه و  
بهترین مکان را برای ترویج و اشاعه فرهنگ  
نماز انتخاب کردند و الگویی ارائه دادند که  
روشنایی بخش چشم های حقیقت جوی  
بشریت تا ابد خواهد بود.

### شیوه های ترویجی امام رضا علیه السلام

سیر تکاملی - تاریخی شیوه های ترویج  
نماز در بیان و سیره ائمه علیهم السلام در زمان  
امام رضا علیه السلام، تحولی دیگرگون می یابد.  
زمان این امام همام و پیدایش حلقه های  
فکری و فرق اندیشی گوناگون، می طلبد که  
امام علیه السلام شیوه ای علمی در این راستا و برای

پاسخ‌گویی به شبهات برگزینند. بدیهی است که شخصیت علمی امام، مهم‌ترین و راه‌گشادترین فرصت را در اختیار مسلمانان قرار می‌دهد تا از بیانی علمی، اسرار نماز را دریا بند و امام نیز در این ره‌یافت، به اشاعه و ترویج نماز حقیقی بپردازند.

نمونه زیر از انبوه تلاش‌ها و بیانات علمی امام رضا (علیه السلام) در این راستاست. ایشان درباره علت و حکمت اقامه نماز، به یکی از اصحاب خود می‌نویسند: «علت و جوب نماز، اقرار به ربوبیت پروردگار است و کنار گذاشتن شرک و این‌که برای خداوند، مثل و نظیری نیست. ... و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه، برای تعظیم پروردگار (است) ...؛ به علاوه، آثار دیگری که در نماز است، عبارتند از: انزجار از غیر خدا و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب، تا بندگان، سید، مدبر امور و آفریننده خود را فراموش نکنند، چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان می‌شود.»<sup>۹</sup>

امام (علیه السلام) در بیان شرایط قبولی نماز، موارد ده‌گانه را برمی‌شمارند:

۱. شرط اعتقادی (معرفت و آگاهی)؛
۲. شرط اخلاقی (صفا و پاکی دل)؛
۳. شرط بهداشتی (نماز با مسواک، بوی خوش، لباس تمیز و مرتب)؛
۴. شرط خانوادگی (حسن رابطه با خانواده، ارحام و خویشاوندان)؛
۵. شرط اقتصادی (ادای حق مردم)؛
۶. شرط اجتماعی (دوری از منکرات)؛
۷. شرط سیاسی (امامت و ولایت)؛
۸. پرهیز از افراط و تفریط در زندگی (برقراری توازن و تعادل بین امور دنیوی و اخروی)؛

۹. استمداد از خداوند برای دوام توفیق؛

۱۰. زدودن آفات.<sup>۱۰</sup>

چنین برداشت‌های عمیقی از معارف، آداب و اسرار نماز، بنا به مقتضای برخورد‌های علمی با نماز، اوج زمان‌شناسی امام (علیه السلام) و اهمیت در نظر گرفتن زمان و نوع و سطح مخاطب را برای شیوه‌های ترویجی، به مبلغان نماز نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

ائمه اطهار (علیهم السلام) با تأسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم ذاتی و اکتسابی - عقلانی خود، به بیان جنبه‌های گوناگون و راه‌گشای نماز در زمانه خود پرداختند و هرکدام با نبوغی خاص، قسمتی پنهان و یا مغفول از آن را تفسیر و تبیین کردند و این‌گونه به ترویج و اشاعه این برترین عمل مؤمن پرداختند.

در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که شناخت جامعه، موقعیت تاریخی آن و مخاطب، از ارکان در نظر گرفتن شیوه‌های مختلف ائمه اطهار (علیهم السلام) بود که گنجینه‌های گران‌بهای از مبانی معرفتی نماز را در اختیار مبلغان قرار می‌دهد، تا به ترویج و اشاعه آن بپردازند.

ائمه اطهار (علیهم السلام) با تأسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم ذاتی و اکتسابی - عقلانی خود، به بیان جنبه‌های گوناگون و راه‌گشای نماز در زمانه خود پرداختند و هرکدام با نبوغی خاص، قسمتی پنهان و یا مغفول مانده از آن را تفسیر و تبیین کردند و این‌گونه به ترویج و اشاعه این برترین اعمال مؤمن پرداختند.

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۱۷ پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



### پی‌نوشت‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۳۱-۱۳۴.
۲. جامع آیات و احادیث، ج ۱، ص ۲۷۲.
۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷۶.
۴. تثبیت دلائل النبوه، قاضی عبدالجبار همدانی، ج ۱، ص ۱۸۸.
۵. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۲.
۶. محسن کتابچی، نماز و دعا از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)، ص ۴۳.

# حضرت امیر، نسخه اصل اسلام است

گفت‌وگو با آیت‌الله یوسفی غروی، درباره جایگاه نماز در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام



به کوشش محمدرضا نظری  
دانش آموخته سطح عالی حوزه  
دانشجوی دکتری اخلاق

مصاحبه

نماز هم می‌تواند  
عملی عبادی  
باشد و هم  
می‌تواند فواید و  
حکمت‌های دیگری  
بر آن مترتب باشد.  
امیرالمؤمنین  
علی علیه السلام نسخه  
اصلی اسلام است  
و همه آنچه در  
اسلام درباره  
احکام اسلام و در  
رأس آن‌ها نماز  
آمده است، در  
معصومان علیهم السلام و  
از جمله حضرت  
علی علیه السلام تبلور  
دارد.

◀ لطفاً درباره جایگاه نماز از دیدگاه  
حضرت علی علیه السلام توضیح دهید!

نماز هم می‌تواند عملی عبادی باشد و هم می‌تواند فواید و حکمت‌های دیگری بر آن مترتب باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اسلام درباره احکام اسلام و در رأس آن‌ها نماز آمده است، در معصومان علیهم السلام و از جمله حضرت علی علیه السلام تبلور دارد. حضرت امیر علیه السلام، مسبوق به غیر ایمان و اسلام نیست؛ حتی غیرشیعه هم معتقد است، ایشان اولین کسی است که اظهار اسلام داشته است. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت در اوایل بعثت نماز گزارند، حضرت

[آیت‌الله محمدهادی یوسفی غروی، مؤلف کتاب موسوعه التاريخ الاسلامی، برای اهالی تاریخ اسلام، شخصیتی شناخته شده‌اند. ایشان فرزند آیت‌الله حاج میرزا محمود یوسفی غروی هستند و از محضر بزرگانی چون امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خویی علیه السلام بهره برده‌اند. سال‌ها تدریس در زمینه‌های: فقه، اصول، علوم قرآنی، تاریخ و سیره، از ایشان چهره‌ای نام‌آشنا در محافل حوزوی و دانشگاهی ساخته است. آنچه در پی می‌آید، گفت‌وگوی مختصری در زمینه جایگاه نماز در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام است.]

وبساز: نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۱۸



علی علیه السلام نیز از همان روزهای آغازین، ایشان را همراهی کردند. بنابراین، مقام نماز در نزد ایشان، جای پرستی نیست و به تعبیر مشهور «من القضايا التي قیاساتها معها» است. ایشان «مولای متقیان» بوده‌اند؛ یعنی در مسئله‌ای مثل نماز، چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، سرآمد بودند. درباره‌ی ایشان نقل شده است: «در شب‌های طولانی زمستان، هزار رکعت نماز می‌گزاردند.» علامه امینی رحمته الله علیه در الغدیر می‌گویند: «من خودم این مسئله را در شب‌های زمستان تجربه کردم و دیدم که می‌شود در طول شب‌های زمستان، هزار رکعت نماز خواند.»

◀ **ظاهراً شبیه چنین چیزی درباره‌ی خواندن نماز در حالات سخت نیز از ایشان نقل شده است.**

بله؛ مثلاً آمده است: ایشان در شب‌های زمستان، در نخلستان‌های کوفه نماز می‌گزاردند. شخصی به نام «مازنی» نقل کرده است: دیدم حضرت علیه السلام لباس خود را در حال خطبه‌ی روز جمعه تکان می‌دهد تا خشک شود. گمان کردم گرمشان شده است. از پدرم پرسیدم؛ پدرم گفت: «امیرالمؤمنین علیه السلام لباس زیادی ندارند؛ لباسشان را شسته‌اند و برای خشکاندن، لباسشان را تکان می‌دهند!» پس به طور ضمنی فهمیده می‌شود که طبیعت حضرت علیه السلام، خیلی سرمایی نبوده است و به همین جهت، منافاتی ندارد که حضرت علیه السلام در شب‌های زمستان، در نخلستان‌های کوفه نماز می‌خواندند.

◀ **آیا حضرت علی علیه السلام شیوه‌های**

## عمل‌کردی و رفتاری در فرهنگ نماز داشته‌اند؟

مثلاً در شب لیلۃ‌الهریر حضرت نماز شبشان را هم ترک نکرده بودند. یا در جنگ صفین از ابن عباس نقل شده است: دیدم حضرت هر چند لحظه‌ای یک بار به آسمان نگاه می‌کنند. از ایشان سبب را پرسیدم؛ ایشان گفتند: «می‌خواهم وقت ظهر، فوت نشود.» به ایشان عرض کردم: آقا در این چکاچک شمشیرها، شما مراقب نماز اول وقت هستید؟! حضرت فرمودند: «ما برای احیای همین نماز می‌جنگیم.» در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز وقتی حضرت علی علیه السلام را به سوی یمن . و یا غزوه‌ای فرستادند، وقتی از جنگ بازگشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب و یاران سؤال کردند . که شاید جنبه‌ی تربیتی و اخلاقی داشته است : «فرمانده‌ی شما، با شما چگونه بود و آیا گله‌ای از ایشان دارید؟» یکی از آن‌ها گفت: تنها شکایت ما این است که ایشان در نمازها، سوره «توحید» را می‌خواندند. انکار توقع داشتند حضرت علیه السلام سوره‌های متنوعی بخوانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو کردند به حضرت و گفتند: «این‌ها این‌گونه می‌گویند.» حضرت علی علیه السلام هم تصدیق کردند و گفتند: «من این سوره را دوست دارم.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصدیق کردند و فرمودند: «تحبها، احبک الله»؛ تو این سوره را دوست داری، خداوند نیز تو را دوست بدارد! دلیل دوست داشتن این سوره هم آن است که وصف پروردگار و اعلان توحید اسلام است در برابر شرک یهود و نصارا؛ به خصوص نصارایی که

جنگ صفین از ابن عباس نقل شده است: دیدم حضرت هر چند لحظه‌ای یک بار به آسمان نگاه می‌کنند. از ایشان سبب را پرسیدم: ایشان گفتند: «می‌خواهم وقت ظهر، فوت نشود.» به ایشان عرض کردم: آقا در این چکاچک شمشیرها، شما مراقب نماز اول وقت هستید؟! حضرت فرمودند: «ما برای احیای همین نماز می‌جنگیم.»





قائل به اقامیم ثلاثه، یعنی پدر، پسر و روح القدس هستند. بنابراین «لم یولد» در برابر نصاراست که نسبت پدری و پسری را برای خداوند و حضرت عیسی علیه السلام در نظر می‌گیرند؛ از این رو، حضرت علیه السلام این وصف را دوست داشتند و آن را تکرار می‌کردند.

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مخصوصاً در زمانی که به خلافت ظاهری رسیدند، شاهد گوشه‌هایی از اهتمام حضرت علیه السلام به امر نماز در جنگ‌های مختلف هستیم؛ از جمله در جنگ جمل آمده است که حضرت همین وقت شناسی را دنبال می‌کردند. در جنگ صفین در «شب هریر» حضرت همان نماز همیشگی را خواندند. در این شب، که سخت‌ترین شب‌های جنگ صفین بود، در همان حال جنگیدن با تکرار تکبیر، در واقع نماز شبشان را ادا فرمودند. البته وصفی هم درباره کیفیت نماز شبشان در لیلۃ الہریر آمده که: پوست دباغی‌شده‌ای برای ایشان نهاده شد؛ ایستادند و نماز شبشان را خواندند و به تعبیر ابن ابی الحدید معتزلی شافعی، تیرها در اطرافشان به زمین می‌خورد و از میان دستشان رد می‌شد.

داستان تیر در پای حضرت که در نماز بیرون آورده شد، ناظر به همین جنگ بوده است؟

این داستان که تیری به پای حضرت علیه السلام در حال نماز رفته بود و ایشان توان نداشتند آن را بیرون آورند، و به همین دلیل یاران به امام حسن علیه السلام رجوع کردند و ایشان فرمودند: همان‌طور که تیر در

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مخصوصاً در زمانی که به خلافت ظاهری رسیدند، شاهد گوشه‌هایی از اهتمام حضرت علیه السلام به امر نماز در جنگ‌های مختلف هستیم؛ از جمله در جنگ جمل آمده است که حضرت همین وقت شناسی را دنبال می‌کردند.

نماز به ایشان اصابت کرده، صبر کنید تا ایشان به نماز ایستند و سپس در هنگام نماز تیر را خارج کنید، جعلی است و به نظر می‌رسد برخاسته از فضای تصوف بوده است. آنچه آمده، همان است که ابن ابی الحدید آورده که گفتیم و بیش از آن نیست. البته این قضیه در منابع دست‌اول نیامده، تا جایی که فخر رازی این مسئله را دست‌آویزی برای تشکیک در «آیة ولایت» کرده است که ما کدام حرفتان را قبول کنیم؛ این‌گونه بی‌خود



پاسخ این است  
 که داستان تیر در  
 حال نماز، از اساس  
 باطل است و مدرک  
 درستی ندارد و اولین  
 بار در کتاب مناقب  
 علامه حلی رحمته با  
 تعبیر «حُکی»، یعنی  
 حکایت شده و  
 یقینی نیست، آمده  
 است. مولی مهدی  
 نراقی رحمته در جامع  
 السعادات هم این  
 داستان را آورده،  
 ولی فرزندشان  
 مولی احمد نراقی رحمته  
 در کتاب معراج  
 السعاده، که ترجمه  
 و تلخیص کتاب پدر  
 است، قول پدر را رد  
 کردند.



ویژه نامه علمی ترویجی

۲۱ بیفش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



کردند. دلیل این موضوع هم این است  
 که از امام باقر علیه السلام سؤال شد: عده‌ای در  
 حال قرائت قرآن غش می‌کنند! حضرت  
 تبسمی کردند و فرمودند: «مگر این‌ها ادعا  
 می‌کنند که توجهشان به معانی قرآن،  
 بیش از کسی است که مخاطب اول قرآن،  
 یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله است؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله،  
 قرآن را چه در نماز و غیر آن می‌خواندند،  
 ولی چنین حالاتی برایشان عارض  
 نمی‌شد. گویا صوفی‌ها که این حالت را  
 گرفته بودند، می‌خواستند این حدیث را

شدن در جنگ را یا صدقه دادن انگشتی  
 در هنگام نماز را؟! پاسخ این است که  
 داستان تیر در حال نماز، از اساس باطل  
 است و مدرک درستی ندارد و اولین بار  
 در کتاب مناقب علامه حلی رحمته با تعبیر  
 «حُکی»، یعنی حکایت شده و یقینی  
 نیست، آمده است. مولی مهدی نراقی رحمته  
 در جامع السعادات هم این داستان را  
 آورده، ولی فرزندشان مولی احمد نراقی رحمته  
 در کتاب معراج السعاده، که ترجمه و  
 تلخیص کتاب پدر است، قول پدر را رد

## می خواهیم نماز اول وقت بخوانم...

علی بانثی

یکی از آقایان در توصیف آیت الله دستغیب رحمته نقل می کرد که این شهید بزرگوار، از جمله کسانی بود که به نماز بسیار اهمیت می داد. او می گوید:

اتوبوس ها آمده بودند که مسافران را به سمت هواپیما ببرند که صدای اذان به گوش رسید. از آن جا تا جده، دو ساعت بیشتر راه نبود و همه گفتند که نماز را در جده می خوانند.

- من نمازم را همین جامی خوانم.  
- هواپیما که برای شمانمی ایستد!  
- می خواهد بماند، می خواهد برود.  
- حج شما خراب می شود!

- نماز اول وقتم خراب می شود!  
هر چه اصرار کردند، حاضر نشد نماز اول وقتش را به تأخیر بیندازد و به نماز ایستاد. همه داخل هواپیما شدند. بعضی ها حرص می خوردند، بعضی ها هم اعتراض می کردند. لحظاتی گذشت، ولی هواپیما حرکت نکرد. از بلندگو اعلام شد: «به جهت نقص فنی، پرواز اندکی تأخیر خواهد داشت.» این جا بود که همه با شرمندگی به سالن برگشته و نمازشان را همان جا خواندند.  
شهید دستغیب فرمودند: «من برای خدا ایستادم، خدا هم هواپیما را برای من نگه داشت.»

برای امیرالمؤمنین علیه السلام جعل کنند.

با توجه به روایات، حضرت علیه السلام دستورهایی نیز درباره چگونگی نماز خواندن کودکان دارند.

ما احادیثی از معصومان علیهم السلام درباره تربیت فرزندان داریم که ما عموم فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز خواندن وادار می کنیم. البته اصل نماز خواندن و نه تفصیلاتش. اما شما در هفت سالگی این کار را انجام دهید. در واقع این روایات، زمینه ساز عمل به این آیه کریمه است: «أَنهَآ لَكِبِيرَةٌ أَلَّا عَلَيَّ الْخَاشِعِينَ». یعنی باید برای این کبیره، از کودکی برنامه ریزی کرد و از همان زمان او را تربیت نمود.

بخش دیگری از امر ترویج نماز را می توان در فرمان های حضرت علیه السلام به کارگزارانی چون: محمد بن ابی بکر، مالک اشتر و در نامه به حارث همدانی مشاهده کرد.

این موارد در نهج البلاغه آمده است و می دانید که نهج البلاغه، گزینشی از کلام و سخن و نامه های امام علی علیه السلام است. سید رضی رحمته این ها را از میان نامه های دیگر گزینش کرده است؛ مثلاً نماز را اهمیت بدهند، اول وقت را شناسایی کنند و مردم را برای نماز تشویق کنند؛ حتی اوقات فضیلت نماز را تشریح کردند که همه این ها در نهج البلاغه آمده است؛ از جمله برای «عُثْمَ بْنَ عَبَّاسٍ»، یعنی پسرعموی حضرت که والی مکه بود، وقت فضیلت را تبیین فرمودند. ایشان در نقش حاکمیتی و مسئول نخست خلافت اسلامی، در راستای ترویج شعائر الهی، به نماز پرداختند.

### ما احادیثی از

معصومان علیهم السلام

درباره تربیت

فرزندان داریم که ما

عموم فرزندانمان

را از پنج سالگی به

نماز خواندن وادار

می کنیم. البته اصل

نماز خواندن و نه

تفصیلاتش. اما شما

در هفت سالگی این

کار را انجام دهید.

در واقع این روایات،

زمینه ساز عمل به

این آیه کریمه است:

أَنهَآ لَكِبِيرَةٌ أَلَّا عَلَيَّ

الْخَاشِعِينَ. یعنی باید

برای این کبیره، از

کودکی برنامه ریزی کرد

و از همان زمان او را

تربیت نمود.



# طعم عبودیت از منظر اسطوره عبادت

شبوهای ترویج فرهنگ نماز در کلام امام زین العابدین (علیه السلام)

علیرضا بشیری  
دانش‌آموخته خارج فقه و اصول  
حوزه و کارشناس ارشد علوم  
ارتباطات اجتماعی

مقاله



ویژه‌نامه علمی ترویجی

۲۲: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



هرگاه جای جای تاریخ پرفراز و نشیب اسلام را ورق می‌زنیم، چه آن‌جا که رسول ختمی مرتبت - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - بر فراز کوه نور، نوری ابدی به دل اهل توحید روانه کرد و پیام‌آور دین اسلام - بزرگ‌ترین هدیه خداوند به بشر - شد، چه آن‌جا که حسین (علیه السلام) در ظهر عاشورا در تدارکِ سرمدی نمودن ندای برحقش بود و چه آن‌جا که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه‌التحریف) ظهورش را به جهانیان

هرگاه جای جای تاریخ پرفراز و نشیب اسلام را ورق می‌زنیم، چه آن‌جا که رسول ختمی مرتبت - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - بر فراز کوه نور، نوری ابدی به دل اهل توحید روانه کرد و پیام‌آور





**همه معصومان** علیهم السلام  
 به نوبه خود و بنا به  
 نیازمندی های جامعه،  
 نماز را به شیوه ای  
 تفسیر و برانجام آن  
 تأکید فراوان کرده اند؛  
 «نماز، ستون خیمه گاه  
 دین است»؛ «کسی  
 که نماز نخواند، از ما  
 نیست؛ بهترین عمل  
 در روز قیامت نزد  
 خداوند، نماز است»؛  
 «برپا داشتن نماز،  
 نشانه اصلی دین  
 است» و «نماز، وسیله  
 سنجش است.»  
 این جملات راهگشا و  
 گهربار، همگی نشان از  
 اهمیت وافر نماز دارد؛  
 اما نکته حایز اهمیت  
 در این بین، نحوه  
 ترویج این سنت الهی  
 در میان ائمه اطهار علیهم السلام  
 بوده است.

ویژه نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۲۴



اعلان خواهد فرمود، عنصری، نقشی  
 بنیادین در آن رویدادها دارد و آن «نماز»  
 است.

همه معصومان علیهم السلام به نوبه خود و بنا به  
 نیازمندی های جامعه، نماز را به شیوه ای  
 تفسیر و برانجام آن تأکید فراوان کرده اند؛  
 «نماز، ستون خیمه گاه دین است»؛ «کسی  
 که نماز نخواند، از ما نیست؛ بهترین عمل  
 در روز قیامت نزد خداوند، نماز است»؛ «برپا  
 داشتن نماز، نشانه اصلی دین است» و  
 «نماز، وسیله سنجش است.» این جملات  
 راهگشا و گهربار، همگی نشان از اهمیت  
 وافر نماز دارد؛ اما نکته حایز اهمیت در  
 این بین، نحوه ترویج این سنت الهی در  
 میان ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. پیامبر  
 عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله تمام آنچه مدنظر  
 داشتند، به صراحت بیان می فرمودند و  
 مسلمانان بسیاری بودند که تمام آنچه از  
 لبان مبارک ایشان خارج می شد، در حافظه  
 خود حفظ و آن را نقل می کردند. در زمان  
 امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز تقریباً وضع بر  
 همین منوال بود و به جهت عدم گستردگی  
 جامعه و به خصوص این که چیزی از رحلت  
 پیامبر صلی الله علیه و آله نگذشته بود، حاکمان جامعه را  
 یارای ایجاد محدودیت برای ایشان نبود.

در زمان امامان بعدی، کم کم جامعه اسلامی  
 گسترده تر شد و بسیاری از مسلمانان، کسانی  
 بودند که معصومان علیهم السلام و جایگاه ایشان در  
 دین را نمی شناختند و همین جهل، فرصتی  
 برای حاکمان دوران ایجاد کرده بود تا با  
 ایجاد حایل و محدودیت گسترده برای  
 این بزرگواران، آن ها را تا سرحد ممکن از  
 روشن گری علیه حاکمان و ابلاغ اسلام ناب

منع کنند! در این میان، امام سجاد علیه السلام که  
 در چنین جوئی گرفتار شده بود، سلاح «دعا»  
 را در برابر فضای به وجود آمده برگزید، تا از این  
 طریق افراد بیشتری را تربیت کند و محتوای  
 اسلام واقعی را به مسلمانان ابلاغ نماید و  
 در این میان، همانند دیگر معصومان علیهم السلام  
 تأکید ایشان بر «نماز» بود.

### شیوه های سید الساجدین برای ترویج نماز

بر اساس تتبع نگارنده و آنچه از امام  
 زین العابدین علیه السلام برای ما به یادگار مانده  
 است، ایشان چند اسلوب را برای اشاعه نماز  
 و فرهنگ آن مورد استفاده قرار داده اند و از  
 طریق آن، مخاطبان خود را به فریضه نماز و  
 کمال آن رهنمون می شدند.

#### ۱. تبیین فلسفه نماز

امام زین العابدین علیه السلام در بخش هایی  
 از سخنان خود به اصحابشان، گه گاه و  
 مخصوصاً هنگامه نیاز، به ذکر فلسفه نماز  
 پرداخته اند؛ گویی حضرت علیه السلام می خواهند  
 به گونه ای در ذهن فرد، اقلناعی را حاصل  
 کنند تا وی بداند که چه می کند و چرا باید  
 این عمل را انجام دهد؛ چنان که امام  
 زین العابدین علیه السلام در پاسخ فردی که بخشی  
 از خصایل بی شمار حضرت را برشمرد و  
 وی را مستغنی از این همه عبادت برشمرد،  
 فرمودند: «آنچه از فضل پروردگار و توفیقات  
 الهی برای من گفتی، به شکر و سپاس  
 نیاز دارد. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله با این که تمام  
 خطاهای گذشته و آینده اش بخشیده شده  
 بود، آن قدر نماز می خواند که پاهای مبارکش

ورم می‌کرد!»

نماز برای شکر به درگاه الهی است و کسی که نداند نماز برای چه کاری است، به کمال نزدیک نمی‌شود. حضرت علیه السلام در جای دیگر، نماز را دارای حقی بر ذمه مکلف دانستند و فرمودند: «حقّ نماز این است که بدانی، نماز یکی از اعمالی است که باعث می‌گردد به درگاه خداوند، باریافته و به او تقرب جویی.»

## ۲. ارائه الگوی رفتاری

یکی دیگر از اشاراتی که حضرت علی بن حسین علیه السلام همواره بدان اهتمام می‌ورزیدند، ارائه الگویی جهت نماز کامل به پیروان خود بود. در همین زمینه، تحقیقاتی صورت پذیرفته است که قدر مشترک همه آن‌ها، در تمرکز حضرت بر هفت مورد در باب نماز بوده است. این موارد عبارتند از: آستانه نماز و انجام مقدمات نماز؛ حالات امام و دگرگونی چهره ایشان هنگام شروع نماز؛ حضور قلب ایشان در نماز؛ لباس و مکان نماز؛ کثرت نمازهای حضرت و خواندن مداوم نمازهای نافله، به ویژه نماز شب. آنچه از امام علیه السلام در تغییر چهره در هنگامه نماز، اهتمام بر نوافل و نحوه وضو گرفتن و نماز خواندن نقل شده، همگی بر همین مبناست.

## ۳. تبیین جایگاه نماز در دین

سومین اسلوبی که حضرت علیه السلام بر مبنای آن به ترویج فرهنگ نماز می‌پرداختند، تبیین جایگاه نماز در عرصه دین بود. در حقیقت، دغدغه حضرت در تبیین این مسئله، به دو

موضوع مهم برمی‌گردد؛ ابتدا اهمیت بسیار زیاد نماز به عنوان ستون خیمه‌گاهی که فرد، دین خود را بر آن ساخته است. در تاریخ نقل شده است: «حضرت به نماز اهمیت می‌دادند همواره بر نوافل نیز تأکید داشتند و اگر گاهی نافله‌ای از ایشان قضا می‌شد، در اسرع وقت آن را به‌جا می‌آوردند.» دوم، وابستگی تمام اعمال دینی و از جمله نماز به پذیرش عناصر مهم‌تری که به ظاهر به این موضوعات عبادی بی‌ربط است، اما در حقیقت برگه قبولی تمام اعمال نیک و بی‌ایمانی است. از جمله عبادات فرد می‌باشد.

## ۴. ایجاد زمینه در محیط

چهارمین نکته‌ای که حضرت زین العابدین علیه السلام در ترویج فرهنگ نماز بر آن تأکید داشتند، توجه به عوامل و جنبه اجتماعی نماز بود. به همین جهت، به ایجاد و فراهم‌سازی زمینه اقامه نماز در اجتماع تأکید بر آن اهتمام داشتند. احادیث حضرت که حقّ امام جماعت را بر نمازگزاران بیان می‌کند، بر همین مبنای استوار است: «حقّ امام و پیشوای نماز تو این است که بدانی او میانجی و واسطه بین تو و خداوند است... او خود را سپر تو قرار داده و نمازش را سپر نماز تو گردانیده، و بر توست که بر این امر، قدرش را بدانی!»

## ۵. ایجاد زمینه درونی

شاید مهم‌ترین هدفی که پیامبران و امامان علیهم السلام به دنبال آن بودند تا فرد بتواند در بستر آن به رشد

حقّ امام و پیشوای نماز تو این است که بدانی او میانجی و واسطه بین تو و خداوند است... او خود را سپر تو قرار داده و نمازش را سپر نماز تو گردانیده، و بر توست که بر این امر، قدرش را بدانی!



و کمال پردازد، ایجاد زمینه درونی است. در ترویج فرهنگی همچون فرهنگ نماز نیز این مهم، از مباحث بسیار حایز اهمیت است. امام سجاد علیه السلام نیز همچون دیگر معصومان علیهم السلام به این نکته پرداخته‌اند و نماز را وسیله‌ای برای ایجاد زمینه درونی جهت

حرکت به سمت تعالی روح در نظر گرفته‌اند. احادیثی از حضرت علیه السلام که درباره اعتراف به گناهان پس از نماز شب وارد شده است و همچنین ضرورت خشوع در نماز و عدم اطمینان به رضایت پروردگار از خود، حول همین محور می‌چرخد.

## نتیجه‌گیری

### پی‌نوشت‌ها

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله: «الصلوة عماد دینکم»؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۰.
۲. امام صادق علیه السلام: «ان افضل الاعمال عند الله يوم القيامة، الصلوة»؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷.
۳. امام علی علیه السلام: «و اقام الصلاة فاتها الملة»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.
۴. پیامبر صلی الله علیه و آله: «الصلوة میزان»؛ پرتوی از اسرار نماز، ص ۸۰.
۵. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۵۲.
۶. حسین وجدانی، زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام (ترجمه: اعیان الشیعه).
۷. محمد محسن دعایی، اسوه کامل.
۸. دانش نامه امام سجاد علیه السلام، ص ۵۹۷.
۹. همان، ص ۷۱۴.
۱۰. حسین وجدانی، زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام (ترجمه: اعیان الشیعه).

آنچه در این مقال مورد بحث و بررسی قرار گرفت، اجمالی بود بر آنچه سیدالساجدین علیه السلام درباره ترویج فرهنگ نماز به نظاره نشسته و طبیعی است ذکر تفصیلی این مجمل، خارج از حوصله متن و مخاطب محترم بوده و در حقیقت، درآمدی بر این موضوع است.

در پایان خاطر نشان می‌شود که مهم‌ترین اصل تبلیغ، نه اسلوب و شیوه، که نفوذ کلام ایشان بر فرد فرد پیروان بوده است ایشان هرگز هیچ امری را در هیچ کجا، حتی بر فرزند خود امام باقر علیه السلام، که امام بعد از خود بودند، تحمیل نفرمودند و شاید این نکته کوچک، شاه‌کلید خیلی از قلب‌هایی باشد که هنوز نور ایمان در درونشان سو سو می‌زند.





# جامعه و خانواده

فرهنگ نماز و سبک زندگی / بانماز نفس نمی کشیم / سرچشمه خوبی ها  
برای ارتقای فرهنگ دینی زنان، باید هوشمندانه تر عمل کرد  
مکانیزم های جرم زدایی نماز در جامعه / بهر خدا نماز مخوان

# فرهنگ نماز و سبک زندگی

در باب چیدمان منزل

حسین علی آبادی  
کارشناس طراحی صنعتی و فعال فرهنگی

یادداشت



نسبت بین ظاهر و باطن، لازمه اثر معماری است و از وجه وحدت آفرین در معماری اسلامی به شمار می آید. آثار معماری و بناهای تاریخی و نیز آثار دینی، نمایانگر احساس عمیق و اندیشه متعالی است.

بسیار با اهمیت تلقی می شود. با ظهور اسلام و علاقه مسلمانان به ساخت بناهای اسلامی، معماران تلاش کردند تا از این هنر نه تنها در بنای مسجد، بلکه در خانه ها و مراکز عمومی نیز بهره مند شوند؛ تلاشی که با هدف جهت مندی زندگی انسان انجام می گرفت. نسبت بین ظاهر و باطن، لازمه اثر معماری است و از وجه وحدت آفرین در معماری اسلامی به شمار می آید. آثار معماری و بناهای تاریخی و نیز آثار دینی، نمایانگر احساس عمیق و اندیشه متعالی است. بررسی آثار

هنر معماری اسلامی با تکیه بر اصل خدامحوری، بر پایه آیین شکوه مند اسلام گام برمی دارد. میراث معماری اسلامی، ثروتی است که با توجه به شرایط عصر و تحولات تمدنی، ویژگی های خاص خود را بر اساس نگاه معنوی و دینی خود حفظ کرده است. از آن جا که دین بر آن است تا مؤمنان و گروندگان خود را به عبادت فراخواند و عبادت را از اساسی ترین ابعاد وجودی هر انسانی تلقی می کند، ساختن فضاها به نحوی متناسب با درون مایه های آن دین،

ویژه نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۲۸



گونگون چنین می‌نماید که تنگناهای جهان مادی، دایرهٔ محدودی از هنر را ایجاد می‌کند، در حالی که عالم نامتناهی معنویت، آثار نامحدودی را متناسب با فضای معنوی، روحانی و ملکوتی آن در بر خواهد داشت. معماری اسلامی، تلاش در جهت دست‌یابی به فطرت آدمی است که همانا تقرب به کمال را در عمل و اندیشه، پی‌ریزی کرده‌است.

انسان با توجه به سرشت و طبیعت خود مشتاق و نیازمند نیایش و خشوع در برابر خداوند است که آفرینندهٔ همهٔ نیکی‌ها و زیبایی‌هاست و نماز، برآورندهٔ این است. تکرار نماز در هر روز و شب، فرصت و نعمتی است که آدمی را از غرقه شدن در غفلت می‌رهاند، به او مجال حضور دل‌آگاهانه در برابر خدای بخشد، جان او را صیقل می‌دهد و گوهر باطن او را درخشان می‌سازد. لذا آنچه محصول طراحی فضا و یا چیدمان آن است، عرصهٔ ارائهٔ اعتقادات و نگرش فرد به زندگی است. هرچه اولویت‌های انسان، گرایش به نماز و مؤلفه‌های عبادی بیشتر باشد، به همان نسبت ظهور و بروز آن مؤلفه‌ها در عناصر زیستی‌اش، بیشتر خواهد بود.

در این میان، همهٔ عناصری که بتوانند عوامل غفلت را کمتر کرده و از سوی دیگر، شخص را به سمت و سوی خداوند سوق دهند، مورد توجه‌اند. مسکن هر فرد، محل سکونت و آرامش اوست. هرچه عوامل آرامش‌بخش در این فضا بیشتر باشد، متعاقباً شخص احساس آرامش بیشتری پیدا می‌کند. ذکر خدا باعث آرامش می‌شود؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «الا بذكر الله

تطمئن القلوب». ریشهٔ همهٔ تلخ‌کامی‌های بشر، در غفلت از خدا و محدود شدن به منافع شخصی است. نماز خاشعانه و سرشار از حال و حضور، بهشتی واقعی، نخست در دل و جان نمازگزار و به تدریج، در محیط زندگی می‌آفریند و صلاح و فلاح را به انسان هدیه می‌کند.

حال پرسش این است که: چرا مساجد و یا محل‌های زیارتی و دینی این قدر آرامش‌بخشند و چرا هر چه انسان در این مکان‌ها می‌نشیند، هیچ‌گونه احساس خستگی نمی‌کند؟

به یقین، ذکر خدا و فضای معنوی آن است که فضا را همچون هاله‌ای دربر گرفته‌است؛ علاوه بر این، رعایت بعضی اصول موجود در فضاهای معنوی نیز، می‌تواند در به وجود آوردن آرامشی از جنس ذکر و یاد خدا، کمک و آفری کند. به سخن دیگر، بخشی از عواملی که این هاله را به وجود می‌آورند، مربوط به کالبد، معماری و چیدمان عناصر داخلی فضاهاست که مزید بر علت می‌شوند. وجود اذکار بر دیوارها و نورهای روشن، رنگ و لعاب فضا را معنوی‌تر می‌کند؛ رنگ‌های آبی فیروزه‌ای، انسان را یاد خدا خواهد انداخت. همهٔ این رنگ‌ها مبتنی بر جهان‌بینی فرد است و مفاهیم بسیاری را می‌توان در پس رنگ‌ها و رنگ‌گذاری‌ها مورد کاوش قرار داد؛ مفاهیمی که حکایت می‌کند این عالم محضر خداست.

«پروفسور پوپ» در این باره می‌گوید: «در اکثر دوره‌های اسلامی، رنگ‌های زنده و متنوع به آن اندازه از شدت و هماهنگی رسیدند که هرگز مانند آن دیده نشد. در این

ریشهٔ همهٔ تلخ‌کامی‌های بشر، در غفلت از خدا و محدود شدن به منافع شخصی است. نماز خاشعانه و سرشار از حال و حضور، بهشتی واقعی، نخست در دل و جان نمازگزار و به تدریج، در محیط زندگی می‌آفریند و صلاح و فلاح را به انسان هدیه می‌کند.





در فضای داخلی اسلامی، با بهره‌گیری از تزئین‌ها و نور به گونه‌ای که سطوح رامشیک نمایش دهد و از بار مادی آن‌ها کاسته شود، می‌توان در سبک‌سازی و شفاف کردن بنا کمک کرد. اصلاً معنویت و نماز، نه از جنس نور است؛ لذا به همان نسبت، هر چه محیط زندگی مان نورانی‌تر باشد، احساس آرامش بیشتر است؛ یادآوری ذکر خداست و حذف عناصر غفلت‌زا. هرچه چیدمان عناصر در فضای زندگی معنوی‌تر باشد، بستر یاد خدا بیشتر است. به طور کلی، با ایجاد محیطی خالی می‌توان در فضا، به خصوص فضای معنوی، سکوت و خلوص را برای ایجاد آرامش پدید آورد.

آرایش فضا به «اسماء الحسنی» و تبرک فضا به صفات جمالی و جلالی خداوند، تبلیغ امامت و تأکید بر ولایت و کلام توحیدی در تزئینات، خلوص معنوی را مهیا می‌کند. در این فضای آرام است که که نمازگزار معنای بازگشت به خویشتن، برای ایجاد ارتباط با خالق را هر چه بیشتر احساس می‌کند. چنین نمازی که با توجه و حضور همراه است، نه تنها دل و جان نمازگزار، که فضای پیرامون او را نیز لطیف و نورانی و معطر می‌سازد و به خانه و خانواده و محیط کار و محفل دوستان و مجامع شهروندان و همه فضاهای زندگی، پرتوافشانی می‌کند.<sup>۲</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

۱. پیام به اجلاس بیستم نماز.
۲. محمدهادی عرفان، معماری مساجد، ج ۱، ص ۲۷۹.
۳. پیام به اجلاس پانزدهم نماز.

## نقص فنی

از زمانی که داخل هواپیما شدند، حال خوبی نداشتند. حالتشان عادی نبود و انگار نگران چیزی بودند! پرسیدند: «حاج آقا! مشکلی پیش آمده؟ چرانگرانید؟» نماز اول وقت ما، امروز به تأخیر می‌افتد! نگران نباشید! تا یکی، دو ساعت دیگر به مشهد می‌رسیم و نماز را در آن جامی خوانیم. دوست نداشتیم برای سفری مقدس، نمازم از اول وقت فوت شود... ولی انگار این حرف‌ها فایده‌ای نداشت و نگرانی ایشان بیشتر شده بود! چند لحظه‌ای بیشتر نگذشت که از داخل کابین خلبان اعلام کردند: «به خاطر نقص فنی، هواپیما نیم ساعت با تأخیر پرواز می‌کند.» با شنیدن این خبر بود که نگرانی آیت‌الله دستغیب از بین رفت و به همراه آیت‌الله اشرفی اصفهانی به نمازخانه فرودگاه رفته، نماز را خواندند و به هواپیما برگشتند.

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۲۰



داستان

علی بانسی

## با نماز نفس نمی کشیم!

گفت وگو با حجت الاسلام دکتر کارگر درباره فرهنگ نماز و آینده‌شناسی

به کوشش محمدرضا نظری  
دانش آموخته سطح عالی حوزه  
دانشجوی دکتری اخلاق

مصاحبه



### مقدمه

[با این‌که وقت نداشت، تا فهمید پای موضوع نماز در میان است، پذیرفت. دغدغه او درباره نماز را می‌توان از کتاب‌هایی که درباره نماز نوشت، حدس زد. حجت‌الاسلام دکتر کارگر، پژوهش‌گری است که علاوه بر نگاه‌های پژوهشی، از فضاهای اجرایی نیز غافل نبوده و در عرصه آینده‌پژوهی، تحقیقات بسیار مفیدی انجام داده است.]

◀ جهان در وضعیت جدیدی قرار دارد. تقسیم جهان به «حقیقی» و «مجازی» و همچنین جولان فناوری‌هایی که هر روز گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند، سبب شده تا بتوان هم این مسائل را فرصت قلمداد کرد و هم تهدید به شمار آورد. در هندسه دنیای جدید، «معنویت» چه نقشی خواهد داشت؟

پرسش خوبی را مطرح کردید، چون دغدغه اصلی ما بحران معنویت در جهان

است؛ یعنی عصری که انسان دچار ازهم‌گسیختگی معنوی و دینی است؛ انسانی که در طوفان جهانی شدن، خود را گم کرده است؛ انسان ره‌ناشده از خود و بیگانه از معنویت واقعی؛ انسانی که در جریان مدرنیته از خود دور شده و در فضای بی‌دروپیکر، مبهم و مادی ازهم‌گسیخته قرار دارد؛ در جایی که فردگرایی حاکم شده است. این‌ها سبب شدند، انسان از معنویت واقعی دور شود. نکته خلی عجبی که آینده‌پژوهان تذکر می‌دهند، مسخ شدن انسان است؛ انسانی که هم هویت گم شده دارد و هم ماهیتاً یک‌سری تغییراتی در او روی می‌دهد و جریان زندگی‌اش تغییر می‌کند؛ انسانی که نه تنها خود فریفته است، بلکه خودشیفته هم می‌شود. به عبارت دیگر، کنترل انسان دیگر در دست خودش نیست، بلکه در دست مغزهای هوش‌مند است. آینده‌پژوهان پیش‌بینی می‌کنند، به زودی کنترل جهان به دست ماشین‌های هوش‌مند انجام خواهد شد! بنابراین، ما با انسان جدید، نگرش جدید، روحیه جدید و زندگی جدیدی روبه‌رو هستیم. مظهر این زندگی جدید، بی‌دینی و معنویت‌گریزی است. پس جایگاه معنویت در آینده، بسیار در معرض خطر خواهد بود.

اگر بپذیریم معنویت، نیازی فطری است، طبیعتاً انسان نمی‌تواند بدون آن زندگی کند؛ بنابراین، معنویت از بین نخواهد

انسانی که در طوفان جهانی شدن، خود را گم کرده است؛ انسان ره‌ناشده از خود و بیگانه از معنویت واقعی؛ انسانی که در جریان مدرنیته از خود دور شده و در فضای بی‌دروپیکر، مبهم و مادی ازهم‌گسیخته قرار دارد؛ در جایی که فردگرایی حاکم شده است. این‌ها سبب شدند، انسان از معنویت واقعی دور شود.

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۳۱: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳





رفت، اما نوع آن تغییر خواهد کرد. در حال حاضر، ما با این موضوع درگیر هستیم. آن‌ها برای این‌که متناسب با این تکنولوژی‌ها بتوانند به نیازهای انسان امروز پاسخ دهند، به ترویج برنامه‌های متعددی، مثل گروه‌های اعتراضی موسیقی و مانند آن دست زدند؛ از سوی دیگر، معنویت‌های دروغین را نیز ترویج کردند تا پاسخ‌گویی به این نیاز باشد؛ اما بحث ما درباره بیست و سی سال آینده است. در عین این‌که جامعه بشری وارد تکامل ابزاری شده است، اما در معنویت، در سیری قهقرایی و انحطاطی قرار دارد. افزون بر این، ما داریم به اشکال جدیدی از زندگی می‌رسیم که بشر این‌ها را تجربه نکرده است.



پیش از این، انسان می‌گفت: خدایی هست و خداوند از من فلان کار را می‌خواهد؛ یعنی به سیر از بالا به پایین قائل بود. اما انسان مدرن می‌گوید: من هستم و نیازهایی دارم؛ یکی از این نیازها، نیاز به داشتن خداست؛ یعنی خدایش را با توجه به نیازهای خودش تعریف می‌کند و این سیر، از پایین به بالاست.

یعنی خانواده‌ها وضعیت نامتعادلی خواهند داشت. بین سال‌های ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۰، رؤیا و خواب اجاره داده خواهد شد؛ تا سال ۲۰۳۰ شاهد احساس غربت و گم‌گشتگی در میان مردم خواهیم بود؛ هم‌چنین پس از سال ۲۰۲۵، شاهد بحرانی تحت عنوان «گسترش خشم» خواهیم بود؛ تمایل به کنترل تمام رفتارها، بسیار زیاد خواهد بود؛ یعنی ما جامعه‌ای پُرتشویش خواهیم داشت؛ مراسم تدفین آنلاین برگزار خواهد شد! این مسئله به حدی خواهد رسید که

امروزه با انسان جدیدی مواجه هستیم که همه چیز را می‌خواهد بر اساس ایده‌ها و فهم خودش تفسیر کند. این انسان ساخته شده است؛ واقعی نیست، بلکه مصنوع است. فکرش برخاسته از فطرت نیست و به شدت در حال تغییر است؛

امروزه با انسان جدیدی مواجه هستیم که همه چیز را می‌خواهد بر اساس ایده‌ها و فهم خودش تفسیر کند. این انسان ساخته شده است؛ واقعی نیست، بلکه مصنوع است. فکرش برخاسته از فطرت نیست و به شدت در حال تغییر است؛ یعنی در همین یک دهه گذشته، شاهد تغییر در بینش، نگرش و رفتارهای مردم بودیم. در آینده این شتاب بیشتر خواهد بود. بحث این است که سرعت تغییرات و عمق تحولات در

امروزه با انسان جدیدی مواجه هستیم که همه چیز را می‌خواهد بر اساس ایده‌ها و فهم خودش تفسیر کند. این انسان ساخته شده است؛ واقعی نیست، بلکه مصنوع است. فکرش برخاسته از فطرت نیست و به شدت در حال تغییر است؛

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۳۲



ما شاهد گسترش جنبش‌های ملی ضد تکنولوژی خواهیم بود؛ پس، از همین حالا باید نسبت خودمان را با این تغییرات مشخص کنیم، وگرنه عقب خواهیم ماند. معنویتی که ما امروز در دسترس داریم، آیا توانایی پاسخ به نیازهای انسان ۲۰۵۰ را دارد؟

بله، تواناست، چراکه معنویت دینی از معارف حقیقی سرچشمه می‌گیرد و زمان‌بردار نیست؛ لذا گم‌گشتگی انسان را درمان می‌کند. مثلاً در ده سال پیش، برنامه «اعتکاف» به این گستردگی نبود، اما الآن این حجم وسیع را شاهدیم. همان معنویتی که در زمان حضرت آدم ابوالبشر پاسخ‌گو بوده، همان معنویت در عصر حاضر هم کارساز است، چون بر طبق فطرت آدمی و حقایق زندگی است. اتفاقاً آنچه ما در آینده به آن محتاجیم، همین ترویج فرهنگ معنویت دینی است. اگر قرار است از این خطرات نجات پیدا کنیم، باید همین معنویت را حفظ و برای گسترش فرهنگ آن تلاش کنیم؛ از جمله مهم‌ترین این فرهنگ‌ها، ترویج «فرهنگ نماز» است.

◀ **حضرت عالی در جایگاه آینده‌پژوه، چه ترسیمی از وضعیت نماز در آینده دارید؟**

نماز، عبادتی راهبردی است. عدم فهم فرهنگ ما ایرانیان از نماز، مرازجرمی دهد. مردم ما نتوانستند با مفهوم نماز ارتباط برقرار کنند که نماز، منت خداوند بر ماست، نه این‌که ما احساس سختی کنیم؛ فرهنگی که بسیار زیبا انسان را به خدا متصل می‌کند؛ فرهنگی که اجازه می‌دهد انسان در برابر خداوند سخن بگوید؛ فرهنگی که

توجه انسان را از اطراف خودش می‌گیرد و به مبدأ هستی متصل می‌کند. ما هنوز به این بلوغ نرسیده‌ایم که این فرهنگ را بفهمیم و قدر آن را نمی‌دانیم. درک و فهم ما از معانی اسرار و زیبایی نماز، بسیار پایین است و ما هیچ سیاست‌های مشخص فرهنگی در این زمینه نداریم. ما هنوز چشم‌انداز مشخصی در این رابطه نداریم. هر قدر درباره فرهنگ نماز کار کنیم، باز هم کم کار کرده‌ایم؛ علتش هم این است ما نتوانستیم پیوند واقعی زندگی امروز با نماز را برقرار کنیم.

اگر وضعیت فعلی نماز را ملاک قرار دهیم، متأسفانه آینده، مبهم و مأیوس‌کننده خواهد بود؛ یعنی میزان دوری از حقیقت نماز و بی‌اهمیتی به نماز بیشتر خواهد شد. ما با نماز روحیه نمی‌گیریم؛ با نماز یکی نشده‌ایم؛ با نماز نفس نمی‌کشیم. عموم جامعه با نماز ارتباط واقعی برقرار نکرده و آن را تکلف و بار تلقی می‌کند، در حالی که نماز کاملاً برعکس این است؛ فرهنگ نماز، یعنی فرهنگ نشاط و توجه به خود؛ فرهنگی که محافظ و فرشته نگه‌دارنده انسان است. این فرهنگ باید ترویج شود. با روندهایی که فعلاً درباره نماز اجرا می‌شود، آینده خوبی نخواهیم داشت!

◀ **در آینده ما با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهیم بود؟**

ما به انقلاب فرهنگی در حوزه نماز، نیاز داریم و تا این اتفاق نیفتد، از این همه کاری که صورت می‌پذیرد، آن‌گونه که باید و شاید بهره نخواهیم برد. ما درباره نماز، سه درد اساسی داریم؛ نخست، عدم سیاست‌های

اتفاقاً آنچه ما در آینده به آن محتاجیم، همین ترویج فرهنگ معنویت دینی است. اگر قرار است از این خطرات نجات پیدا کنیم، باید همین معنویت را حفظ و برای گسترش فرهنگ معنویت تلاش کنیم؛ از جمله مهم‌ترین این فرهنگ‌ها، ترویج «فرهنگ نماز» است.



ما درباره نماز، سه درد اساسی داریم؛ نخست، عدم سیاست‌های فرهنگی واحد و منسجم در کل کشور درباره نماز؛ دوم این‌که، نتوانستیم صلابت و استواری نماز را به مردم نشان بدهیم؛ یعنی فرهنگ تبلیغ و آموزش نماز در میان مردم ما بسیار ضعیف است، چون ما هیچ تمرکز بر نماز نداریم. سوم این‌که، هنوز نتوانستیم صلابت و استواری نماز را به مردم نشان بدهیم؛ یعنی فرهنگ تبلیغ و آموزش نماز در میان مردم ما بسیار ضعیف است، چون ما هیچ تمرکز بر نماز نداریم. سوم این‌که، هنوز نتوانستیم موانع فردی و جمعی را از بین ببریم.

فرهنگی واحد و منسجم در کل کشور درباره نماز است. دوم این‌که نتوانستیم صلابت و استواری نماز را به مردم نشان بدهیم؛ یعنی فرهنگ تبلیغ و آموزش نماز در میان مردم ما بسیار ضعیف است، چون ما هیچ تمرکز بر نماز نداریم. سوم این‌که، هنوز نتوانستیم موانع فردی و جمعی را از بین ببریم. موانع فراوانی داریم که مانع از اقامه نماز در جامعه شده است؛ مثلاً مغازه‌های ما در حال نماز به فعالیت خودشان ادامه می‌دهند! نمی‌دانم چرا کسی فکری برای این موضوع نمی‌کند؟! فقط با چسباندن کاغذ هم درست نمی‌شود؛ باید برنامه داشت. هنگام نماز، همه کارمندان در ادارات به کار خود مشغولند! در دانشگاه‌ها، بسیاری از کلاس‌ها در اوقات نماز برگزار می‌شود! در خانواده‌ها هم همین‌طور.

### ◀ برای آینده چه باید کرد؟

باید برای آینده، چشم‌انداز فرهنگی داشت؛ محور این چشم‌انداز هم باید این باشد که رشد و تعالی ما، در گرو داشتن جامعه‌ای نمازخوان است.

### ◀ می‌توانید شاخصه‌هایی را برای آن بیان کنید؟

مهم‌ترین شاخصه این است که کتب آموزشی مادر راستای ترویج فرهنگ نماز تهیه شود. باید عموم تبلیغات، فرهنگ‌سازی‌ها و نمادهای فرهنگی مادر راستای نماز تغییر کنند. از دیگر شاخصه‌ها این است که تمامی قوانین و مقررات باید در نسبت با این چشم‌انداز، تدوین گردند؛ هم‌چنین سیاست‌گذاران فرهنگی باید درباره نماز، کارهای اساسی انجام دهند و مراکز تبلیغی، دینی و پژوهشی جایگاه ویژه‌ای برای نماز باز کنند و آن را اولویت اول را در نظر

بگیرند. «الَّذِينَ ان مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامِ الصَّلَاةَ»؛ صالحان وقتی حکومتی به دست می‌گیرند، مهم‌ترین اولویت‌شان برگزاری نماز است، چون برگزاری نماز موجب از بین رفتن بسیاری از مشکلات می‌شود. نماز، پلیس درونی است و جامعه نمازخوان از پلیس بی‌نیاز است؛ فرهنگ واقعی نماز، یعنی پشت کردن به همه بدی‌ها و رو کردن به آینده. این فرهنگ می‌تواند، هم فرهنگ زندگی کردن و هم معنویت صحیح و عبودیت و نجات را به ما نشان دهد.

### ◀ با توجه به بحث آینده‌پژوهی، رفتار جامعه مهدوی در برابر نماز چگونه است؟

اگر از من پرسید: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برای چه چیزی قیام می‌کند؟ به شما خواهم گفت: مهم‌ترین ثمره قیام حضرت، اقامه نماز است. در روایات می‌بینیم وقتی حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف ظهور می‌کنند، مردم دنیا طاهر می‌شوند و خداوند به دست حضرت، طهارت واقعی را برپا می‌کند؛ در نتیجه «يقبل الناس على العباده»؛ مردم به سوی نماز اقبال پیدا می‌کنند. در روایت دیگر آمده است: «يملاً قلوب العباد عبادة»؛ دل مردم را پر از زیبایی نماز می‌کند. روایت دیگری گوید: «هنگامی که حضرت قیام کند، جز خداوند کسی عبادت نخواهد نشد.» پس قیام حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف همراه با تحول اساسی در فرهنگ نماز است. اگر بخواهیم در ترویج نماز موفق شویم، باید از مدینه فاضله مهدوی، الگوگیری کنیم؛ از این رو، فرهنگ نماز در کنار «فرهنگ انتظار» قرار می‌گیرد. مهم‌ترین بُعد فرهنگ انتظار، عمل صالح و مسئله عبودیت است، و مهم‌ترین جلوه پیوستن به این فرهنگ، نماز است.



# سرچشمه خوبی‌ها

نقش نماز در ارتقای فرهنگ جامعه

محمد درودگر  
(نویسنده و فعال فرهنگی)

مقاله

اسلام، دینی اجتماعی است و بسیاری از احکام فقهی و اخلاقی آن نیز مربوط به اجتماع است، و نماز، زمینه ساز رعایت احکام و دستورات اخلاقی است؛ به عبارت دیگر، پرهیز از غیبت، تهمت، ریا، دزدی، غصب و هتک حرمت، اهمیت ویژه به بیت المال، رعایت حقوق دیگران و... از لوازم نماز است.



ویژه نامه علمی ترویجی

۳۵ پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



«مسلمان هم باید با خدا و هم با جامعه خودش، رابطه‌ای دائم و ثابت داشته باشد. بدون عبادت، ذکر خدا، یاد خدا، مناجات با حق، نماز و روزه نمی‌توان جامعه‌ای اسلامی ساخت و حتی خود انسان، سالم نمی‌ماند. هم‌چنین بدون اجتماع صالح، محیط سالم، امریه معروف و نهی از منکر، رسیدگی، تعاطف و تراحم میان مسلمانان، نمی‌توان عابد خوبی بود.»

اعتمادات و احکام فقهی و اخلاقی است. در حقیقت اقامه نماز، اهمیت دادن به همه احکام الهی و دستورات دین اسلام است؛ از این رو، اقامه آن، اقامه همه خوبی‌ها و حسناتی است که خداوند راه آن را به ما نشان داده است.

اسلام، دینی اجتماعی است و بسیاری از احکام فقهی و اخلاقی آن نیز مربوط به اجتماع است، و نماز، زمینه ساز رعایت احکام و دستورات اخلاقی است؛ به عبارت دیگر، پرهیز از غیبت، تهمت، ریا، دزدی، غصب

نماز، ستون اصلی خیمه دین، و دین، مجموعه کاملی از دستورات الهی، اعم از



روزآمدی کتاب‌ها و توجه به انتخاب کتاب برای مقاطع سنی گوناگون، از نکاتی است که مسئولان مربوطه باید بدان توجه کنند، تا ضمن دسترسی آسان گروه‌های مختلف از گنجینه مکتوب فرهنگی، همسایگان و نمازگزاران، عمرو وقت بیشتری را در فضای مسجد سپری کنند؛ این امر، یکی از مصادیق پیوند نماز و فرهنگ و در نهایت، ارتقا بخش فرهنگ و معنویت در کل فضای جامعه است.

ویژه‌نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۳۶



و هتک حرمت، اهمیت ویژه به بیت‌المال، رعایت حقوق دیگران و... از لوازم نماز است. چگونه نمازگزاری، این احکام را رعایت نکنند و باز هم به رحمت پروردگار امید داشته باشد؟! پس نماز وقتی به خوبی و نیکویی اقامه شود، اقامه همه خوبی‌ها و مانع همه بدی‌ها در جامعه است.

### ارتباط نماز با فعالیت‌های اجتماعی مفید

در کنار این آثار و برکات معنوی و فرهنگی، که ترویج نماز می‌تواند برای جامعه به ارمغان بیاورد و سطح فرهنگی جامعه را ارتقا بخشد، نکات دیگری نیز قابل طرح است که می‌توان در کنار اجتماع نمازگزاران بدان اشاره کرد. آنچه در ابتدای این بحث آمد، رعایت واجبات بود؛ نماز، مستحباتی هم دارد که در ادامه به چند نمونه اشاره خواهد شد.

### ۱. بررسی و حل مشکلات مردم

زندگی همیشه با سختی و مصائب، همراه است و هرکس به نوعی، گرفتاری‌هایی دارد که نیازمند یاری و مساعدت است. هم‌فکری و همراهی دیگران در بسیاری از این موارد، حلال مشکلات است. چه نیکوست که این هم‌فکری و یاری‌رسانی در جمع متدینان، رواج بیشتری داشته باشد و جمع نمازگزاران و مسجد هر محله، پناه دائمی گرفتاری‌ها و عامل اصلی رفع مشکلات باشد!

همکاری با انجمن‌های حمایت از بیماری‌های خاص و تعامل با مربیان پرورشی و مدیران مدارس اطراف محل برگزاری نماز، برای کمک به نیازمندان و نیازهای خاص دانش‌آموزان، از جمله وظایف امام جماعت مسجد محل

است؛ به‌ویژه توجه به وضعیت تحصیلی افراد بی‌بضاعت یا کم‌بضاعت. همان‌گونه که بر عهده فرد مؤمن است که همسایه‌اش شکم گرسنه سر بر بالین نگذارد، بر عهده نمازگزاران است که دانش‌آموزی به دلیل عدم تمکن مالی، از تحصیل بازماند.

### ۲. خدمات متقابل

مراکز فرهنگی، از جمله مساجد، مدارس و حسینیه‌ها، امکانات بسیاری در اختیار دارند، که گاهی ظرفیت‌های این مراکز مهم و اثرگذار، چنان‌که باید مورد استفاده قرار نمی‌گیرد! ارتباط هرچه بیشتر مسجد و مراکز فرهنگی در زمینه‌های گوناگون، موجب ارتقای سطح مادی و معنوی هر دو نهاد می‌شود. اگر هدف همه این نهادها، تقویت روحیه معنوی و اخلاقی جامعه، خدمت به مردم و تربیت نسلی پرشور، بانشاط، آگاه و بااخلاق باشد، که هست، راه پیش رو، وحدت، هم‌دلی و همکاری همه نیروهای فرهنگی کشور است. یکی از مسائل مهم کودکان، تحصیل است. چه بسا توجه به این دغدغه، مانع از اقدام والدین برای حضور فرزندان‌شان در فعالیت‌های گروهی، از جمله شرکت در برنامه‌های مذهبی نیز باشد! با همکاری و مساعدت معلمان و دانش‌آموختگان نمازگزار، کلاس‌هایی متناسب با نیاز و مقطع تحصیلی افراد برگزار شده و مقدمات حضور حداکثری اهالی اطراف مسجد در این مکان مقدس فراهم شود. این اقدام باعث می‌شود، نماز از حالت تک‌بعدی ارتباط صرف با خداوند خارج شده و وضعیت اجتماعی پیدا کند، که باعث تقویت رابطه انسان و پروردگار نیز می‌گردد.

### ۳. توجه ویژه به کتاب‌خانه‌ها

«عقل» و «ایمان»، دو بال پرواز انسان به سوی سعادت هستند. عقل از راه دانایی، آموختن و خواندن، رشد و شکوفایی پیدا می‌کند. مطالعه کتاب در دینی که معجزه آسمانی آن کتاب است، ارزش ویژه‌ای دارد. یکی از بهترین راه‌های ترویج فرهنگ

نیز به شرایط و ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها بازمی‌گردد، ولی در صورت تعامل و برنامه‌ریزی می‌توان تدابیری اتخاذ کرد که دانش‌آموزان، از سالن مطالعه و کتاب‌های کتاب‌خانه مساجد استفاده کنند. این امر، زمینه حضور بیشتر آنان را در مکان مقدس مسجد و فضای معنوی آن، فراهم می‌کند.



نمازخوانی و مسلمانی، کتاب است؛ هم‌چنین از بهترین مصادیق ارتقای فرهنگی جامعه، میزان سرانه مطالعه افراد آن جامعه است. یکی از مواهب فرهنگی مساجد و مدارس برای اهالی محل، کتاب‌خانه‌های موجود در مدارس و مساجد است. این مسئله

روزآمدی کتاب‌ها و توجه به انتخاب کتاب برای مقاطع سنی گوناگون، از نکاتی است که مسئولان مربوطه باید بدان توجه کنند، تا ضمن دست‌رسی آسان گروه‌های مختلف از گنجینه مکتوب فرهنگی، همسایگان و نمازگزاران، عمر و وقت بیشتری را در فضای



## کلاسِ نماز!

علی بانـشی

شغـلش را خـیلی دوست داشت؛ نه به خاطر این که از آن راه امرار معاش می کرد، نه! بلکه عاشقانه کار می کرد. می گفت: «معلمی شغل نیست؛ معلمی عشق است. اگر برای شغل انتخابش کرده ای، رهایش کن و اگر عشق توست، مبارکت باد!» در حالی که در کار تدریس بسیار دقیق و سخت کوش بود، لحظه ای خواندن نماز اول وقت را از دست نمی داد. کلاس درس شروع نشده بود. درس حساب بود و بحث به طول انجامید، تا این که وقت اذان رسید. شهید رجایی صدای اذان را که شنید، دانش آموزان را به یکی از تکالیف حساب مشغول کرد و زمانی که بچه ها مشغول نوشتن بودند، به انتهای کلاس رفت؛ روزنامه ای را در انتهای کلاس و بین دو ردیف صندلی ها پهن کرد و همان جا مشغول به اقامه نماز ظهر و عصر شد.

مسجد سپری کنند؛ این امر، یکی از مصادیق پیوند نماز و فرهنگ و در نهایت، ارتقای بخش فرهنگ و معنویت در کل فضای جامعه است.

با توجه به جمله ای که در ابتدای این یادداشت از شهید مطهری رحمته الله نقل شد، نماز می تواند محور بهترین فعالیت های فرهنگی و حیات بخش جامعه دینی باشد. عملی که وقتی به صورت جماعت برگزار می شود، می تواند سرچشمه و مقدمه بسیاری دیگر از امور پسندیده و لازم برای جامعه شود، در کنار امور واجبی چون: نماز، روزه، خمس و زکات، می تواند امور مستحبی دیگری چون: علم آموزی، معرفت افزایی و کمک به نیازمندان را نیز با خود همراه داشته باشد.

در سال های پس از انقلاب، مساجد در جایگاه اصلی ترین کانون های ترویج و اقامه نماز، نقش بسزایی در استحکام فرهنگی ایفا کرده اند و محلات و شهرهایی که مسجد در آن جا رونق دارد و نماز جماعت برگزار می شود، مشکلات کمتری نسبت به مکان های دیگر دارند؛ بنابراین، محوریت بخشی به نماز در امور فرهنگی، ثمرات بسیاری دارد و تنها در خود نماز خلاصه نمی شود. نماز چون آهن ربایی قوی، تمام حسنات و افعال نیکو را جذب نمازگزار می کند و هرچه کامل تر اقامه شود، موجب پالایش جامعه و ارتقای سطح فرهنگی آن می شود.

۱. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۵۶.



## برای ارتقای فرهنگ دینی زنان، باید هوش مندانه تر عمل کرد

گفت‌وگو با خانم دکتر نیلچی زاده

به کوشش محمدرضا نظری  
دانش آموخته سطح عالی حوزه  
دانشجوی دکتری اخلاق

مصاحبه



برپا داشتن نماز را  
می‌توان در دو حیطه  
خاص مشاهده کرد؛  
یکی برگزاری نماز و  
دیگری، برنامه‌های  
جنبی آن. نماز، نقشی  
کلیدی در تسهیل  
و تصحیح روابط،  
ایجاد سلامتی و  
تحکیم خانواده دارد.  
زن، که رکن اصلی  
خانواده است، قطعاً  
می‌تواند با کارکرد نماز  
و تقویت جایگاه نماز،  
بُعد سلامت اخلاقی  
و معنویّت خود و  
خانواده‌اش را ارتقا  
دهد.

ایجاد سلامتی و تحکیم خانواده دارد. زن، که رکن اصلی خانواده است، قطعاً می‌تواند با کارکرد نماز و تقویت جایگاه نماز، بُعد سلامت اخلاقی و معنویّت خود و خانواده‌اش را ارتقا دهد. درباره فعالیت‌های جنبی نیز باید گفت نماز، خواه فردی باشد یا جمعی، با فعالیت‌های مرتبط با خود دیده می‌شود؛ در حالت فردی مقدمات و مؤخرات، به استقبال نماز رفتن و تعقیبات آن، این قابلیت را چندین برابر خواهد کرد؛ برای مثال، وقتی فرهنگ اذان را در مردان جامعه مشاهده می‌کنیم، می‌توانیم نقشی کلیدی را هم برای مادران در نظر بگیریم؛ به بیان دیگر، ترویج این فرهنگ از سوی زنان،

خانم دکتر نیلچی زاده، چهره نام‌آشنایی است که علاوه بر بهره بردن از محضر علما و بزرگان، سالیانی است که درباره موضوع زنان اندیشیده، نوشته و سخن گفته است. در گفت‌وگوی زیر تلاش کردیم تا مسئله فرهنگ ترویج نماز و مطالبات زنان را از منظر ایشان جست‌وجو کنیم.

◀ **زنان جامعه چگونه می‌توانند از فرهنگ نماز بهره ببرند؟ به بیان دیگر، فرهنگ نماز برای زنان جامعه، دربردارنده چه فرصت‌هایی است؟**

برپا داشتن نماز را می‌توان در دو حیطه خاص مشاهده کرد؛ یکی برگزاری نماز و دیگری، برنامه‌های جنبی آن. نماز، نقشی کلیدی در تسهیل و تصحیح روابط،

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۳۹ | پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳







اگر بخواهیم فرهنگ نماز به صورت فردی را تقریر کنیم، چند رکن مهم دارد؛ یکی از آن‌ها احکام ویژه بانوان است و هرچه این‌ها دقیق‌تر، راحت‌تر و صحیح‌تر به خانم‌ها برسد، به فرهنگ نماز آن‌ها بسیار کمک خواهد کرد، چون نماز خواندن خانم‌ها در زمان‌ها، مکان‌ها و شیوه‌ها با آقایان متفاوت است؛ عدم توجه به این موضوع، مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد.

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۴۰



قطعاً می‌تواند ماندگاری بیشتری در طول نسل‌ها ایجاد کند. ما پیرمردهایی سراغ داریم که مؤذن هستند و هر جای دنیا که باشند، افقشان افقِ خدا، مادر و دل است. این به خاطر همان فرمول‌هایی است که مادران در کودکی، آن‌ها را با نماز آشنا ساخته تا ذکر خداوند را بالا ببرند، که آمده است: «ترفع و یدکر». با این ویژگی، اقامه نماز، مجموعه‌ای فرهنگی است و نمی‌توان آن را عمل فردی خاص قلمداد کرد. تعقیبات آن نیز همین‌گونه است؛ دعاها، مناجات‌ها، ذکر تسبیحات و... کمک می‌کنند که فرد ارتباطش با خدا را تقویت کند. زن در جایگاه کمالی خود به عنوان مادر، وقتی سایر افراد خانواده را تقویت می‌کند، آن‌ها را در کسب توفیقات بیشتر یاری می‌دهد. پس برای این نقش باید اهمیت بسیاری قائل شد.

◀ چگونه می‌توان این فرهنگ را در میان زنان ترویج داد، یا چه راه‌کارهایی وجود دارد تا این فرهنگ در میان زنان جامعه تغییر کند؟

◀ ترویج فرهنگ نماز را گاهی می‌توان به صورت انفرادی تحلیل کرد و گاهی هم به صورت گروهی؛ کدام فرض، مورد اهتمام شماست؟

در هر دو مورد، مسائل بسیار مهمی وجود دارد که نباید از آن‌ها غفلت کرد. اگر بخواهیم فرهنگ نماز را به صورت فردی تقریر کنیم، چند رکن مهم دارد؛ یکی از آن‌ها احکام ویژه بانوان است و هرچه این‌ها دقیق‌تر، راحت‌تر و صحیح‌تر به خانم‌ها برسد، به فرهنگ نماز آن‌ها

بسیار کمک خواهد کرد، چون نماز خواندن خانم‌ها در زمان‌ها، مکان‌ها و شیوه‌ها با آقایان متفاوت است؛ عدم توجه به این موضوع، مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد.

در زمینه جمعی و ترویج نماز در نمازهای جمعه و جماعت نیز باید گفت، اگر آداب، اخلاق، عقاید و احکام نماز به زیرساخت‌های اجتماعی بدل نشود، قطعاً در ترویج فرهنگ نماز شاهد اختلال خواهیم بود، هرچند زنان و دختران ما اهل ایمان و تقوا باشند؛ یعنی با سختی و رنج‌های بسیار می‌توانند در جماعت حاضر شوند؛ برای نمونه، در مساجد جدید بحث‌های تفکیکی لحاظ نشده تا اگر خانمی عذر شرعی داشته باشد، بتواند از آن‌جا استفاده کند. دلیلش هم این است که در مساجد، نه مشاوران زن وجود دارد و نه با مجتهدان مدبّر تطبیق داده می‌شود؛ بانی خیر و وجود دارد که می‌خواهد مسجدی بسازد و احیاناً از یکی - دو نفر از روحانیون نظر خواسته می‌شود، اما این‌که واقعاً مساجد از نظر هندسه حقیقی نیازهای نمازگزاران بنا شوند، در اغلب مساجد چنین چیزی رعایت نشده است؛ مثلاً در صورتی که فضای فیزیکی مسجد کم باشد، خانم‌ها را در طبقه بالا جای می‌دهند (بدون وجود آسانسور) و طبقه پایین را به آقایان اختصاص می‌دهند و فرهنگ عمومی جامعه ما، آسانسور برای یک طبقه را رفتاری غیراخلاقی می‌داند! این مسئله از نظر منطقی احکام نماز درست است، اما از نظر رعایت شرایط

خاص بانوان، غلط است، زیرا آقایان کم‌درد و پادرد کمتری نسبت به بانوان، به‌خصوص پس از دوران یائسگی دارند. مسئله دیگر این است که خانم‌ها، چه در خانه و چه در جامعه، مطابق فطرت خدادادی‌شان جزو منظفات هستند؛ یعنی هم تمیزکننده هستند و هم به تمیزی علاقه دارند؛ به اضافه این‌که، زیبایی، عنصر مهمی است که خانم‌ها به آن اهمیت می‌دهند. حال، چه بخشی از مسجد را به خانم‌ها اختصاص می‌دهند؟ معمولاً اگر بخواهند وسایل اضافی را در جایی انبار کنند، آن را در بخش خانم‌ها می‌گذارند! اگر قرار است پرده مخمل نصب شود، روی مخمل برای آقایان است و پشت آن برای خانم‌ها! در صورتی که باید پرسید: این پرده برای این است که خانم‌ها راحت باشند یا آقایان؟! اگر این پرده به دلیل حضور زن مسلمان در مسجد است، یا پردهٔ دورو بزیند یا یک هفته آن را به سمت زنان بزیند و خواهید دید که زنان خواهند فهمید و مردان متوجه نخواهند شد! این‌ها نکات ریزی است که از آن‌ها به «زبان اشیا» یاد می‌شود. علم امروز بعضی از این چیزها را می‌فهمد، در حالی که فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام بسیار دقیق‌تر از این را به ما یاد داده است که: «زنان را تکریم کنید!» و فرموده‌اند: «مَا اَكْرَمَهُنَّ اِلَّا كَرِيمٌ وَمَا اَهَانَهُنَّ اِلَّا لَعِينٌ». آیا جامعهٔ دینی و سبک رفتاری ما در سطحی قرار دارد که به زنان، یعنی کسانی که در مسجد و پای منبر و محراب بزرگ شده‌اند و با همه چیز ساخته‌اند، اهانت نکند؟!

### ◀ پس نظر حضرت عالی این است که برای تنظیم این هندسه، از مشاوران زن بهره گرفته شود؟

معتقدم باید در هیئت‌امنای اصلاح ساختار فیزیکی مساجد اقداماتی صورت بگیرد، سپس با خانم‌هایی که اهل دین، تقوا، آگاهی، دانایی و فرهنگ هستند، مشورت کنند؛ چه بسا مشکلات بسیاری به دست این‌ها حل شود. بدون تردید، حضور بانوان متدین در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها، ضرورت دارد.

◀ روشن است که اقبال زنان به امور معنوی و نماز، بیشتر از مردان جامعه است. منظور شما این است که مردان، مانعی بر سر راه ترویج نماز زنان هستند؟ می‌خواهم بگویم مردان باید خیلی فهیم‌تر از این، به حضور زنان در مساجد، حسینیه و تکایا توجه داشته باشند. برای رسیدن به این فهم باید از زنان متدین و متخصص مشاوره بگیرند و نکات آن‌ها را به کار ببرند.

### ◀ چه راه‌کاری برای استفاده از حوزه‌های تربیتی دیگر، مثل: مدارس، ادارات، تشکل‌ها، هیئت‌های خانگی و... برای ترویج فرهنگ نماز وجود دارد؟

لازمه‌اش این است که «مبلغان تخصصی بانوان» را تربیت و حمایت کنند. دوره‌های بازآموزی و ارتقا بگذارند. الآن این‌همه فارغ‌التحصیل حوزه‌های علمیه و رشته‌های الهیات داریم. این‌ها پس از فارغ‌التحصیلی می‌گویند: ما یا بیکاریم و یا با هزار سختی جذب مدارس

معتقدم باید در هیئت‌امنای مساجد، برای اصلاح ساختار فیزیکی مساجد اقداماتی صورت بگیرد، سپس با خانم‌هایی که اهل دین، تقوا، آگاهی، دانایی و فرهنگ هستند، مشورت کنند؛ و چه بسا مشکلات بسیاری به دست این‌ها حل شود. بدون تردید، حضور بانوان متدین در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها، ضرورت دارد.





تربیت تخصصی  
مبلغان خانم باید  
در زیرشاخه‌های  
کودکان، مسائل  
خاص نوجوانان  
و جوانان و  
مسائل خاص  
زنان خانه‌دار و  
شاغل صورت  
بگیرد؛ یعنی  
همان‌گونه که  
ما دندان پزشکی  
اطفال داریم، باید  
مبلغان گروه‌های  
مختلف را هم  
تربیت کنیم.  
اگر به گروهی  
بپردازیم و از  
دیگری غفلت  
کنیم، به بقیه ظلم  
کرده‌ایم. امروزه  
امکان این کار، در  
دست‌رس است.

ویژه‌نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۴۲



شده‌ایم! گروه‌های مساجد، هیچ‌گاه مبلغان ویژه‌ای تربیت نکرده‌اند، چون احساس کرده‌اند از این موضوع بی‌نیازند! تربیت تخصصی مبلغان خانم باید در زیرشاخه‌های کودکان، مسائل خاص نوجوانان و جوانان و مسائل خاص زنان خانه‌دار و شاغل صورت بگیرد؛ یعنی همان‌گونه که ما دندان پزشکی اطفال داریم، باید مبلغان گروه‌های مختلف را هم تربیت کنیم. اگر به گروهی بپردازیم و از دیگری غفلت کنیم، به بقیه ظلم کرده‌ایم. امروزه امکان این کار، در دست‌رس است.

در موضوع مدارس و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم که وضعیت خیلی خوب نیست! آسیب‌های مدارس و دانشگاه‌ها، آشکار می‌شود، اما در بقیه جاها به این وضوح نمی‌توان این آسیب‌ها را مشاهده کرد. اگر نماز جزو هندسه وجودی شخص گردد، از بسیاری آسیب‌ها به دور خواهد بود، و این وعده قطعی قرآن است.

### ◀ زنان جامعه ما چگونه می‌توانند خودشان را با نرم‌افزار حکومتی و ولایتی تطبیق دهند؟

به نظر می‌رسد، زنان معنوی‌تر از مردان هستند، اما هنوز نتوانسته‌اند به صورت تشکلی و سازمان یافته عمل کنند. باید ابتدا نکته‌ای را یادآور شوم. پس از دوران ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری، بلایی سرمان آمد که فعالیت‌های مذهبی و هیئات کاملاً نادیده گرفته شدند. گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) و کانون‌ها مطرح شدند، در صورتی که

شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی به صورت خودجوش، صورت می‌پذیرفت. الآن گروه‌های مردم‌نهاد باید از هزار جا مجوز گرفته و از آن‌ها پول دریافت کنند و دست‌آخر باید به آن‌ها گزارش دهند! درباره فعالیت‌های مذهبی نباید این اتفاق بیفتد. ما قدرتمندترین گروه‌های مردمی عالم را داریم که همان «هیئات» هستند. در مسئله نماز هم خانم‌ها فوق‌العاده فعالند. از برگزاری نمازهای مستحبی و محافل غذا در هیئت‌ها می‌توان این مسئله را فهمید؛ البته آسیب‌هایی هم در این زمینه وجود دارد. شاید یکی از دلایل عدم مقبولیت این کارها این است که در برخی اعمال جمعی، نوعی بدعت دیده می‌شود!

علت آسیب دیدن این‌ها، به سبب بلند کردن علم و کتل است. تا زمانی که فرهنگ صحیح ترویج نشود و به ارتقای آن کمک نکنید، حق ندارید جلوی آن را بگیرید! هر جا که معرفت دینی ناب نیاید، دین‌فروشی می‌آید. من معتقدم برای ارتقای فرهنگ دینی زنان، هوش‌مندانه‌تر و با برنامه‌ریزی بهتر می‌توان کارهای بهتری را صورت داد، چون زنان پتانسیل بسیار بالایی در این راستا دارند. ما برای تعظیم شعائرالله بسیاری از عرصه‌ها را به کویر تبدیل کرده‌ایم. چه کسانی بیشتر جذب عرفان‌های کاذب می‌شوند؟ دختران و زنان! چه کسانی بیشتر سراغ فال‌گیر و جن‌گیر می‌روند؟ خانم‌ها! پس باید با تدبیر بیشتری با این موضوع مواجه شد.

## مکانیزم‌های جرم‌زدایی نماز در جامعه

دکتر ابوالفضل ساجدی

مقاله

جای می‌گیرد؛ «کنترل‌های بیرونی» و «کنترل‌های درونی». کنترل‌های بیرونی به سازوکارهایی اشاره دارد که فرصت‌های جرم و کج‌روی را از طریق ایجاد و اعمال محدودیت‌های مادی و فیزیکی همراه با ضمانت‌های اجرایی دولتی از بین می‌برد و بر عناصر حقوقی و قانونی مبتنی است. نظارت درونی، سازوکاری است که فرد را از درون به انجام رفتار مورد انتظار و هم‌نوا با دیگران وامی‌دارد. آنچه در میان کارشناسان جرم و کج‌روی مسلّم است، این نکته است که نظارت درونی از نظارت‌های بیرونی، کارآمدتر و قوی‌تر است، زیرا در جاهایی

یکی از آسیب‌های اجتماعی، وقوع جرم و کج‌روی در جامعه است. «جرم» به تعبیر حقوقی و «کج‌روی» به تعبیر اجتماعی، به معنای شکستن هنجارها، ضوابط و مقررات اجتماعی است. جامعه هنگامی به ثبات و آرامش می‌رسد که جرم و کج‌روی در آن به حداقل برسد. به حداقل رسیدن جرم و کج‌روی همان‌گونه که به درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها و قواعد و مقررات مربوط است، با سازوکارهای کنترل اجتماعی نیز ارتباط مستقیم دارد. بنا بر نظریه جرم‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی، سازوکارهای کنترل جرم و کج‌روی در دو دسته کلان

ویژه‌نامه علمی ترویجی

۴۲: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳





از آیات و روایات  
به دست می‌آید  
که نماز از سه  
طریق، خودکنترلی  
را موجب  
می‌شود. از طریق  
«ایجاد حیا»  
«تعدیل غرایز» و  
«معرفت بخشی».

که نظارت‌های قانونی و بیرونی از کار می‌افتد، نظارت‌های درونی هم‌چنان فعال باقی می‌ماند و تأثیر می‌گذارد. «نماز»، یکی از آموزه‌های دینی است که نظارت درونی را نسبت به جرم و کج‌روی فعال می‌سازد. بنا بر شواهد دینی و تجربی، یکی از آثار ارزش‌مند نماز، کاهش جرائم و کج‌روی است. در آیهٔ ۴۵ سورهٔ مبارکهٔ «عنکبوت» آمده است: نماز، افراد جامعه را از فحشا و منکرات بازمی‌دارد.

«ایوانز تی دیوید» جامعه‌شناس و دین‌پژوه، در «رابطهٔ مجدد دین و جرم» اثبات کرده است که مراسم مذهبی و انجام مناسک دینی، کنترل‌کننده است. «رادنی استارک» و «سیمز بن بریج» در تحقیق «دین کج‌روی و کنترل اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که انجام اعمال دینی و مناسک و آیین‌های مذهبی بازدارنده، کنترل‌کننده و هم‌نوساز است.

◀ پرسش محوری این نوشتار این است که: نماز با چه سازوکاری، افراد را از درون به خودکنترلی وامی‌دارد؟

از آیات و روایات به دست می‌آید که نماز از سه طریق، خودکنترلی را موجب می‌شود. از طریق «ایجاد حیا»، «تعدیل غرایز» و «معرفت بخشی».

### ۱. مکانیزم ایجاد حیا

یکی از آثار مهم نماز، ترک گناه از روی «حیا» است. امام علی علیه السلام یادآور می‌شوند که مسجد رفتن و نماز جماعت خواندن آثاری دارد؛ از جمله این‌که فرد

نمازگزار و اهل مسجد، گناهی را از روی خشیت و حیا ترک می‌کند. چگونگی تأثیر مسجد در ایجاد حیا به این بازمی‌گردد که افراد نمازخوان از سوی، در خلال نمازهای جماعت با دیگران آشنا می‌شوند و از سوی دیگر، برای خود وجهه‌ای معنوی قائل می‌گردند؛ هر دو امر، به این می‌انجامد که فرد عزت نفس یافته و گناه و کج‌روی را دور از شأن خود بداند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نماز جماعت به این جهت تشریح شده است که نمازگزار از تارک آن و کسی که رعایت و حفظ اوقات نماز را نموده، از ضایع‌کنندهٔ آن ممتاز گردد و اگر جماعت نبود، برای احدی ممکن نبود که در حق دیگری، بتواند به صلاح و خوبی شهادت دهد».

شهادت دادن به صلاح و رستگاری نمازگزاران، نشان از آشنایی با افراد باایمان، سجایای اخلاقی و سرشت معنوی آن‌ها دارد. معارفه و آشنایی خود سبب می‌شود که فرد پس از آشنایی، حیا کند و شخصیت معنوی خود را حفظ کند. در احادیثی دیگر تصریح شده است که: «حیا، از انجام رفتار قبیح بازمی‌دارد»؛ «کسی که حیای کمتری دارد، از ورع [دوری از محرمات] کمتری برخوردار خواهد بود» و «ثمرهٔ حیا، پاک‌دامنی است».

پس نماز باعث آشنایی با سایر نمازگزاران می‌گردد. آشنایی، زمینه‌های حیا را تقویت می‌کند و حیا سبب می‌شود که نمازگزار عزت نفس یافته و خودکنترلی



در پیش گیرد و گناه و جرائم اجتماعی و اخلاقی را مرتکب نشود.

## ۲. مکانیزم تعدیل غرایز

امیال و غرایز درونی، بخش انکارناپذیر شخصیت انسان است. به همین دلیل، افراد غالباً، جرم و کج روی را در وضعیتی انجام می دهند که به شدت تحت فشارهای روانی و غریزی هستند. در قرآن تصریح شده است که تمایلات نفسانی، انسان را به رفتار کج روانه و نادرست وامی دارد. با این حساب، برای نگه داشتن افراد از ارتکاب جرم و کج روی، نیرویی لازم است که گرایش ها و امیال آن ها را تعدیل کند.

یکی از خصوصیات نماز، تعدیل گرایش و کنترل کشش های نفسانی و شهوانی است. در سوره «مریم»، خصوصیت بنی اسرائیل که فرزندان ناخلف انبیا پیشین بودند، ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ذکر شده است. هم نشینی «ضایع کردن نماز» و «پیروی از شهوات»، گویای این امر است که ترک نماز با پیروی از شهوات ارتباط دارد و برعکس؛ نماز خواندن با کنترل شهوات مرتبط است.

شهید مطهری رحمته الله علیه به نقش تعدیلی نماز اشاره کرده و یادآور شده است: «خود نماز به نوعی، تمرین کردن کنترل غرایز است. وقتی در نماز نمی توان چیزی خورد و آشامید و خندید و گریست و یا به چپ و راست متمایل شد و این سو و آن سو را نگاه کرد، این خود برای این است که کنترل

نفس انسانی، به عادت واره ای تبدیل شود و انضباط روحی و جسمی حاصل گردد». پس، یکی از آثار نماز، تمرین خودکنترلی و خودانضباطی است. مطابق تحقیقات میدانی، تقویت خودکنترلی یکی از عناصر کاهش جرائم و کج روی است. براساس مطالعات میدانی «هیرشی هیرشی»، جامعه شناس و پژوهش گر مسائل اجتماعی و جرم شناسی، افرادی که خودکنترلی ضعیفی دارند، بیشتر در معرض جرم و کج روی قرار دارند. کنترلی قوی، احتمال درگیر شدن در جرم را به حداقل می رساند.

## ۳. مکانیزم معرفت بخشی

یکی از راه های ایمن سازی جامعه، تزریق اطلاعات و معارف بنیادین به افراد جامعه است. نماز و مراوداتی که از طریق آن میسر می گردد، در طی زمان، اطلاعات هدایت کننده را تأمین می کند. امام علی علیه السلام یادآوری کرده اند که: نماز سبب دانش جدید می شود و افراد در خلال مرآده با مساجد و نماز جماعت، یا سخنانی می شنوند که آن ها را از بدی باز می دارد و به سوی هدایت و سلامت رفتار رهنمون می کند.

پس در مجموع، نماز و رفتن به مساجد و اهتمام به نماز جماعت سبب می شود که افراد به اطلاعات جدید و دانش هدایت بخش دست یابند و از این رهگذر، نمازگزار از گناه و کج روی دور مانده و آسیب های فردی و اجتماعی و ناهنجاری های رفتاری در او از بین می رود.

یکی از آثار نماز، تمرین خودکنترلی و خودانضباطی است. مطابق تحقیقات میدانی، تقویت خودکنترلی یکی از عناصر کاهش جرائم و کج روی است. بر اساس مطالعات میدانی «هیرشی»، جامعه شناس و پژوهش گر مسائل اجتماعی و جرم شناسی، افرادی که خودکنترلی ضعیفی دارند، بیشتر در معرض جرم و کج روی قرار دارند. کنترلی قوی، احتمال درگیر شدن در جرم را به حداقل می رساند.

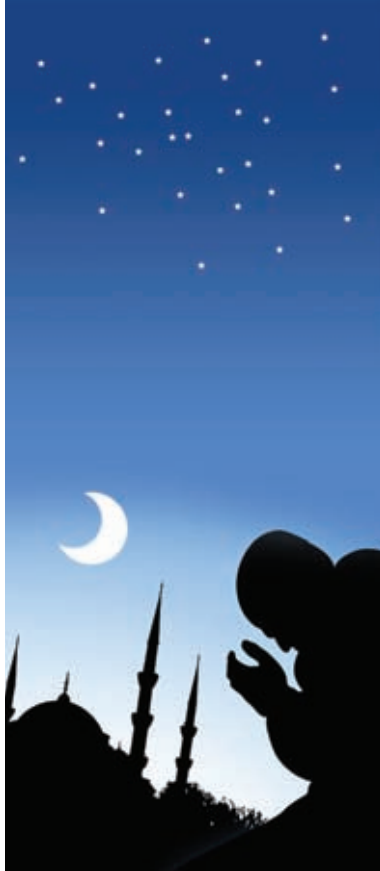


## بهر خدا نماز مخوان

همان جامعه را نیز تشکیل دهد، چراکه طبیعی است که در ذهن مسئولان جامعه اسلامی، هیچ توجیهی برای وجود مانع در برابر نماز، قابل قبول نباشد.

اما غیر از این گمانه‌زنی‌ها و کنکاش‌های ذهنی، بیایید به این پرسش بازگردیم که: آیا در جامعه اسلامی، نماز با مانع روبه‌روست؟ نگارنده به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهد، هم‌چنان که گمان می‌کند بسیاری از خوانندگان نیز با او هم‌دل باشند. البته این بخش اصلی ماجرا نیست؛ این‌که موانع نماز را در جامعه اسلامی چه بدانیم، به نظر بخش مهم‌تری می‌آید.

می‌توان از منظرهای گوناگونی به این مسئله نگاه کرد؛ برای مثال، تلفظ ناصحیح در قرائت نماز را یکی از موانع برشمرد و درباره آن سخن گفت و یا کمبود مسجد در کشور، در مقایسه با فراوانی رستوران را مثال زد و از این رهگذر نتیجه گرفت که نماز در جامعه اسلامی با موانعی روبه‌روست. مثال‌هایی از این دست اگرچه شاید، و تنها شاید، به لحاظ ماهوی در دسته موانع نماز در جامعه اسلامی جای بگیرند، به نظر نمی‌رسد در عالم واقع، چنین چیزهایی سد راه نماز در جامعه شده باشند، یا دست‌کم در رده‌های بالا یا میانی اولویت قرار گیرند. آنچه بیش از همه از نظر نگارنده در این میان سهیم است، رفتار دین‌داران، به‌ویژه کسانی است که صاحب تأثیر بر دیگرانند. از ارباب



عنوان این یادداشت، در نگاه نخست و با کمی دقت می‌تواند خود، جامع نقیض‌ها باشد؛ این‌که جامعه‌ای اسلامی باشد و نماز، یکی از مهم‌ترین ارکان دین اسلام، در آن جامعه با مانع روبه‌رو باشد! شاید از اساس، این رویکرد که نباید در جامعه اسلامی امری چون نماز با مانع روبه‌رو باشد، شالوده بسیاری از سیاست‌های



تأثیر حتی می‌توان به پدر و مادر اشاره کرد که فرزندشان، رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ با آن‌ها دارد و همین‌طور از فروشنده و کاسبی که دین‌داری او در افواه عامه، محرز است. این سلسله می‌تواند رو به بالا حرکت کند و شامل چهره‌ای رسانه‌ای شود که تعداد بسیاری او را دین‌دار می‌دانند و نیز مسئولی که طبیعتاً دین‌داری در او، شهره است.

رفتار دین‌داران از آن جهت می‌تواند مروج و یا مانع نماز در جامعه اسلامی باشد که لابد و ناگزیر، انسان از قیاس خالی نیست. این‌که ناگزیر بودن از قیاس در انسان نیک است یا بد، در این‌جا مطرح نظر نیست، اما نمی‌توان منکر شد که ذات انسان، میل به مقایسه دارد؛ مقایسه میوه سالم و گندیده، مقایسه اتومبیل خراب و سالم، مقایسه میان اجناس فروشگاه «الف» و «ب» و از این دست مقایسه‌هایی که نمونه‌های آن به‌طور فراوان در زندگی روزمره ما وجود دارد. حال، نکته این است که کار با مقایسه تمام نمی‌شود؛ در واقع قیاس، بدون نتیجه‌گیری، امری عبث و بی‌حاصل است. ما مقایسه می‌کنیم تا نتیجه بگیریم. مقایسه میان قیمت میوه سالم و گندیده، به خرید میوه سالم منتج می‌شود؛ مقایسه میان اجناس فروشگاه «الف» و «ب»، ما را به خرید از فروشگاه منصف‌تر می‌رساند، اما در قیاس میان رفتار دین‌داران و داعیه دین‌داری آن‌ها، قرار است چگونه نتیجه‌گیری کنیم؟ در این‌جا یک واقعیت وجود دارد و یک اصل نظری، که البته باید میان آن‌ها

افتراق قائل شد. اصل نظری این است که دین را نباید اسیر و گرفتار در رفتار دین‌داران تعریف کرد؛ به این معنا که وقتی دین‌دار یا دین‌داران، برخلاف آموزه‌های دین عمل می‌کنند، نباید خود ارزش‌های دینی را زیر پرسش بُرد؛ اما واقعیت این است که این اصل، آن‌گونه که ما انتظار داریم، در جامعه‌مان رعایت نمی‌شود و از قضا، رفتار دین‌داران سهم بزرگی در شکل‌دهی اذهان از ارزش‌های دینی دارد! رفتار دین‌داران، از آن جهت که در جامعه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارند، همیشه در معرض قیاس است و این قیاس‌ها لابد به نتیجه‌گیری ختم خواهد شد. برای نمونه، مقایسه میان رفتار همسایه دین‌دار و در عین حال مردم‌آزار، و همسایه غیردین‌دار و آرام، در اغلب اوقات به این نتیجه منتهی می‌شود که: همان بهتر که نماز نخواند!

تأثیرگذاری و اهمیت در این روند و این سلسله، طبیعتاً هنگامی بزرگ‌تر و بیشتر خواهد بود که مورد مقایسه در اذهان جامعه، بانفوذتر باشد؛ رئیس اداره‌ای در شهری کوچک که از قضا هر هفته در نماز جمعه شرکت می‌کند، اما به هنگام کار، مردم را سرگردان می‌کند، در واقع به ذهنیت مردم که او را فردی دین‌دار می‌دانند، خدشه وارد می‌کند و این در مقام مقایسه، جایگاه کل دین‌داران و دین‌داری را به خطر می‌اندازد! یا خطیب تلویزیونی، وقتی روی آنتن زنده تلویزیون، حرف‌های مضحک می‌زند که هیچ اساس صحیحی در متون دینی برای

رئیس اداره‌ای در شهری کوچک که از قضا هر هفته در نماز جمعه شرکت می‌کند، اما به هنگام کار مردم را سرگردان می‌کند، در واقع دارد ذهنیت مردم را به خودش به عنوان فرد دین‌دار، خدشه‌دار می‌کند و این در مقام مقایسه، جایگاه کل دین‌داران و دین‌داری را به خطر می‌اندازد!







این قیاس وقتی جدی‌تر و پرنگ‌تر به چشم می‌آید که شهروندان شهر بزرگی مانند تهران، در ترافیک سرسام‌آور گیر کرده‌اند و به شدت از آلودگی کشنده هوا رنج می‌برند و در عین حال، هر چند قدم به چند قدم، بنرها، بیلبوردها و تلویزیون‌های شهری را می‌بینند که به ترویج بسیار ناشیانه آموزه‌های دینی مشغولند!

ویژه‌نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۴۸



آن متصور نیست و صرفاً برساخته ذهن خطیب است، چطور انتظار دارد بعدها حرف‌های خودش، یا هم‌لباس‌هایش درباره اهمیت نماز جدی گرفته شود؟! خاصه این روزها که چنین بخش‌هایی به صورت «کلیپ»، بی‌شک سر از شبکه‌های اجتماعی درخواهند آورند و بسیار بیشتر از آن چیزی که تصور می‌شود، دیده خواهند شد! مثال‌هایی از این دست را می‌توان بسیار و بسیار برشمرد، اما در نهایت همه آن‌ها به این نکته ختم خواهند شد که رفتار ناپسند دین‌داران، بسیار راحت‌تر از چیزی که تصور می‌شود، می‌تواند ذهنیت مردم را به آموزه‌های دینی تغییر دهد و از شوق جامعه در انجام فرایض بکاهد.

جدای از رفتار دین‌داران، مسئله دیگری که به لحاظ اجتماعی نوعی بازدارندگی در امر نماز ایجاد می‌کند، نوع تبلیغ‌ها و تشویق‌ها برای انجام نماز است. اگر نگوییم همه، می‌توان ادعا کرد بخش زیادی از ادارات و نهادها، خود را متولی تبلیغات شهری درباره آموزه‌های دینی، به خصوص نماز می‌دانند. این موضوع، مردمی را که در ادارات سرگردانند، با دل‌سردی مواجه خواهد کرد، چراکه این قیاس، خواه ناخواه شکل می‌گیرد که بودجه و نیروی کار اداره‌ای که هیچ ربطی به امور فرهنگی ندارد و باید به طور مشخص در حیطه‌ای دیگر فعالیت کند، صرف تولید و تهیه بنرهای بی‌کیفیت و نصب آن‌ها و اموری از این دست می‌شود! این قیاس وقتی جدی‌تر و

پرنگ‌تر به چشم می‌آید که شهروندان شهر بزرگی مانند تهران، در ترافیک سرسام‌آور گیر کرده‌اند و به شدت از آلودگی کشنده هوا رنج می‌برند و در عین حال، هر چند قدم به چند قدم، بنرها، بیلبوردها و تلویزیون‌های شهری را می‌بینند که به ترویج بسیار ناشیانه آموزه‌های دینی مشغولند!

حاصل این‌که، آنچه در حوزه اجتماعی، مانعی بازدارنده در جامعه اسلامی در برابر نماز به شمار می‌آید، «رفتار دین‌داران» است. البته تمامی این نمونه‌ها، از زاویه سلبی نگریسته شده و رفتار ناپسند دین‌داران را در برابر آموزه‌های دین قرار داده بود. از سوی دیگر، رفتار شایسته دین‌داران نیز می‌تواند داعی و مروج فرهنگ دینی باشد، همان‌گونه که بسیار شنیده‌ایم: «کوئوا دعاء الناس بغير آلستیکم».

و در آخر این‌که، عامل‌های بازدارنده‌ای که ذکر شد، به زعم نگارنده، تنها مردم را به نماز و به طور کلی آموزه‌های دینی دل‌سرد نمی‌کند، بلکه فاصله میان دین‌دار و غیردین‌دار را هم زیاد می‌کند و به نوعی، این فاصله را به مرز نفرت دو طرف از یکدیگر می‌رساند؛ از این روست که می‌توان آزادانه در ایستگاه متروی شهری در آلمان، روزنامه‌ای پهن کرد و نماز خواند و نگاه‌های سنگین و معنادار دیگران را احساس نکرد، اما قطعاً نمی‌توان در متروی تهران بدون احساس چنین نگاه‌هایی، دست به چنین کاری زد!



# انقلاب اسلام

نماز در رهگذر انقلاب

قبله آزادی

به درستی که نماز نهدی می کند از...



## نماز در رهگذر انقلاب

عبدالحسن مسلمی شهیدانی  
(نویسنده و فعال فرهنگی)



ویژہ نامہ علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ ۵۰



## نهضت امام خمینی علیه السلام و احیای اسلام ناب

ترویج فرهنگ دینی، همواره یکی از وظایف اصلی نهاد روحانیت بوده که در همه دوره‌های تاریخی و از سوی همه طیف‌های فکری موجود در روحانیت شیعه دنبال می‌شده است؛ اما آنچه اقدام امام خمینی علیه السلام را در این جهت متمایز می‌کند، مقابله با ریشه‌های الحاد، کفر و ظلم طاغوت در قالب نهضتی اسلامی بود که در امتداد آن، زمینه‌های تهدید دین در عرصه بین‌المللی به حداقل رسید و بستر دین‌داری در عرصه داخلی فراهم آمد. رهبران دینی نیز در سایه حکومت اسلامی، فرصتی تاریخی در جهت ترویج آموزه‌های دینی یافتند که پیش از این، تقریباً در هیچ دوره‌ای وجود نداشت. احیای اسلام ناب محمدی و تغییر نوع نگاه به دین، اولین خدمت نهضت امام خمینی علیه السلام بود که به برکت آن، دین از کنج عزلت و انزوا خارج و در بستر اجتماع حاضر شد. گام بعدی، تشکیل حکومت دینی با مبانی اسلام ناب بود، و بدیهی است نوع نگاه به مقوله‌های دینی، از جمله نماز هم در چنین حکومتی. که در رأس آن مجتهد جامع‌الشرایط قرار دارد. متفاوت می‌شود. از آن جا که انقلاب اسلامی ماهیتاً نهضتی دینی است و با تمسک به ظرفیت‌های اجتماعی و مبانی معرفتی اسلام به پیروزی رسیده است، طبیعتاً در پی اعتلای کلمه توحید از راه پیاده کردن شریعت در بستر جامعه است؛ لذا احیای فرهنگ دینی، یکی از

اهداف بنیادین انقلاب اسلامی است و در این میان، نماز در رأس هرم فرهنگ دینی باید مدنظر قرار گیرد. کارکرد نماز، که ستون دین تلقی شده است، در منطق اسلام اساساً در منظر امام خمینی و مخالف «سکولاریسم» است. بسیار ویژه است. نماز در چنین نظام معرفتی و سیاسی، بروز و ظهور بیرونی دارد و در سجاده و محراب، محبوس نیست. از سوی دیگر، ترویج فریضه نماز، از وظایف بدیهی و مبادی اولیه در فضای حکومت اسلامی است. این است که برنامه‌ریزی راهبردی در جهت فراگیر کردن فرهنگ نماز، نه فضیلت که فریضه‌ای برای حاکمان جامعه اسلامی خواهد بود.

## نماز حکومتی، حکومت نماز

آنچه گاهی به عنوان آسیبی در باب رابطه دوسویه دین و حکومت اسلامی مطرح می‌شود، مسئله دولتی کردن دین است؛ به این معنا که برخی به اشتباه بر این باور باشند که همه بار مسئولیت در عرصه فرهنگ‌سازی دینی، بر دوش دولت و حکومت است و اوست که باید با ادبیاتی دستوری و یا با اتکا به اعمال نفوذ سیاسی و مالی خود، به این مهم پردازد و دیگران. از خواص گرفته تا توده مردم. وظیفه چندان‌ی ندارند! گفتنی آن‌که، گرچه حاکمان اسلامی باید نماز را در رأس امور قرار دهند و همواره در جهت اعتلای فرهنگ نماز گام بردارند، نباید و نمی‌شود نماز را امری حکومتی

کارکرد نماز، که ستون دین تلقی شده است، در منطق اسلام ناب محمدی و اساساً در منظر اسلام سیاسی. که اساساً مخالف «سکولاریسم» است. بسیار ویژه است؛ نماز در چنین نظام معرفتی و سیاسی، بروز و ظهور بیرونی دارد و در سجاده و محراب، محبوس نیست.





نمودار اثرمندی  
سیره عملی  
مسئولان مکتبی  
در حافظه  
تاریخی مردمان  
این سرزمین،  
ماندگار است؛  
چنان که نجوای  
جمله معروف  
منسوب به شهید  
رجایی در حافظه  
تاریخی شان  
جلوه‌نمایی دارد  
که: «به نماز  
نگوید کار دارم،  
به کار بگویند  
وقت نماز است.»

ویژه‌نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۵۲



قلمداد کرد و صرفاً با صدور بخش‌نامه، تصویب قانون و... مدعی ترویج آن در نهادهای دولتی و بستر عمومی اجتماع بود، بلکه حکومت اسلامی همانند گذشته باید بستر ترویج را فراهم کند، و این اقدامات، نفی تکلیف از دیگران، به‌خصوص نخبگان و فعالان فرهنگی اجتماعی نخواهد کرد. با توجه به مطالب پیش‌گفته، در ادامه برخی از اقدامات نظام مقدس جمهوری اسلامی در جهت ترویج نماز را مرور می‌کنیم.

### گام‌هایی در جهت ترویج فرهنگ نماز

در بازخوانی اقدامات نظام جمهوری اسلامی در جهت ترویج فرهنگ نماز، نکاتی حایز اهمیت است که به اختصار از نظر می‌گذرانیم.

**۱. سیره عملی مسئولان مکتبی:** قرار گرفتن مسئولان معتقد و متعهد در مصدر حکومت و تأثیری که سیره رفتاری ایشان بر آحاد جامعه گذاشته است را باید از مهم‌ترین اتفاقات ترویجی در حکومت اسلامی دانست، چه این که به فرموده معصوم علیه السلام، مردمان بردین ملوک و حاکمانشان هستند و بهترین دعوت‌ها به خیر و خوبی، دعوت عملی و غیرزبانی است. نمودار اثرمندی سیره عملی مسئولان مکتبی در حافظه تاریخی مردمان این سرزمین، ماندگار است؛ چنان که نجوای جمله معروف منسوب به شهید رجایی در حافظه تاریخی شان جلوه‌نمایی دارد که: «به نماز نگویند کار دارم، به کار بگویند وقت نماز است.»

### ۲. برپایی نماز در ادارات و اماکن دولتی:

یکی از اقداماتی که از ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، احیای فرهنگ دینی در ادارات دولتی و مراکز نظامی بود که با حضور و محوریت روحانیت و همکاری انجمن‌های اسلامی و... انجام گرفت. در کنار نظارت بر عملکرد این نهادها از حیث سلامت اداری، برخورد مناسب با ارباب‌رجوع، گزینش نیروهای متعهد و متخصص و آموزش اخلاقی و عقیدتی، برپایی نماز جماعت به عنوان برنامه ثابت در بسیاری از ادارات و نهادهای دولتی پی‌گیری شد. ایجاد فضای فیزیکی (نمازخانه) در ادارات دولتی، نهادهای نظامی، مدارس، دانشگاه‌ها و... از اقدامات مقدماتی و مهمی است که در همین راستا صورت پذیرفت.

تعریف «وقت نماز» در قالب آیین‌نامه‌های قانونی، اقدام مهم دیگری در جهت نهادینه کردن فرهنگ نماز به شمار می‌آید، که در زمان جمهوری اسلامی محقق شد. البته در برخی مقاطع تاریخی و در برهه‌ای نه چندان طولانی، با قرار دادن وقت خاص به منظور اقامه نماز، سوءاستفاده‌هایی صورت می‌گرفت که عملاً به اتلاف وقت اداری و عدم شرکت در نماز می‌انجامید، که این رویه ناصحیح، پیش از شیوع، اصلاح شد؛ حتی بعدتر، اقامه سریع نماز توسط مسئولان و کارگزاران نهادهای حکومتی و رسیدگی بیشتر به امور مردم، در جایگاه توصیه اخلاق اداری مطرح

شد که در حال حاضر، این موضوع در حال رسیدن به تعادل مطلوب است؛ یعنی در آن هم اهتمام به اقامه نماز، اصل قرار می‌گیرد و هم از اتلاف وقت و سوءاستفاده‌های احتمالی به بهانه شرکت در نماز جلوگیری می‌شود.

**۳. آموزش نماز:** آموزش، یکی از ارکان اصلی فرهنگ‌سازی در هر موضوعی است که بدون برخورداری از برنامه آموزشی منسجم، نمی‌توان انتظار توفیق چندانی در عرصه فرهنگ‌سازی داشت. استفاده از محتوای متقن و روزآمد، کاربست روش‌های نو و جذاب، به‌کارگیری ابزارهای آموزشی مناسب و برخورداری از مربیان متخصص و توانمند، قطعات دیگر پازل آموزشی است.

در موضوع آموزش نماز، اقدامات مناسبی انجام گرفت که از مهم‌ترین آن‌ها، تغییر محتوای کتب درسی دانش‌آموزان بود که در امتداد کار مبارک شهیدان باهنر، بهشتی و... پس از انقلاب با شدت بیشتری پی‌گیری شد. قرار دادن واحدهای «معارف اسلامی» در مواد درسی دانشجویان، که پس از انقلاب فرهنگی زمینه‌های آن فراهم شد، قدم مهم دیگر در این زمینه بود. انتشار کتب و نشریات تخصصی و بروشورهای مختلف در موضوع نماز و دقت در گزینش معلمان، اساتید و مربیان، نسل حاضر را در زمینه آموزش نماز بسیار پیش‌رفت داد.

#### ۴. تشکیلات تبلیغی و تبلیغ

**تشکیلاتی:** با خط‌دهی و هدایت راهبردی امام راحل و رهبر معظم انقلاب، در راستای تشکیل و تقویت نهادهای انقلابی، نگاه تشکیلاتی به مسئله تبلیغ دین نیز از برکات انقلاب اسلامی بود. در راستای همین اعتقاد به تبلیغ تشکیلاتی، نهادها و تشکل‌های تبلیغی متعددی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پایه‌گذاری یا جهت‌دهی گردید که از جمله آن‌ها می‌توان به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای تخصصی مرتبط با ترویج نماز، مانند ستاد اقامه نماز - که در سال ۶۹ تأسیس شد - اشاره کرد. تأسیس گروه‌های تبلیغی کوچک به دست روحانیون با هدف حضور در عرصه‌های فکری، فرهنگی و آموزشی. از جمله مدارس و شکل‌گیری مقوله «تبلیغ دانش‌آموزی». که نوعاً آموزش و اقامه نماز در اولویت‌های این تبلیغ است، یکی از جدیدترین اقدامات مبارکی است که در این باب شکل گرفته است. گرچه این حرکت مبارک نوعاً بدون حمایت‌های مستقیم دولتی و حکومتی و بیشتر به صورت خودجوش پیش می‌رود، فراهم آمدن بستر ایجاد چنین اقدامات فرهنگی سازماندهی‌شده و منظم را باید مدیون حکومت اسلامی بود.

تعریف «وقت نماز» در قالب آیین‌نامه‌های قانونی، اقدام مهم دیگری در جهت نهادینه کردن فرهنگ نماز به شمار می‌آید، که در زمان جمهوری اسلامی محقق شد. البته در برخی مقاطع تاریخی و در برهه‌ای نه چندان طولانی، با قرار دادن وقت خاص به منظور اقامه نماز، سوءاستفاده‌هایی صورت می‌گرفت که عملاً به اتلاف وقت اداری و عدم شرکت در نماز می‌انجامید، که این رویه ناصحیح، پیش از شیوع، اصلاح شد.





تعمیق فرهنگ نماز به مطالعات میدانی وسیع و ایجاد نگاه جامع و کلان به اصلاحات اجتماعی نیاز دارد که در نهایت به نهادینه‌سازی و درونی‌سازی فرهنگی منجر می‌شود. مادامی که مسئولان، سیاست‌گذاران و فعالان فرهنگی به زرق و برق‌ها، ظواهر، کتبی و سطحی دل‌خوش باشند، نمی‌توان و نباید انتظار نهادینه شدن فرهنگ نماز را داشت.

## ۵. فرهنگ نماز؛ بسترسازی، ترویج و

**گسترش، و تعمیق:** در بررسی هر فعالیت فرهنگی، دست‌کم این سه مرحله باید در نظر گرفته شود. فرهنگ‌سازی در موضوع نماز نیز از این قاعده مستثنا نیست و در این باب اتفاقات خوبی نیز رقم خورده است. ساخت مساجد، مصلاهای نماز جمعه و حسینیه‌ها، از جمله اقدامات مبارکی در زمینه بسترسازی است. برقراری نمازهای جمعه و جماعات در سطح وسیع، در مناطق مختلف کشور، در باب ترویج و گسترش، قابل تقدیر است؛ اما با وجود این، تعمیق فرهنگ نماز به مطالعات میدانی وسیع و ایجاد

نگاه جامع و کلان به اصلاحات اجتماعی نیاز دارد که در نهایت به نهادینه‌سازی و درونی‌سازی فرهنگی منجر می‌شود. مادامی که مسئولان، سیاست‌گذاران و فعالان فرهنگی به زرق و برق‌ها، ظواهر، با نگاهی کتبی و سطحی دل‌خوش باشند، نمی‌توان و نباید انتظار نهادینه شدن فرهنگ نماز را داشت. امید است، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای تخصصی در موضوع نماز، اولین قدم در همین جهت باشد؛ گرچه نمی‌تواند بار این مرحله دشوار را به دوش کشد و باید اقدامات اساسی و مطالعات جدی‌تری در این باب انجام پذیرد.

## نماز در هامبورگ

اصرار مراجع تقلید و نیاز مسلمانان هامبورگ به روحانی مبلغ و محقق موجب شد تا با قبول این رسالت، از دیار خویش هجرت کند.

«مسجد جامع ایرانیان»، مکانی بود که در آن مستقر شد و به فعالیت، هدایت و ارشاد مردم پرداخت. بنیان‌گذار این مسجد، آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه بودند. مسجد، نیمه‌کاره بود. از جمله فعالیت‌های او، تکمیل ساختمان مسجد بود، چون در جای حساس و زیبایی شهر قرار داشت و سروصدای مردم و شهرداری هامبورگ را درآورده بود. در اولین اقدام، نام مسجد را به «مرکز اسلامی هامبورگ» تغییر داد و آن جابه‌محلی برای فعالیت‌های اسلامی دانشجویان ایرانی معتقد و مسلمان، که پناهگاهی در خارج از کشور نداشتند و هم‌چنین خارجیانی که تمایل داشتند با اندیشه‌های اسلامی آشنایی پیدا کنند، تبدیل شد.

وقتی که برای اولین بار وارد ایستگاه راه‌آهن هامبورگ شد، متوجه شد که وقت نماز ظهر شده است. به قبله‌نمایی که داشت، نگاه کرد؛ سپس به گوشه‌ای رفت و همان‌جا مشغول نماز خواندن شد.

مردمی که از آن جا عبور می‌کردند، از دیدن این صحنه متعجب شده و پلیس را خبر کردند که یکی آمده حرکات غیرطبیعی انجام می‌دهد! در جواب پلیس گفته بود: «من مسلمانم؛ نماز هم واجب دینی ماست.» محکم گفته بود، آزادش کردند.

### داستان

علی بانسی

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۵۴





سیدحمید مشتاقی نیا  
(دانش آموخته سطح عالی حوزه و  
پژوهشگر حوزه دفاع مقدس)

## قبله آزادگی

جستاری کوتاه درباره نقش نماز در اسارت

ویژه نامه علمی ترویجی

۵۵ | پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



### مقدمه

می دهد. آنچه بر اسرای ایرانی در بند رژیم بعث عراق گذشت، و رای شرایطی بود که در اسارت گاه های شناخته شده دنیا در جنگ های جهانی و... ترسیم شده است.

گذشته از شرایط غیرانسانی حاکم بر فضای اردوگاه ها و فقدان حداقل امکانات مادی، این واقعیت را نباید فراموش کرد که اصل نبرد بین دو جبهه

اسارت، حتی اگر منطبق با قواعد و قوانین کنوانسیون ژنو باشد، باز هم وضعیتی غیرعادی و دشوار است. دوری از خانواده، آینده مبهم، عدم دسترسی به امکانات معمول اجتماعی و زندگی در حریم سیطره دشمن، از جمله عواملی است که دوران اسارت را سخت و ناهموار نشان





عراق و حامیان بین‌المللی‌اش با ایران اسلامی، محدود به مبادی جغرافیایی نبوده و از خاستگاهی ایدئولوژیک نشئت می‌گرفت؛ از این رو، اسارت را باید جلوه‌ای از استمرار نبرد اعتقادی بین قوای حق و باطل دانست. زندان بانان عراقی موظف بودند مظاهر ایمانی و ریشه‌های اعتقادی اسرای در بند را هدف قرار داده و از هر فرصتی برای انتقام‌جویی و ایراد خدشه به ساحت اعتقادات رزمندگان ایرانی بهره بگیرند؛ در مقابل، شیران در بند نیز با تأسی از عمق باورهای مذهبی خویش و بر مبنای منطق دینی خود، تلاش می‌کردند با اتخاذ تدابیری شایسته، حوزه نفوذ توطئه‌های متنوع و پیچیده دشمن را محدود و ناکام سازند. این مجاهدت خاموش بود که دوره سخت و طاقت‌فرسای اسارت را به مفهوم حقیقی «آزادگی» پیوند زد و گنجینه‌ای از آموزه‌های مکتب پای‌مردی و ایثار را، میراث گران‌سنگ تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ساخت.

### نماز؛ پُل عبور از بحران‌ها

بسیاری از انسان‌ها وقتی در تنگناهای زندگی قرار می‌گیرند، به ورطه ناامیدی غلتیده و به معضلات روحی و روانی مبتلا می‌شوند. آنچه را برای آزادگان در بند دژخیمان بعث، راه عبور از بحران‌های طاقت‌فرسا و قوت قلبی برای استقامت و صبوری بود، باید

در عمق اعتقادات آنان جست؛ نماز، نسخه‌ای برای دفع همه آفت‌های روحی و معنوی در دوران اسارت بود: «من و داوود به یکی از پادگان‌های بعقوبه منتقل و هر کدام در سلول انفرادی، زندانی شدیم. از صبح دست‌هایمان را از پشت بسته بودند. دیگر کمرمان خشک شده بود. درد در تمام بدنم می‌پیچید. سعی می‌کردم کمرم را راست کنم تا کمتر درد بکشم، ولی بی‌فایده بود! دست‌وچشم‌بسته مانده بودم، بدون این‌که بدانم کجا هستم! اول که وارد سلول شدم، به لولای در تکیه دادم و دور تا دور اتاق را با دست کشیدن به دیوار، ورنه انداز کردم؛ اتاقی بود به اندازه دو در سه متر. نیش‌های پی‌درپی پشه‌ها اعصابم را خرد کرده بود. در فصل پاییز و هوای شرجی عراق و هوای دم‌کرده سلول، حسابی عرق کرده بودم. با زحمت، کفش‌کنانی را از پا درآوردم. خواستم نماز بخوانم، اما وضو که هیچ، تیمم هم نمی‌توانستم بکنم. سمت قبله را هم که در آن سلول تاریک نمی‌توانستم پیدا کنم. خود را کنار دیوار کشاندم و به موازات آن ایستادم و نماز مغرب و عشا را خواندم. آن نماز برایم نمازی تاریخی بود؛ نمازی با دستانی که از پشت بسته بودند و چشمانی بسته، بدون تیمم و وضو و با آن همه دردسر؛ در جایی تنگ، بی‌آن‌که سمت قبله را بدانم. می‌دانستم که خداوند به حال بندگانش آگاه است.»<sup>۱</sup>



**نماز شب؛ رمز سلامت روح و جسم**  
 حجه الاسلام سيدعلی اکبر ابوترابی رضی اللہ عنہ که به «سید آزادگان» معروف است، در طول دوران اسارت همواره بر ضرورت حفظ و ارتقای سطح سلامت روح و جسم اسرا تأکید داشت. با توجه به جایگاه معنوی و رهبری فکری مرحوم ابوترابی، خط و مشی تبیین شده از سوی ایشان برای انس با نماز، به خصوص نمازهای مستحبی، مورد استقبال اسرا قرار گرفته و بر تقویت قوای آنان، تأثیری شگرف می‌گذاشت: «حاج آقا می‌فرمودند: برادران، آرامش فکری و سلامت جسمانی پیدا نخواهند کرد، مگر با تکیه به خداوند متعال و یاد و ذکر او در نمازهای نیمه‌شب. با این کلام‌های دل‌نشین مرحوم ابوترابی، من نیز مجذوب و شیفته شدم و مشتاق و شادمان، نمازهای شب را مرتب می‌خواندم.»<sup>۲</sup>

**نماز جماعت؛ پناهگاه امن اجتماعی**  
 گاه چنان عرصه بر جمعی، تنگ می‌شود که شاید دیگر کسی نتواند در نقش طبیب روح و روان، تأثیری در پیرامون خود داشته باشد! در چنین شرایطی، نسخه‌های مادی علوم زمینی، دیگر کارساز نبوده و برای نجات اجتماع باید به راه‌کاری فرابشری اندیشید. از مجموع خاطراتی که در فرهنگ اسارت و آزادگی به یادگار مانده، می‌توان این‌گونه فهمید که دشوارترین برهه تاریخ اسارت،

مربوط به ایام بیماری و ارتحال امام خمینی رضی اللہ عنہ است. اوج دل‌دادگی آزادگان سرافراز به پیر مرادشان، آن قدر وسیع و غیر قابل توصیف است که جز از زبان راویان و شاهدان آن دوران، بیان شدنی نیست. امید آزادگان در تمام فراز و نشیب‌های دوران اسارت این بود که روزی به موطن خود بازگشته و توفیق زیارت مقتدای محبوبشان را درک کنند. خبر ارتحال حضرت امام رضی اللہ عنہ، پشت آزادگان را شکست و غمی زایدالوصف را بر فضای عمومی حاکم ساخت. در چنین شرایطی که ممکن بود به یأس و سرخوردگی برخی اسرا منجر شده و استیلای معنوی دشمنان را رقم بزند، تنها یک راه‌کار جمعی برای نجات همگانی وجود داشت:

«سکوت همه‌جا را فرا گرفته بود. همه منتظر شروع اخبار بودند، زیرا شایعه ارتحال امام رضی اللہ عنہ همه بچه‌ها را مضطرب و نگران کرده بود. با این حال، هنوز یقین پیدا نکرده بودیم. بالاخره ثابته‌ها سپری شد و زمان پخش اخبار فرارسید. گوینده تلویزیون، خبر ارتحال امام را خواند. انگار ستون‌های بازداشتگاه برسرمان خراب شد! صدای گریه و شیون بچه‌ها، سکوت آسایشگاه را شکست. همه و هیاهو، تمام اردوگاه را فرا گرفته بود. بچه‌ها همه بی‌تابی می‌کردند. این بود که به پناه آخرمان روی آوردیم؛ در صفوفی منظم به نماز ایستادیم و شروع به راز و نیاز با خدا کردیم. نگهبانان عراقی، متحیر و





در برخی اردوگاه‌های اسارت، گاه آسرابی که تازه وارد بوده و نمی‌توانستند با شرایط اسارت کنار بیایند، دچار انزوا و افسردگی شده و با انفعال در مقابل شرایط حاکم بر اردوگاه، در خطر انحطاط فکری و عقیدتی قرار می‌گرفتند. نماز، حلقه‌ی اتصال‌ی بود که این افراد را به محفل معنوی سایر آزادگان کشانده و جبهه‌ی مؤمنان را تقویت می‌کرد.

ویژه‌نامه علمی ترویجی  
پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۵۸



سرگردان فقط نگاه می‌کردند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند. ما هم آرام‌ترین و پرشورترین نماز را در طول مدت اسارت برپا کردیم.<sup>۲</sup>

### نماز جمعه؛ شکوه آزادی

یکی از راه‌کارهای جذب افراد معمولی به جمع نیروهای ارزشی، اشاعه‌ی فرهنگ نماز است. در برخی اردوگاه‌های اسارت، گاه آسرابی که تازه وارد بوده و نمی‌توانستند با شرایط اسارت کنار بیایند، دچار انزوا و افسردگی شده و با انفعال در مقابل شرایط حاکم بر اردوگاه، در خطر انحطاط فکری و عقیدتی قرار می‌گرفتند. نماز، حلقه‌ی اتصال‌ی بود که این افراد را به محفل معنوی سایر آزادگان کشانده و جبهه‌ی مؤمنان را تقویت می‌کرد. این هم‌بستگی و تقویت قوا در برخی اردوگاه‌ها، نه تنها برنامه‌های دشمن را عقیم می‌ساخت، بلکه در مواردی باعث احاطه‌ی فرهنگ خودباوری و پایداری در فضای اردوگاه گردیده و جمهوری اسلامی کوچکی را در زمین دشمن و در مقابل چشمان متحیر آنان ایجاد می‌نمود:

«وقتی دیدیم جو اردوگاه ۱۸ بعقوبه با اردوگاه ۱۱ تکریت، خیلی فرق می‌کند و این‌جا آزادی وجود دارد و اسرا در حال و هوای دیگری هستند، بچه‌های ما شروع کردند به جذب بچه‌های جدید. یکی یکی این‌ها را کشیدیم به طرف خودمان. نماز یادشان دادیم، از آن حال و هوای زندانی بودن درشان آوردیم؛

آوردیم‌شان توی فضای اسارت. از این‌جا نماز خواندن‌ها یکی یکی شروع شد، تا کار به جایی رسید که نماز جمعه برپا کردیم؛ نماز جمعه‌ای آن‌جا خواندیم که امام جمعه‌اش «حاج آقا علی باطنی» بود. چقدر بزرگ و باشکوه بود نمازی که جلوی چشم عراقی‌ها خواندیم! تمام عراقی‌ها از وحشت، جمع شده بودند پشت سیم خاردار و با اسلحه و خیره نگاهمان می‌کردند.»<sup>۳</sup> هر برگ از تاریخ پرافتخار دوران اسارت، آموزه‌ای از سبک زندگی منطبق با دین و فطرت را در خود جای داده است. در این میان، نخ تسبیح حماسه‌ی سترگ آزادی و مقاومت در چنگال دشمن، که سرانجام شیرینی پیروزی را به دنبال داشت، جهان‌بینی توحیدی و اهتمام به معنویت بود که زیباترین مظهر آن، اقامه‌ی نماز است. امید است با واکاوی لایه‌های آشکار و پنهان تاریخ اسارت و دفاع مقدس، بتوان نسخه‌ی عملیاتی برون‌رفت از بحران‌های فرهنگی و اجتماعی را به پیشگاه فعالان و صاحب‌نظران این عرصه‌ها تقدیم کرد!

### پی‌نوشت‌ها

۱. قصه‌ی نماز، راوی: حسن حسن‌شاهی.
۲. پیام آزادگان، راوی: محمد امیری.
۳. سایت جامع آزادگان، راوی: محمد خالصی.
۴. همان، راوی: علی اکبر اصغرزاد فیاض.

## بی سیمِ الہی

داسستان

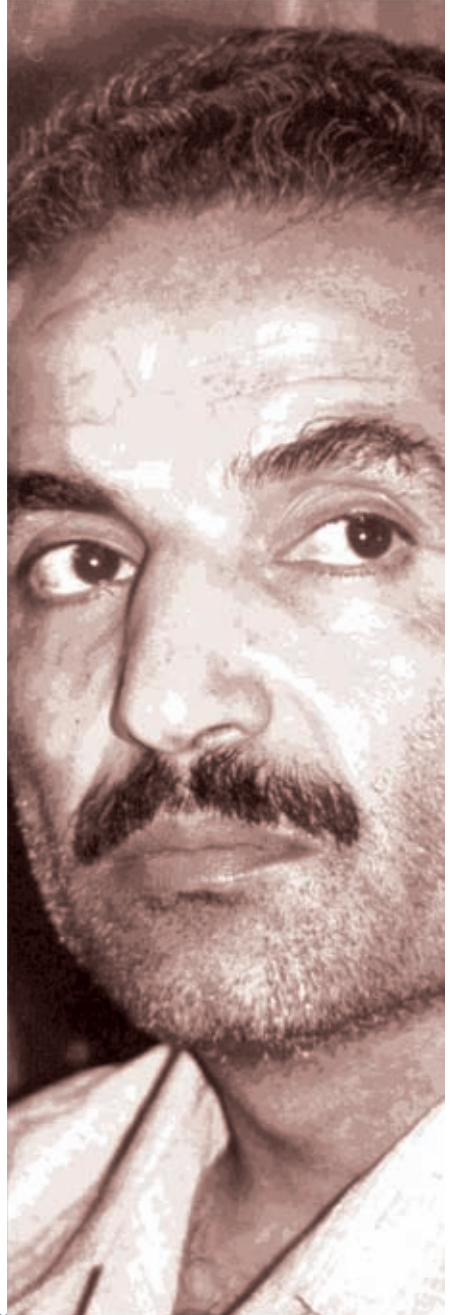
علی ہاشمی

برای انجام سخنرانی به اصفهان رفته بود تا در پادگان برای افسران و مسئولان صحبت کند. در حین پرسش و پاسخ مسئولان، صدای اذان از بیرون پادگان آمد. با شنیدن اذان ظہر، خطاب به حضار و جمع گفت: «آقایان! من الآن وسط سخنرانی یک سؤال می‌کنم: اگر تلفنی از تهران بشود؛ مثلاً امام با من کار داشته باشند، یک کار مهمی داشته باشند و خبر داده باشند برای مدت بیست دقیقه ضرورت دارد ارتباط تلفنی با مرکز برقرار کنم، شما اجازه می‌دهید من گوشی را بردارم، جواب بدهم و بعد سخنرانی را ادامه بدهم؟»

گفتند: «بله، آقا!»

گفت: «الآن دستگاه الہی خبر از انجام فریضه ظہر داده است. اگر شما می‌گویید تلفن امام خمینی را جواب بدهم، اگر کار حساسی بود تلفن را جواب بدهم، پس بگذارید بروم نماز بخوانم، بعد برای سخنرانی بیایم!»

شہید رجایی نیز بدون تکلف، سخنرانی اش را قیچی کرد. لحظه‌ای بعد در برابر نگاه ناباورانه حضار، با جمعی به نماز ایستاد و این تکلیف الہی را سروقت انجام داد.



ویژہ نامہ علمی ترویجی

۵۹: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



## به درستی که نماز نهی می‌کند از ...

اعتلای «فرهنگ نماز» و نقش آن در مقابله با تهاجم فرهنگی

محمدجواد مقدمی شهیدانی  
(نویسنده و فعال فرهنگی)



ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



### تهاجم خاموش

فرهنگی، دچار توهم توطئه شده‌اند! «نه این گزافه‌گویی تکراری و نه آن واقعیت محقق شده، هیچ‌کدام نباید موجب شود که با اشتغال به حواشی، از اندیشه در متن اتفاقات فرهنگی ناگوار جامعه مان، غافل بمانیم، هم‌چنان که نمی‌شود و نباید ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های اصیل فرهنگی. اجتماعی مان را نادیده انگاریم.

وقتی سخن از «تهاجم فرهنگی» به میان می‌آید، نجوای نانجیبانه و روح‌آزارِ روشن‌فکران غرب‌زده، دوباره در گوش می‌پیچد که این همه واقعیت عینیت یافته را به هیچ می‌انگارند و هم‌چنان به حرف تکراری و ملال‌آور خویش اصرار می‌ورزند که: «قائلان به مسئله تهاجم

در تعریف تهاجم فرهنگی گفته‌اند: «تهاجم فرهنگی، تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته تمام یا بخشی از یک یا چند گروه اجتماعی. فرهنگی یا ملت یا جامعه یا تمدن و یا دولت بیگانه است، برای تحمیل مبانی و اصول اجتماعی، باورها، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارهای مورد نظر خویش بر سایر گروه‌ها و جوامع؛ هم‌چنین ارائه اطلاعات انبوه به ملت‌ها و تغییر در نظام ارزش‌های آن‌ها، به طوری که تصمیم‌گیری‌ها در کشور مورد تهاجم، به تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و... کشورهای منجر شود که از این حربه استفاده می‌کنند».

تعریف پیش‌گفته، گرچه به ابزارها و روش‌های تهاجم فرهنگی اشاره ندارد، بستر، گستره و عرصه‌های مورد هجوم را مشخص کرده است. با وجود این، در بررسی تهاجم فرهنگی، دو مسئله اهمیت بیشتری دارد:

۱. هجمه نرم به نظام ارزشی و ساختار فرهنگی جامعه مورد هجوم، به منظور تخریب، ناکاراً جلوه دادن و از اعتبار انداختن همه عناصر مؤثر فرهنگی و ارزشی، که به خلأ و شکنندگی فرهنگی می‌انجامد و احساس نیاز به باورداشت‌ها و عناصر فرهنگی جدید را پدید می‌آورد.

۲. عرضه هدفمند عناصر فرهنگی و ارزشی جدید با جلوه‌های جذاب و دل‌نشین، که به دگرگونی فرهنگی و استقرار فرهنگ گروه یا کشور مهاجم می‌انجامد و بر تمام شئون زندگی انسانی، از اخلاق تا آداب و سبک زندگی، مناسبات

اجتماعی و باورهای دینی تأثیر می‌گذارد. با توجه به مطالب مزبور، مواجهه با تهاجم فرهنگی از سویی، به شناخت دقیق روش‌ها، ابزارها و ادبیات رفتاری دشمن نیازمند است و از دیگر سو، شناخت دقیق نقاط ضعف و قوت فرهنگ خودی را می‌طلبد، تا با کوشش در جهت تقویت نقاط قوت و برنامه‌ریزی همه‌جانبه در این راستا، جامعه در مقابل این تهاجم، از حالت انفعال خارج شده، از مضرات بی‌شمار آن برکنار بماند.

### نماز به مثابه قرارگاه فرهنگی

«فرهنگ» در جامعه ایرانی، به شدت با باورداشت‌های عمیق دینی و سنت‌های قوی مذهبی، با پشتوانه‌ای تاریخی در حدود چهارده قرن عجین است. از این روست که اساساً فرهنگ در جامعه‌ای دینی، در چارچوب کلیشه‌های وارداتی علوم انسانی غربی، قابل تعریف نبوده، مستشرقان و مقلدان ایرانی آن‌ها را یارای شناخت عمیق و ارائه تعریف دقیق از فرهنگ ایرانی. اسلامی نیست. گفتنی است، جماعت مذکور با تلاشی دست‌کم به طول چهار قرن، همواره در پی شناخت دقیق فرهنگ اسلامی. ایرانی بوده، بی‌اطلاع از این ماجرا نیستند. از دیگر سو، متأسفانه از آن‌جا که اندیشه‌وران این سرزمین نوعاً در منطق معرفتی کشورهای مهاجم فکر کرده‌اند، از مطالعه و شناخت عمیق عناصر فرهنگی اصیل جامعه ایرانی بازمانده‌اند. کوفتن بر طبل تعارض علم و دین و تعارض ملی‌گرایی و دین‌مداری.

تهاجم فرهنگی، تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته تمام یا بخشی از یک یا چند گروه اجتماعی. فرهنگی یا ملت یا جامعه یا تمدن و یا دولت بیگانه است، برای تحمیل مبانی و اصول اجتماعی، باورها، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارهای مورد نظر خویش بر سایر گروه‌ها و جوامع؛ هم‌چنین ارائه اطلاعات انبوه به ملت‌ها و تغییر در نظام ارزش‌های آن‌ها، به طوری که تصمیم‌گیری‌ها در کشور مورد تهاجم، به تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و... کشورهای منجر شود که از این حربه استفاده می‌کنند.





و این هر دو به تبع نزاع تاریخی کلیسا و فیلسوفان تحول خواه غربی. نشانه این مدعاست.

در چنین اوضاعی آشفته که ادبیات پژوهشی رایج در باب فرهنگ هنوز غرب زده است، سخنرانی از رابطه تهاجم فرهنگی با نماز، در جایگاه قرارگاه فرهنگی جنگ نرم، دشوار می نماید؛ آن چنان دشوار که شمار زیادی از جماعت منورالفرکان، یا بررسی گزاره های دینی در باب فرهنگ را اساساً بدتر از کفر ابلیس می شمارند و فرصت داد هیچ سخنی به مخالفان نشان نمی دهند و یا - به رسم معهود تاریخی - نان به نرخ روز می خورند و بر سبیل تقییه روشن فکرانه باقی مانده اند. از آن همه مقدمه که بگذریم، پرسش این است که: نماز در جایگاه عملی عبادی، چگونه قرارگاه تهاجم فرهنگی با آن همه عرض و طول می شود؟ پاسخ مستدل به چنین ادعایی البته جای تأمل و مباحثه بسیار دارد، اما آنچه این قلم در پی ادعای آن است، این که «نماز» در اسلام فقط عملی عبادی نیست که تنها، تأمین کننده رابطه خلق با خالق باشد، بلکه نماز جایگاه «ستون خیمه دین»، فرهنگ واره کاملی است با مقدمات و لوازم فراوان که همه در جهت تعالی انسانی و اعتلای اجتماعی در هندسه ای منظم، حول این محور قرار گرفته اند.

امتزاج سنت ها و فرهنگ ایرانی با عناصر ارزشی و گزاره های فرهنگ دینی، محوریت نماز در هندسه فرهنگ دینی و پیوستگی آن با مسئله امر و نهی دینی،

مجموعاً نماز را به قرارگاهی فرهنگی در مواجهه با تهاجم نرم دشمن بدل می کند. اما پرسش اساسی این جاست که: کدام نماز، چنین کارکرد مهمی دارد و مضرات فرهنگی و تمدنی دشمن در تهاجم فرهنگی را خنثی می کند؟ پاسخ را قرن ها پیش تر ائمه دین داده اند. ایشان از سویی، نماز را نهی کننده از فحشا و منکر - به نحو مطلق که شامل فرد نمازخوان، دیگران و اجتماع می شود - خوانده اند. از دیگر سو، آن را با عمود و ستون دین بر شمرده اند و از سوی سوم، امر به اقامه نماز کرده اند و نه صرفاً نماز خواندن! این است که نماز مطلوب در منظر دین که کارآیی فرهنگی و اجتماعی داشته باشد، نماز صحیح - تأمّ الأجزاء و الشریط. فقهی نیست که تنها رافع تکلیف و مانع عذاب الهی باشد، بلکه سخن از نماز مقبول در میان است؛ یعنی نمازی با همه مقدمات و ملزومات. اقامه نماز به این کیفیت، یعنی اقامه دین؛ یعنی برپا کردن خیمه دین با عمود و ستون نماز. اقامه نماز اما حتی به صرف برپا داشتن نماز مقبول هم محقق نمی شود، بلکه با ترویج فرهنگ نماز و فراگیری فرهنگ دینی عینیت می یابد؛ به دیگر سخن، با اقامه نماز است که «تنهی عن الفحشاء» در سطح عمومی محقق می شود و دین در عرصه جامعه سازی به کار می آید و از پوسته فردگرایی و عبودیت سکولار خارج می شود.

اگر نخستین پرسش روز حساب، از نماز است و اگر قبول شود، همه اعمال قبول می شود، پس نمی توان نماز را منحصر و

این که «نماز» در اسلام فقط عملی عبادی نیست که تنها، تأمین کننده رابطه خلق با خالق باشد، بلکه نماز در جایگاه «ستون خیمه دین»، فرهنگ واره کاملی است با مقدمات و لوازم فراوان که همه در جهت تعالی انسانی و اعتلای اجتماعی در هندسه ای منظم، حول این محور قرار گرفته اند.



نمازی که  
بی ارتباط با  
اجتماع باشد،  
نمی تواند عنصر  
خط دهنده در  
جبهه جنگ نرم  
باشد.  
نماز و افزایش  
قدرت درون زای  
فرهنگی  
مبارزه نرم در  
بستری انفعالی  
معنا نمی یابد و  
برای خروج از  
انفعال در این  
عرصه، افزایش  
قدرت درون زای  
فرهنگی و توجه  
به اصالت های  
فرهنگی و ارزشی،  
قدم اصلی است  
که دفاع نرم را  
سامان خواهد  
داد.



محدود به عملی عبادی در عرض دیگر اعمال و ذیلی عنوان کلی «دین» دانست، بلکه نماز را باید عنصر اساسی در فرهنگی دینی قلمداد کرد.

### نماز سکولار، نماز مشروع!

شاید در نگاه بدوی، کمی عجیب به نظر برسد که عملی عبادی را مصداقی از مکتب جدایی دین از سیاست بدانیم، اما واقعیت آن است که گاهی نماز به تبعیت از مکتب و مذهب، تابعی است از «سکولاریسم» و این یعنی نماز را کاری نیست با فحشا و منکری که در گوشه و کنار اجتماع در حال وقوع است و دارد فراگیر می شود! این همان نمازی است که در ایوان کاخ سفید،

کاخ الیزه، کاخ کرملین و حتی در حیفا و تلاویو هم حساسیتی را بر نمی انگیزاند، چراکه اساساً او را کاری نیست با حوادث پیرامونی، با جنگ سخت و نرم، با تهاجم فرهنگی و نظامی. چنین نمازی و چنین نمازخوان هایی در بستر مسجد و منبر و محراب سکولار پدید می آیند و در تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلامی، نظیر و نمونه زیاد دارد. ناگفته پیداست، نمازی که بی ارتباط با اجتماع باشد، نمی تواند عنصر خط دهنده در جبهه جنگ نرم باشد.

نماز و افزایش قدرت درون زای فرهنگی مبارزه نرم در بستری انفعالی معنا نمی یابد و برای خروج از انفعال در این عرصه، افزایش قدرت درون زای فرهنگی و







فرهنگ نماز  
 واجد نشانه‌ها و  
 نمادهایی است  
 که در عرصه‌های  
 گوناگون، از  
 معماری تا  
 موسیقی و  
 الگوی روابط و  
 آداب اجتماعی  
 و سبک زندگی،  
 جای ظهور و بروز  
 دارد؛ برای نمونه،  
 گلدسته‌های  
 مسجد، نشانه  
 و نماد فرهنگ  
 نماز در معماری  
 اسلامی است.  
 این‌که بلندترین  
 ساختمان،  
 گلدسته مسجد  
 باشد، نشانه  
 اعتلای فرهنگ  
 نماز در آن  
 زیست‌بوم خواهد  
 بود؛

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۶۴



توجه به اصالت‌های فرهنگی و ارزشی، قدم اصلی است که دفاع نرم را سامان خواهد داد. اصل دینی ترویج نماز، با همه مقدمات و لوازمش می‌تواند در مقاومت‌سازی فرهنگی، نقشی حیاتی ایفا کند.

اقامه نماز در اولین گام، حفظ هویت دینی جامعه را تضمین می‌کند و از فروپاشی سریع نظام ارزشی مبتنی بر مبانی دینی، پیش‌گیری می‌کند. یکی دیگر از عرصه‌های اثرگذاری نماز، ایجاد تیپ و طیف اجتماعی خاص. اهل نماز است که از نظر جامعه‌شناختی، نگاه خاصی را. از جهت اطمینان عمومی، انتظار انذار و راهنمایی اخلاقی، اصلاح ذات‌البین، برهم‌زدن احساس امنیت برای گناهکاران، تصفیه فرهنگی محیط زندگی و... موجب می‌شود که برکات پرشماری در جهت افزایش قدرت درون‌زا دارد. افزایش استحکام شخصیتی افراد نمازخوان، مسئله مهم دیگری است که مواجهه با ارزش‌های وارداتی نوپدید را آسان می‌کند و فرصت تصمیم‌گیری و تعقل درباره عناصر فرهنگی وارداتی را فراهم می‌آورد.

### نماز؛ نمادها و نشانه‌های فرهنگی

در مطالعه فرهنگ، نقش نمادها، شعارها و نشانه‌ها آن قدر پررنگ است که می‌توان از «زبان فرهنگ» سخن به میان آورد. با این نگاه، فرهنگ نماز واجد نشانه‌ها و نمادهایی است که در عرصه‌های گوناگون، از معماری تا

موسیقی و الگوی روابط و آداب اجتماعی و سبک زندگی، جای ظهور و بروز دارد؛ برای نمونه، گلدسته‌های مسجد، نشانه و نماد فرهنگ نماز در معماری اسلامی است. این‌که بلندترین ساختمان، گلدسته مسجد باشد، نشانه اعتلای فرهنگ نماز در آن زیست‌بوم خواهد بود؛ مسئله‌ای که در بازار مکاره برج و باروسازی‌های امروزی‌مان، عجیب از یاد برده‌ایم و قامت گلدسته‌ها در مقایسه با آسمان‌خراش‌های سربه‌فلک‌کشیده اصلاً به چشم نمی‌آید!

نجوای اذان، در فرهنگ موسیقایی‌مان، صدای ماندگاری است برای دعوت به خدا و همه خوبی‌ها، و چند دهه گذشته که از ابزار مدرن فعلی خبری نبود، رساترین صدا در هنگام نماز بوده است؛ صدایی که آن هم این روزها گاهی در هیاهوی شهرها و نغمه‌های ناکوک و گاه در میان فریاد گوش‌خراش فرآورده‌های تهاجم فرهنگی، گم می‌شود.

با فراگیری فرهنگ نماز، تیپ و طیفی مؤمنانه بروز می‌یابد که همه نمادها و نشانه‌های مخصوص به فرهنگ بومی و دینی و تمام ملاک‌های تمایز با فرهنگ بیگانه را داراست. پرهیز از تشبیه به کفار و فرهنگ بیگانه، و روی آوردن به ظواهر دینی، از دیگر جنبه‌های مهم در عرصه نشانه‌شناسی فرهنگ نماز است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸ (با اندکی تصرف).

# تشکل‌ها و سازمان‌ها

کار در سایه نماز  
مدرن‌ترین فرمول مدیریتی  
مرکزی تخصصی از جنس بندگی



یکی از راه‌کارهای سالم‌سازی محیط اداری، تقویت ارزش‌های معنوی و مذهبی و اهتمام هرچه بیشتر به مناسک و آیین‌های عبادی است. «نماز» که ستون دین و معیار قبولی سایر اعمال و افعال است، جایگاه رفیع‌تری در میان آیین‌های مذهبی دارد. نماز، آثار فراوانی برای تمام ساختارهای زندگی دارد. یکی از آن ساختارها، ساخت سازمانی و فضای اداری است.

غلام‌حیدر کوشا

## کار در سایه نماز

نقش نماز در سالم‌سازی محیط اداری

اداری، گامی مثبت در راستای سلامت جامعه و بهبودی فرهنگ جامعه است. ضرورت اصلاح اجتماعی و بهبود تعالی‌بخشی فرهنگی جامعه می‌طلبد که راه‌کارها و سازوکارهایی که به سلامت اداری مدد می‌رساند، بحث و بررسی شود. یکی از راه‌کارهای سالم‌سازی محیط اداری، تقویت ارزش‌های معنوی و مذهبی و اهتمام هرچه بیشتر به مناسک و

سالم‌سازی محیط اداری از دو حیث اهمیت دارد؛ نخست این‌که انسان مدرن بعد از خانواده، بیشترین زمان زندگی خود را در محیط اداری صرف می‌کند و سلامت اداری، حکایت‌گر سلامت اخلاقی و روانی قشر عظیم جامعه به شمار می‌رود. دیگر این‌که قریب به اتفاق کارکنان، مدیران فرهنگی جامعه و سیاست‌گذاران سلامت جامعه هستند؛ لذا سالم‌سازی محیط

ویژه‌نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ | ۶۶



آیین‌های عبادی است. «نماز» که ستون دین و معیار قبولی سایر اعمال و افعال است، جایگاه رفیع‌تری در میان آیین‌های مذهبی دارد. نماز، آثار فراوانی برای تمام ساحات زندگی دارد. یکی از آن ساحات، ساحات سازمانی و فضای اداری است. نماز، آثاری را در محیط اداری به دنبال دارد که هر کدام به سالم‌سازی محیط اداری کمک می‌کند.

## ۱. نماز و بهبود اخلاق اداری

نماز در جایگاه آیین عبادی و معنوی، تأثیر مثبت بر اخلاق اداری کارمندان بر جای می‌گذارد. از نظر اسلام، رعایت اصول اخلاقی باید در اولویت برنامه‌های سازمانی باشد. این مطلب در منشور اداری امام علی علیه السلام که در نامه‌ای به مالک اشتر نوشته‌اند، به خوبی روشن است. آن حضرت بر تقوا، نرم‌خویی، مهربانی، آسان‌گیری و دقت در انتخاب زیردست تأکید می‌ورزند. نماز، کبر و غرور را از بین می‌برد و نرم‌خویی و تواضع را موجب می‌شود. فاطمه زهرا علیها السلام یکی از علل تشریح نماز را «کبرزدایی» بیان می‌کنند و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز میان ایمان و نماز مقایسه کرده، نقش ایمان را تطهیر باطنی و نقش نماز را پاک‌سازی از رذایل اخلاقی دانسته‌اند.

یکی دیگر از اصول اخلاقی مربوط به سازمان‌ها و ادارات، رعایت حقوق مردم است. نماز از آن لحاظ که رعایت حقوق دیگران را شرط صحتش معرفی کرده است، به درونی‌سازی این اصل اخلاقی

کمک می‌کند. مطابق شرع اسلام، در پوشش، آب وضو، مکان نماز و حتی صف نماز باید حقوق دیگران رعایت شود و تضییع حقوق دیگران، سبب باطل شدن نماز می‌گردد. تمرین مکرر و روزانه حقوق دیگران، این عادت را در افراد درونی می‌کند که به حقوق دیگران حساس باشند.

## ۲. نماز و مسئولیت‌پذیری

«مسئولیت‌پذیری» از جمله اصول خدشه‌ناپذیر فعالیت‌های سازمانی است. نماز به طرز شگفت‌انگیزی، مسئولیت‌پذیری می‌آورد. بر اساس تحقیق «بشلیده» و همکارانش، نماز باعث تمرکز و در نهایت، باعث ایجاد مسئولیت و افزایش سعی و کوشش در جهت حل مشکلات زندگی می‌شود. کارشناسان امور مذهبی و مجریان برنامه‌های مذهبی و آیینی بر این عقیده‌اند که برگزاری نماز جماعت در محیط اداری و سازمانی، روحیه مسئولیت‌پذیری و مردم‌داری را در میان کارمندان افزایش می‌دهد.

شاید توجیه مسئولیت‌پذیری بیشتر نمازگزاران این باشد که خود نماز از مصادیق کامل احساس مسئولیت است؛ احساس مسئولیت مستمر در قبال خداوند. احساس مسئولیت در قبال خداوند سبب می‌شود که در طی زمان، این روحیه در انسان تقویت گردد و افراد در قبال خود، دیگران و محیط طبیعی احساس مسئولیت کنند. بر اساس تحلیل مزبور، اگر نماز در ادارات برپا

### «مسئولیت‌پذیری»

از جمله اصول خدشه‌ناپذیر فعالیت‌های سازمانی است. نماز به طرز شگفت‌انگیزی، مسئولیت‌پذیری می‌آورد. بر اساس تحقیق «بشلیده» و همکارانش، نماز باعث تمرکز و در نهایت، باعث ایجاد مسئولیت و افزایش سعی و کوشش در جهت حل مشکلات زندگی می‌شود.





شود، حس مسئولیت‌پذیری کارمندان نیز تحریک و تقویت خواهد شد.

### ۳. نماز و سلامت جنسی کارمندان

یکی از چالش‌های کار در ادارات، «امنیت جنسی» است. امنیت جنسی، هم سبب آرامش کارمندان می‌شود و هم سطح بازدهی فعالیت‌های سازمانی را ارتقا می‌بخشد. نماز و دیگر اعمال مذهبی، سلامت جنسی را موجب می‌شود. حضرت علی علیه السلام نماز و سایر عبادات را در رفع آسیب‌ها مؤثر می‌داند و تأکید می‌کند که: نماز و امثال آن، آرامش درون، کنترل چشم و ذلت و خواری هواهای نفسانی را به دنبال می‌آورد. بر اساس آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره

### ۴. نماز و وجدان کاری

وجدان کاری، وضعیتی است که در آن افراد جامعه سعی می‌کنند کارهایی را برعهده بگیرند که به بهترین وجه و با رعایت اصول و بهینه‌سازی به انجام رسانند. در روایات اسلامی، وجدان و انصاف افراد در محیط اجتماعی، شرط و جلوه پذیرش نماز معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «به طولانی بودن سجده‌ها و رکوع‌های افراد نگاه نکنید! شاید از سرعادت چنین می‌کنند و اگر چنین نکنند،

دچار ناراحتی شوند؛ به راست‌گویی و ادای امانت آنان بنگرید.» راست‌گویی و امانت‌داری، بازتاب وجدان سالم و انصاف بیدار افراد و مستقیماً متأثر از نماز است. در قرآن اوصاف نمازگزاران، ادای امانت، وفای به عهد و اقامه شهادت ذکر شده است. مشاهدات میدانی نیز گویای این امر است که افراد مهمتم به اعمال دینی، بیشتر بر صداقت و وجدان کاری تکیه دارند. پژوهش‌گران در تحقیقات خود دریافته‌اند کسانی که به دیدگاه خداپرستانه و اخلاق مطلق‌گرا معتقدند، بیشتر به قواعد و مقررات اخلاقی در محل کار پای‌بندند. این امر نشان از این است که وجدان کاری در میان متدینان، مؤمنان و کسانی که به امور



امانت‌داری، بازتاب وجدان سالم و انصاف بیدار افراد و مستقیماً متأثر از نماز است. در قرآن از اوصاف نمازگزاران، ادای امانت، وفای به عهد و اقامه شهادت ذکر شده است. مشاهدات میدانی نیز گویای این امر است که افراد مهمتم به اعمال دینی، بیشتر بر صداقت و وجدان کاری تکیه دارند.



معنوی و مذهبی اهتمام دارند، بیشتر از سایرین است.

## ۵. نماز و نظم کاری

منظم بودن، شروع و پایان برنامه‌ریزی شده کار و انجام هر کار در زمان خود، تضمین‌کننده موفقیت در کار اداری است. نظم و برنامه‌ریزی با اعمال مذهبی، از جمله نماز ارتباط وثیق دارد. زمان بندی و نظم در عبادات افراد را به رعایت نظم و کسب مهارت وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی در دیگر کارها تشویق می‌کند. طبق تعبیر قرآن: «نماز وظیفه‌ای برنامه‌ریزی شده و زمان‌مند است».

نماز به دلیل این‌که در زمان‌های خاصی انجام می‌شود و شرایط و ملاحظات خاصی را می‌طلبد، روحیه نظم را در انسان به وجود می‌آورد و هم‌چنین این امکان را تقویت می‌کند که انسان در تمام شئون زندگی، نظم و انضباط را رعایت کند. دین اسلام بر این است که نظم را از طریق عبادات نهادینه کند. تأکید بر رعایت نظم در صف نماز، اصرار بر رعایت توالی و ترتب در انجام مقدمات، شرایط و اجزای نماز، اختصاص زمان‌های خاص به نماز، لزوم نماز در ایام و ساعات خاص همه و همه مقدمه خوگردن به نظم است؛ نظمی که نمازگزاران در زندگی خانوادگی و حرفه‌ای بدان نیاز دارند و لازم است در طی زندگی با آن انس بگیرند؛ به تعبیر دیگر، نماز فرایند درونی سازی نظم و انضباط در زندگی است.

## دستِ شیطان

موقع نماز خواندن، وجودش سرشار از آرامش بود و خشوع در برابر خدا. هر وقت که حال بیشتری داشت و وقت هم اجازه می‌داد، وقتی به آیه: «أَيَّاكَ تَعْبُدُ وَ أَيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌رسید، با چشمانی اشک‌بار هفت بار این آیه را تکرار می‌کرد. همیشه نمازش را اول وقت می‌خواند و ما را هم به خواندن نماز اول وقت تشویق می‌کرد. آخرین بار که عباس<sup>۱</sup> به خانه آمد، صحبت‌هایش دل‌نشین‌تر از روزهای قبل بود؛ گفت: «وقتی اذان صبح می‌شود، پس از این‌که وضو گرفتی، به طرف قبله بایست و بگو: ای خدا! این دستت را روی سرم بگذار و تا صبح فردا برندار!»

به شوخی، دلیل این حرفش را پرسیدم و در پاسخ گفت: «مادر جان! اگر دست خدا روی سرم بماند، شیطان هرگز نمی‌تواند ما را فریب دهد».

۱. شهید عباس بابایی.

دین اسلام بر این است که نظم را از طریق عبادات نهادینه کند. تأکید بر رعایت نظم در صف نماز، اصرار بر رعایت توالی و ترتب در انجام مقدمات، شرایط و اجزای نماز، اختصاص زمان‌های خاص به نماز، لزوم نماز در ایام و ساعات خاص همه و همه مقدمه خوگردن به نظم است؛ نظمی که نمازگزاران در زندگی خانوادگی و حرفه‌ای بدان نیاز دارند و لازم است در طی زندگی با آن انس بگیرند؛ به تعبیر دیگر، نماز فرایند درونی سازی نظم و انضباط در زندگی است.





همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است **جهاد** نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند (۱۳۸۱/۱۲/۱۴)

اهم مطالبات رهبر معظم انقلاب (مدظله) پیرامون ترویج فرهنگ نماز، طی ۲۲ پیام به اجلاس سراسری نماز



### ستاد آقا مه نماز

- ۱ ترویج فرهنگ همگانی نماز و ترجمه‌ای آن
- ۲ توسعه ویژه به جوانان
- ۳ ترویج فرهنگ نماز در روستاها



### محققان علمی

- ۱ حرکتی نو در امر ترویج نماز
- ۲ تهیه منابع مورد استفاده برای هم‌زمانان
- ۳ لزوم تحقیق، نگارش و تبلیغ نماز



### والدین و خانواده‌ها

- ۱ اهتمام به نماز فرزندان و آموزش به آنان
- ۲ حضور در مساجد و انس با نماز
- ۳ دعوت نزدیکان به نماز و تمرکز بر آن



### اهل فرهگی

- ۱ وزارت ارشد و سازمان تبلیغات؛ استفاده از هنر برای نشان دادن ک...
- ۲ صدا و سیما؛ بهره‌مندی از پرزین شیوه‌ها و فرم‌های مدرن و هنری ک...
- ۳ هنرمندان؛ خلق آثار هنری با کیفیت و برجسته؛ سازمان ج...



### مسئولان

- ۱ نظامی؛ جدی‌تر گرفته شدن آموزش‌های عملی؛ به آن در...
- ۲ ورزشی؛ روح پهلوانی؛ آموزش با پانزده سالگی؛ تمرکز در تعیین وقت مسابقات ورزشی و...
- ۳ حمل و نقل؛ معمولی؛ برنامه‌ریزی و امکان‌سنجی؛ ارائه‌های در شرایط سخت...



### ویژگی‌های همگانی

- ۱ مقدم‌دانش؛ آغاز و برنامه‌ریزی و توجه به مسجود و اهمیت؛ به...
- ۲ توجه؛ به سبک‌های مختلف؛ و مفهومی؛ هم‌میزان؛
- ۳ ساخت و معدود؛ و آبراهه‌های مساجد و گفتار؛ از ک...



### آموزش و پرورش

- ۱ مؤلفین کتب درسی؛ تدوین متون درسی برای همه...
- ۲ مدیران ارشد؛ همکاری با سازمان‌های غیر...
- ۳ معلمان و اساتذ؛ توجه؛ تش...
- ۴ والیان؛ س...



### مویان مساجد

- ۱ ارتباط گیری همه جانبه و جذب جوانان بزرگ‌تری؛ برنامه‌های علمی و اخلاقی و...
- ۲ ارتباط با س...
- ۳ به سبک‌های مختلف؛ و...
- ۴ به سبک‌های مختلف؛ و...



### حوزه‌های علمی

- ۱ استفاده از طلاب جوان و الگو بودن تبیین و تبلیغ معارف آغاز و پرداختن به...
- ۲ موفقی و ف...
- ۳ توجه؛ به سبک‌های مختلف؛ و...
- ۴ دانش‌آموزی و اهمیت؛ به مراکز آموزشی...



## مدرن ترین فرمول مدیریتی

در مصاحبه با حجت الاسلام سید صمصام الدین قوامی

به کوشش  
محمد رضا نظری



ویژه نامه علمی ترویجی

پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳ / ۷۲



### مقدمه

می‌خوانید، گفت‌وگو با حجت الاسلام سیدصمصام‌الدین قوامی، مؤسس و مدیر این مؤسسه است. او فردی نام‌آشنا در رشته مدیریت اسلامی است و تاکنون ده‌ها مقاله و کتاب را به عرصه پژوهش [بنیاد فقهی مدیریت اسلامی] طرح بدیعی برای ارتقای وضعیت فرهنگی، از طریق ظرفیت مسجد و نماز ارائه کرده است. آنچه در ادامه

و فرهنگ تقدیم کرده است.].  
◀ فرصت‌ها و چالش‌های نماز و چگونگی آن در کشور را چگونه تبیین می‌کنید؟

نماز دارای دو جنبه «امامت» و «امارت» است؛ یعنی امام امیر است و امیر هم امام. در همین راستا، ما طرحی را به صورت پایلوت در استان قم شروع کردیم. در این طرح امام‌ها، چه جمعه و جماعت، چه امام‌امت، چه امام‌استان، چه امام‌شهرستان و چه امام‌مساجد اعم از جامع، بازار و محله‌ها، نقشی حکومتی و ولایی پیدا می‌کنند. در واقع خداوند، اجتماع مردم را کارگردانی کرده است؛ روزی سه بار با نوای اذان و به صورت طاهر، دور هم جمع و در برنامه مشخصی حاضر می‌شوند؛ با رفتار و فرهنگ از پیش تعیین شده، با آیین‌نامه و احکام استانداردهای معنوی خاص که در آن، وظایف امام و مأموم به صورت مشخص بیان شده و... همه این‌ها نشان می‌دهد نماز، امری حکومتی است و نماز جمعه و جماعت، تمرین هر روزه و هر هفته حکومت دینی است. بنابراین، امام وقتی نماز می‌خواند، مأموم نباید صدای خود را بالاتر ببرد و در حرکات از امام عقب بیفتد؛ این یعنی تمرین تبعیت از ولی امر. مأموم باید او را فصل الخطاب بداند. اعضای شرکت‌کننده در نماز نیز با هم ارتباط دارند؛ صف اول، نخبگان و خبرگان هستند و صف‌های بعدی باید منسجم باشد؛ تا صف‌های قبلی تشکیل نشده، صف‌های بعدی تشکیل

نشود؛ سازمان‌دهی و نظم شگفت‌آوری در نماز وجود دارد.

بنابراین، در مسجد بودن خودش حکومت است و حکم می‌خواهد. اگر این دیدگاه را بپذیریم که امام جماعت در مسجد بهره‌ای از ولایت دارد، همان‌گونه که ولی فقیه داری سه قوه قضاییه، مقننه و مجریه است، امام مسجد هم باید برای رفع اختلافات مردم قوه قضاییه داشته باشد، برای وضع قوانین و سیاست‌گذاری قوه مقننه، و برای توسعه و مدیریت اجرایی قوه مجریه داشته باشد. امامت جمعه شهرستان و استان هم همین‌طور، سه قوه خواهند داشت. اگر این مسئله درباره رهبری درست است، پس در امام‌های جماعت و جمعه نیز باید باشد. اجلاس‌ها باید بر این امر تمرکز کند و نماز را به جایگاه واقعی خودش برساند. مسجد با جماعت کوچکش، مثل مدینه النبی است. پیامبر ﷺ هم امام جمعه و جماعت بوده و همان‌طور که در نماز از ایشان تبعیت می‌کردند، در حکومت، قضاوت، سیاست و مدنیت هم از او تبعیت می‌کردند. جماعت و نماز را نباید دست کم گرفت. ما اسم این طرح را «امامت و امارت» گذاشتیم. در این صورت، مردم، بیشتر به جماعت روی می‌آورند، چون احساس می‌کنند مشکلات دینی و دنیوی‌شان در مسجد حل می‌شود. مسجد، مدیریت منطقه خودش را به عهده می‌گیرد و بار را از دوش حکومت برمی‌دارد.

نماز، امری حکومتی است و نماز جمعه و جماعت، تمرین هر روزه و هر هفته حکومت دینی است. بنابراین، امام وقتی نماز می‌خواند، مأموم نباید صدای خود را بالاتر ببرد و در حرکات از امام عقب بیفتد؛ این یعنی تمرین تبعیت از ولی امر.





جماعت همان‌گونه که ایجاد معنویت می‌کند، تولید سیاست و مدیریت هم می‌کند و اصولاً فلسفه نماز جماعت، همین است. حضرت پیامبر ﷺ و حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام هم امیر بودند و هم امام؛ بعدها امارت به سمتی رفت و امامت به سمتی دیگر. در زمان جمهوری اسلامی نیز، امامت با امارت متحد شده است؛ مقام معظم رهبری هم امام است، هم فرمانده و هم ولی فقیه. از این فرصت باید استفاده کرد.

◀ **آیا وارد شدن به این حوزه، سخت نیست؟**

اگر سخت است، آن بالا سخت‌تر است. چطور در سطح کلان می‌شود، ولی در سطح خرد نمی‌شود؟! نیرو قابل تربیت است. اگر جماعت و نماز به این حد نرسد، فایده‌اش پنج درصد است؛ ۹۵ درصد بلااستفاده است! لاییک‌ها همین کار را می‌کنند. اگر قرار باشد در جمهوری اسلامی، امام به یک سو و امیر به سوی دیگر باشد، همان مشکلاتی را خواهیم داشت که تاکنون داشته‌ایم و سال به سال مشکلات فرهنگی، نگران‌کننده‌تر می‌شود. در ابتدا خوش‌خیم بود، حالا دارد بدخیم می‌شود! راه حل در مدیریت است و مدیریت در نماز، امام، مسجد و مصلاست. خداوند این‌ها را به ما هدیه داده است، اما استفاده نمی‌کنیم و این، بخشودنی نیست. با این نگاه، تمامی این مشکلات حل خواهد شد. هر سال هم که ما اجلاسیه بگذاریم، اما از جایگاه مدیریتی وارد نشویم، فایده‌ای ندارد.

اگر قرار باشد در جمهوری اسلامی، امام به یک سو و امیر به سوی دیگر باشد، همان مشکلاتی را خواهیم داشت که تاکنون داشته‌ایم و سال به سال مشکلات فرهنگی، نگران‌کننده‌تر می‌شود. در ابتدا خوش‌خیم بود، حالا دارد بدخیم می‌شود! راه حل در مدیریت است و مدیریت در نماز، امام، مسجد و مصلاست.

◀ **مدل آزمایشی جواب داده است؟**

بله؛ ما داریم به مدت سه سال، این طرح را در پردیسان قم اجرا می‌کنیم؛ یعنی امام امیر می‌شود و امیر هم امام. اگر این امر تحقق نیابد، نماز هیچ‌گاه به جایگاه اصلی خود نخواهد رسید. ممکن است معنویت مختصری ایجاد کند، اما برای جامعه راه‌گشا نیست. این طرح، انقلابی در مدیریت کشور ایجاد خواهد کرد.





ویژہ نامہ علمی ترویجی

۷۵: پیش شماره اول / زمستان ۱۳۹۳



بله؛ امام جمعه، استانداری، شهرداری، سپاه، نیروی انتظامی و... همه در خدمت این طرح بوده‌اند. دلیلش هم این است که این طرح، بدیهی‌ترین و طبیعی‌ترین طرح است. بحمدالله به تدریج، موانع مدل «امامت و امارت» برطرف می‌شود. ما چهل سال زحمت کشیدیم؛ از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳.

◀ فکر می‌کنید در چند سال آینده،

◀ بر سر اجرای این طرح، چه موانع و چالش‌هایی وجود دارد؟  
الآن تقریباً همه مشکلات برطرف شده است. بنده امام جمعه موقت هستم و حکم رسمی گرفته‌ایم و داریم کار می‌کنیم. اگر پردیسان قم جواب دهد، می‌توان آن را در تمام کشور اجرایی کرد.

◀ آیا زیرساخت‌های پذیرش این طرح از سوی ادارات، انجام شده است؟

## بازخورد این طرح را خواهیم دید؟

الآن داریم بازخورد این طرح را مشاهده می‌کنیم. اگر در سال آینده کشوری شد، بازخورد آن آشکارتر خواهد شد. «اسماعیل هنیه» هم رئیس دولت غزه است و هم امام جمعه. مقام معظم رهبری هم همین‌گونه هستند. مگر جواب نداده است؟!

## آیا نهادهای دیگر، با این طرح رقابت می‌کنند؟

آن‌ها از خدا می‌خواهند که مشکلاتشان کمتر شود. الآن هم تقریباً استانداران خودشان را بازوی اجرایی نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها می‌دانند، ولی این امر تاکنون به صورت رفاقتی بود، که باید قانونی شود. الآن استانداری نیست که تبعیت معنوی نکند. استانداران هم با یک‌سری قوانین سروکار دارند که از سوی دولت ارائه

می‌شود.

شما فرض کنید استاندار، ده تا مدیرکل دارد که تحت امر او هستند. این‌ها با وزیرها ارتباط دارند، ولی تحت امر وزیر نیستند، بلکه از او قانون، برنامه و طرح می‌گیرند.

## قوانینی وضع شده یا نیاز به وضع دارد که به این طرح کمک کند؟

نیاز به وضع ندارد؛ اصلاً چیزی تکان نمی‌خورد. قرار نیست ساختاری شکسته شود. با همین وضعیت موجود، این طرح قابل اجراست؛ استاندار در ساختمان خود باید، هفته‌ای یک بار با امام جمعه استان جلسه می‌گیرد. انسجام بین امت و حکومت، چه فرصت‌هایی را برای نظام رقم خواهد زد؟ برخی مدیران تا هزینه‌فایده را نبینند، کمتر دل به دریا می‌زنند! به نظرم این انسجام، هزاران برابر



خواهد شد. مدیران این طرح را قبول کرده‌اند. مردم وقتی می‌بینند دولت از طریق مسجد مشکلاتشان را حل می‌کند، بسیار رغبت می‌کنند. در این طرح بسیاری از مشکلات مردم حل می‌شود. ما در مساجد پرديسان با مشاوره‌های خانوادگی، تربیتی و قضایی، نمی‌گذاریم پرونده قضایی تشکیل شود. آقای آملی لاریجانی می‌فرمایند: «ما سه میلیون پرونده داریم!» چرا باید این‌گونه باشد؟! به خاطر این‌که مساجد فعال نیستند. از نظر اجرایی هم مثل ریاست جمهوری است. الآن آقای روحانی دارند کارشان را انجام می‌دهند و حضرت آقا هم ایشان را هدایت می‌کنند. همین نقش هم در استان وجود دارد. استاندار با وزیر کشور ارتباط دارد؛ در نتیجه با کابینه در ارتباط است.

یکی از اصول مدیریت، وحدت فرماندهی است. الآن در استان‌ها، وحدت فرماندهی وجود ندارد؛ امام جمعه یک چیزی می‌گوید و استاندار چیز دیگری! در هیچ جای دنیا، ما دو فرمانده نداریم. ما با این طرح، یکی از مدرن‌ترین فرمول‌های مدیریتی را حاکم می‌کنیم. در دنیای مردم‌سالاری، باید یک رهبر داشته باشیم.

◀ فکر می‌کنید، نهادهای دینی چگونه با این طرح برخورد خواهند کرد؟

ما این طرح را برای تمام ائمه جمعه، ائمه جماعات، استانداران، شوراهای شهر و... تبیین کرده‌ایم و آن‌ها قبول کرده‌اند. این طرح، مخالفی ندارد. همه

از ما انتقاد می‌کنند که چرا زودتر این طرح را اجرا نکردید؟! یکی از آسیب‌ها، عدم مهارت لازم در میان نیروی انسانی است؛ آیا در این رابطه اقدامی صورت گرفته است؟ بنیادی که این طرح را تدوین کرده، برای کلیه کادرهای مورد نیاز این طرح، دوره آموزشی تعریف کرده است. کلیه این نیروها پس از تربیت شدن، به سوی صف فرستاده خواهند شد. الآن بسیاری از این‌ها، به مهارت‌افزایی و یا تعویض نیاز دارند؛ باید خبرگانی باشند که ائمه جمعه و جماعت را تعیین کنند.

◀ شما چه توقعی از مردم دارید؟

مردم، ولی نعمت ما هستند؛ آن‌ها اگر ببینند مشکلاتشان با این طرح حل می‌شود، خودشان آن را تبلیغ خواهند کرد. وقتی جوان‌ها دیدند رایگان ازدواج می‌کنند، خانه‌دار می‌شوند، جهیزیه داده می‌شود، حُب این باعث جذب است؛ مثلاً یک مسجد برآورد می‌کند که در محله ما دویست مجرد وجود دارد یا صد فقیر است. سریعاً از کسانی که وضعیت مالی بهتری دارند، درخواست می‌کند. ساختار مدیریتی هم در اختیار اوست و فقرزدایی می‌کند.

◀ فکر می‌کنید در ده سال آینده، مشکلات امروز حل خواهد شد؟

بنده مدعی هستم که با اجرای کامل این طرح، مشکلاتی نظیر: عفاف و حجاب، ازدواج جوانان و... حل خواهد شد و دشمن ناامید می‌شود؛ نماز یعنی همین.



# واقم الصلوة بالاذکر

## مرکزی تخصصی از جنس بندگی

نگاهی اجمالی به فعالیت‌های مرکز تخصصی نماز

به‌ویژه با پی‌گیری‌های قائم‌مقام وقت ستاد، حجت الاسلام والمسلمین کلباسی.

### کمبودها و نیازها

سیاست این مرکز از بدو حرکت، شناسایی کمبودها و نیازها در ترویج فرهنگ اقامه نماز و حرکت در جهت رفع کمبودها و تولید نیازها

با توجه به نیازهای روزافزون ستاد و فعالان ترویج اقامه نماز، به محتوای به‌روز و کاربردی، مربی متخصص و محصولات جذاب و اثرگذار، ضرورت وجود مرکز تخصصی در این حوزه نمایان بود. به همین دلیل، «مرکز تخصصی نماز» در سال ۱۳۸۹ در دل «ستاد اقامه نماز» شکل گرفت؛



بوده است. این حرکت در سه حوزه بوده است: ۱. تربیت کارشناس توان مند و تأمین کارشناس برنامه های فرهنگی و آموزشی؛ ۲. تولید پژوهش های کاربردی و راهبردی مورد نیاز؛ ۳. تولید محصولات فرهنگی. هنری جذاب و اثرگذار. مرکز در این سه حوزه، نشست ها، پژوهش ها و تولیدات متعددی داشته است.

مرکز تخصصی نماز، سه گروه تأثیرگذار «مربیان و مبلغان»، «خانواده» و «اهل رسانه» را در صدر خدمات دهی خود قرار داده است. یکی از کمبودها در ترویج فرهنگ اقامه نماز، در حوزه هنر و رسانه است. در این باره «واحد نماز و رسانه» مرکز، متکفل ارسال مطلب برای رسانه ها و در حقیقت، ترویج رسانه ای نماز است. کمبود دیگر، کاری جدی در سیاست گذاری، برنامه ریزی و ارائه راه کار برای نهادینه شدن فرهنگ نماز در بخش های گوناگون جامعه است. سند ما، پیام های مقام معظم رهبری به اجلاس های نماز است. «گروه پی گیر مطالبات مقام معظم رهبری» در مرکز شکل گرفته است؛ با این هدف که در چارچوب خط دهی های حضرت آقا، چشم انداز مرکز و نهادهای فرهنگی را در جهت اقامه نماز تبیین کند. کمبود دیگر، توجه نکردن به موضوع «تارکان نماز» است. «گروه پژوهشی دعوت به نماز» مرکز، در کاری عمیق، علل ترک نماز را به دست آورده و در راستای آن، به دنبال دست یابی به راه کارهای اساسی است. کمبود دیگر، نبود سایتی قوی برای به دست آوردن مطالب به روز درباره نمازی است، که درگاه الکترونیکی «معارف نماز» را

در اجلاس رونمایی می کنیم.

### رویکردهای محتوایی مبلغان

مبلغان مرکز از میان مبلغان موفق حوزه خانواده، دانش آموزی و دانشجویی پذیرفته شده اند. مرکز با آموزش معارف نماز به آن ها، حرکت تبلیغی آن ها را برنامه ریزی کرده است. سیاست اصلی تبلیغ معارف نماز، تعمیق نماز برای نمازگزاران و دعوت به نماز برای ترک کنندگان و بی توجهان به نماز است. به همین جهت، دورویکرد و سرفصل اصلی ما، «تکمیل نماز» و «دعوت به نماز» است.

در راستای سیاست توجه به خانواده، مرکز تاکنون ۲۰۰۰ نشست خانواده، ۱۰۰ نشست مدرّسان آموزش خانواده آموزش و پرورش، ۱۰۰ دوره آموزشی مربیان مهد کودک (شکوفه های باغ بندگی) و ۵۰۰۰ نشست دانش آموزی داشته است.

حضور مرکز در مدارس علمیه در این قالب ها بوده است: ۳۰۰ نشست مدراس علمیه (محراب)، ۳۶۰ دوره کوتاه مدت معارف نماز (مفتاح) و ۳۵ دوره تربیت مربی (معراج). گفتنی است، امسال در خود مرکز، پنجمین دوره آموزشی یک ساله اساتید مرکز، در حال برگزاری است.

### پژوهش های مرکز نماز

پژوهش مرکز نماز برای این تعریف نشده است که تنها اسمی داشته باشد و سردر کتاب خانه نصب کند و چند صفحه کتاب چاپ کند. این حوزه قرار است مرکز اتاق فکر و برنامه ریزی برای آموزش، تبلیغ و







ایمیل: m.namaz@chmail.ir و یا حضور در مرکز، از خدمات مشاوره و راهنمایی پژوهشی بهره‌مند گردند.

### تدوین کتاب در تمام عرصه‌های مرتبط با نماز در جامعه

هدف واحد تولید مرکز تخصصی نماز، تولید محصولات متنوع برای اقشار، سلیق و نیازهای گوناگون است. این واحد در کنار طرح‌ریزی و تولید محتوا، از طرح‌های جذاب هنری و فرهنگی استقبال کرده و در جهت تولید، اقدامات لازم را انجام می‌دهد. اهم تولیدات در حوزه کودک و نوجوان، محصولات فرهنگی، ترویجی و کمک آموزشی نماز است. این واحد نیز به جهت اهمیت تربیتی خانواده، نگاهی ویژه به این بستر تربیتی دارد.

در پایان از تمامی فرهیختگان، پژوهش‌گران و هنرمندان می‌خواهیم که این مرکز را از خود بدانند و آن را یاری کنند؛ زیرا ترویج نماز وظیفه اداری این مرکز نیست، بلکه وظیفه یکایک و لحظه به لحظه مؤمنان است.

شماره‌های مرکز:

مدیریت مرکز: ۰۲۵۳۷۸۴۱۸۶۰

آموزش: ۰۲۵۳۷۷۳۳۰۹۰

تبلیغ و ارتباطات: ۰۲۵۳۷۷۴۰۹۳۰

پژوهش و مطالعات راهبردی:

۰۲۵۳۷۷۴۰۹۲۰

تولید محصولات: ۰۲۵۳۷۸۴۱۸۶۲  
آدرس: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۲ (آمار)، ساختمان ستاد اقامه نماز، طبقه اول.

تولید مرکز و حرکت‌های فرهنگ‌ساز دیگر باشد. به همین دلیل، تولید محتوای مورد نیاز اساتید، مبلغان و مربیان نماز، اولین حرکت اساسی این واحد بوده است. برای این هدف، تولید درس‌نامه‌های تخصصی و صنفی را در دست دارد. بحمدالله دوره درس‌نامه تخصصی «معراج» در پنج جلد: «آداب»، «اسرار»، «آثار»، «نماز در ادیان» و «نماز در فرق اسلامی» را تولید کرده است و کتاب‌های: «دعوت به نماز»، «تفسیر نماز» و «فلسفه نماز» را پیش رو دارد.

کتاب درس‌نامه عمومی نماز با عنوان «مفتاح» تولید دیگری است که می‌تواند مرجعی برای فرهیختگان جامعه باشد. این واحد به سبب اهمیت بحث خانواده، کتاب «خانه بهشتی» را تولید کرده که به جهت استقبال گسترده، در کمتر از یک سال، به چاپ سوم رسیده است. قدم بعدی، نگارش درس‌نامه‌های تخصصی برای اقشار مختلف جامعه است که چند جلد آن، از جمله برای مربیان مهد کودک و مدیران دستگاه‌ها تولید شده است و در صدد تولید برای قشرهای دیگر هستیم؛ به ویژه درس‌نامه ویژه دختران و مادران. یکی از وظایف ستادی ما، تأمین محتوای مبلغان در صف است. در این راستا نیز کتاب‌های متعدد کمک تبلیغی تولید شده است.

### خدمات ویژه به پژوهش‌گران

واحد پژوهش و کتاب‌خانه تخصصی نماز مرکز، در خدمت پژوهش‌گران و مطالعه‌کنندگان این حوزه است. آن‌ها می‌توانند با شماره ۰۲۵۳۷۷۴۰۹۲۰ یا

